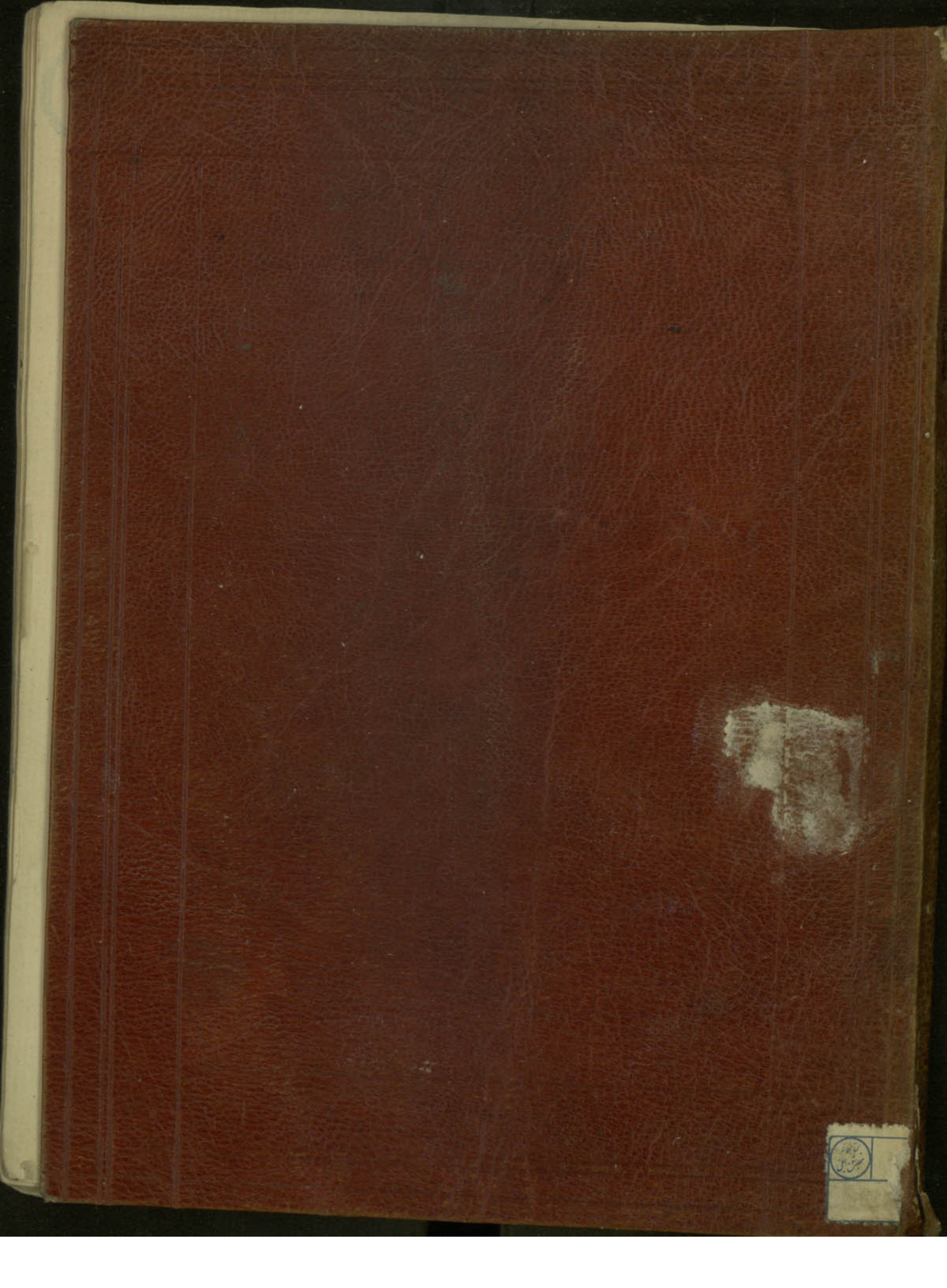
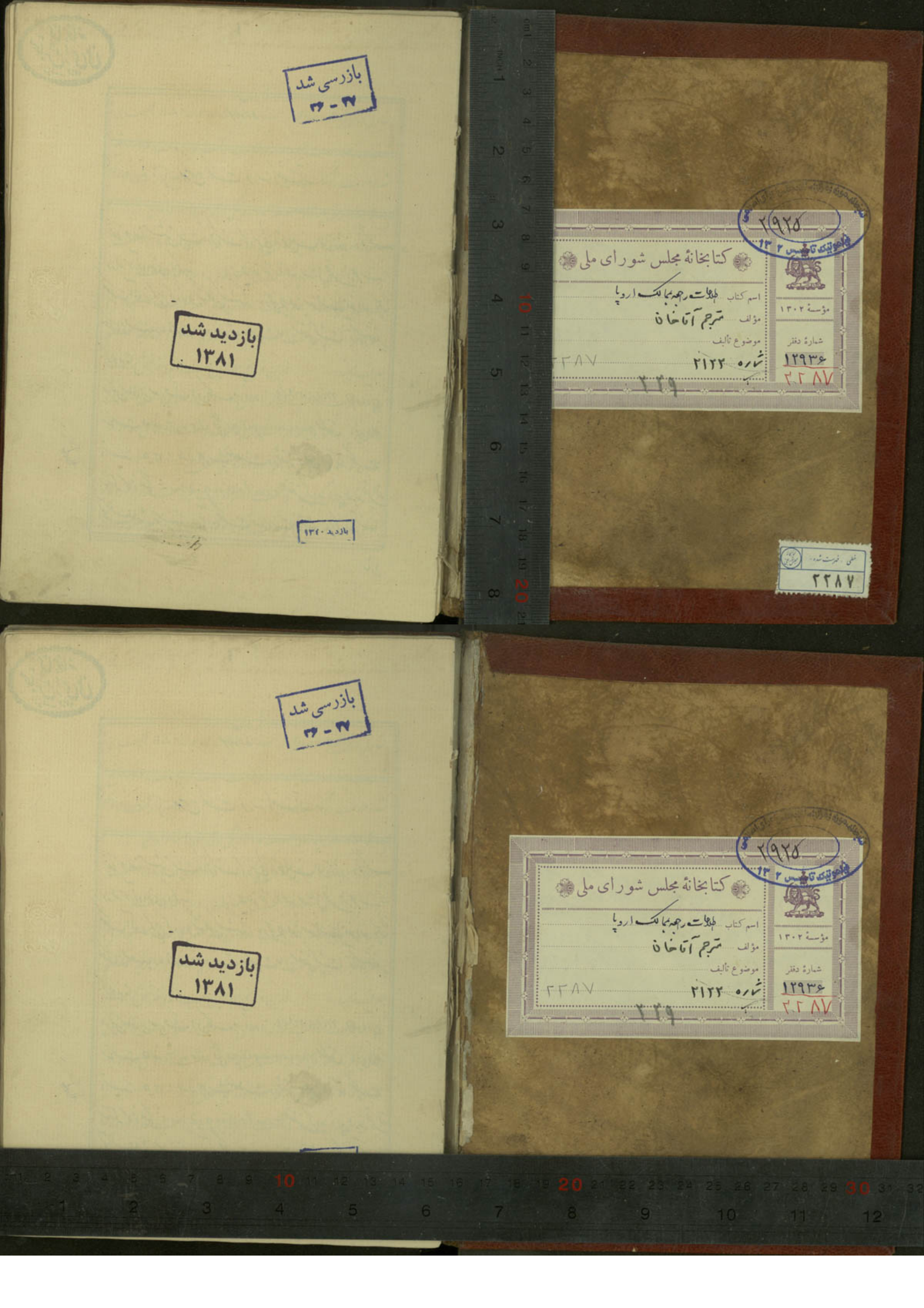



بازرسی شد
بازدید شد
۱۳۸۱
کتابخانهٔ مجلس شورای ملی
اسم کتاب
مؤلف
مترجم آقاخان
موضوع تألیف
مؤسسهٔ ۱۳۰۲
شمارهٔ دفتر
۱۲۹۳۶
۲۱۲۲
۲۲۸۷

بسم الله تعالی

در شرح مملکت فرانسه و کیفیت آن

لفظ فرانسه مشتق است از فرانک که اسم یکی از طوایف المانی بوده و فرانک در لغت آزاد و قوی را گویند این طایفه تقریباً چهارصد سال قبل از هجرت از مملکت آلمانی کوچ کرده و متوطن گشتند در محلی که فعلاً معروف بفرانسه و پس از جنگهای بسیار با اهل روم مدت دویست سال منقضی گشت تا آنجا را مستقل گردیدند

اولین سلطان معروف این ملک مِروُوه merovée بوده و بآن مناسبت طایفه اش را مروونگی merovingiens میگفتند این طایفه تا سنه (۱۳۵) بعد از هجرت سلطنت داشتند و پس از آنها مملکت بسلسله کارلوینگی carlovingiens منتقل گردید این طایفه قبل از آنکه بسلطنت برسند در آن مملکت صدارت داشتند و یکی از آنها

شارل مارتل Charles - Martel بوده از (۹۵) هجری تا (۱۲۴) صدارت میکرد و در جنگ بزرگ که در جنوب فرانسه واقع شد اعراب را شکست داد

پپن لوبرف Pepin le bref اول پادشاه سلسله کارلوونگی بوده پسر او شارلمان Charlemagne بود یعنی شارل کبیر که از (۱۵۱) هجری تا (۱۹۹) سلطنت میراند و در سال (۱۸۳) ملقب بامپراطور روم والمانی شد

[امپراطور یعنی شاهنشاه این لقب در زمان قدیم منحصر بیکی بوده و همچنانکه پاپ بر کلیه امور مذهبی ریاست داشت امپراطور هم در تمام امور عرفیه تحکم بعرف مینمود ازین تاریخ ببعد این لقب بدو نفر تعلق گرفت یکی در مغرب اروپ بود که تا سال (۱۲۲۱) از سلاطین المانی و اتریش بود و دیگر در مشرق که در اسلامبول اقامت داشت تا در سال (۸۸۵) هجری دولت عثمانی اسلامبول را مسخر نمود او را هم منضم کرد]

شارلمان اول کسی بود که مملکت را بولایات جزو قسمت نمود و بهر ولایتی حاکمی مامور کرد و جزو اعظم خاک آلمانی و فرانسه و ایتالیا را بحیطه تصرف درآورد

و مدارس بسیار بنا نهاد و فرقه ساکس را که بت پرست بوده بمذهب عیسوی درآورد و کشیشها با تجدد فرستاد و کلیساها بنا کرد در سال (۱۹۹) هجری وفات یافت و در اکس لاشاپل Aix la chapelle مدفون شد

چون شارلمان درگذشت پسرش لوئی اول بر تخت نشست و مدت شانزده سال سلطنت کرد و در آن زمان بسبب یاغیگری امراء و حمله طایفه نرمان ضعف کلی بسلطنت وارد آمد و در سال ۲۲۶ وفات یافت پس از او سه پسرش مملکت را به سه قسمت کردند این فقره بیشتر اسباب تقویت یاغیگران و ضعف مملکت گردید

نرمان از طوایف نرمان بودند که از ولایات شمالی اسکاندیناوی آمده و در بحر ملاحی کمال تسلط داشتند و بحر و جنوب را سیر میکردند و تمام مواضعیکه در سواحل بود غارت مینمودند تا در زمان شارلمان بداخل مملکت فرانسه شده و بعد از او سه مرتبه شهر پاریس را بقبضه گرفتند و نیز تا داخل ممالک المانی و سوئیس رفته و تمام انگلستان را بتصرف درآوردند

شارل دوم در ۲۲۱ بر تخت نشست و بجهت دفع نرمانها از سلطان آلمانی امداد

طلبیده ولی جنگ واقع نشده مبلغ گزافی بآنها داده ساکت شدند تا آن زمان اهالی فرانسه کلیتاً بزبان آلمانی تکلم مینمودند و از آن پس بزبان لاتین مخلوط شده و بزبان فرانسه معروف گشت

در سلطنت شارل سیم ملقب باحمق امیر نرمان مذهب عیسوی را قبول کرده و خاک نرماندی را از سلطان تیول گرفتند

بعد از شارل سیم سه نفر دیگر از این سلسله سلطنت کردند ولی در تحت حمایت سلطان آلمانی در سلطنت لوئی پنجم ملقب به تنبل هوگ کاپت Hugues Capet که یکی از امرای فرانسه بود طغیان کرده و سلطان را خارج نموده خود در سال ۳۷۷ فرمانفرما گشت هوگ کاپت اول پادشاه سلسله کاپتینی بوده که (۳۸۶) وفات یافت و در زمان او بوده که آن مملکت را بفرانسه موسوم ساختند و رعایا را فرانسوی گفتند بعد از فوت او امراء و سرکردگان اطاعت نکرده آغاز سرکشی گذاردند و آخر الامر متصرفات سلطان بعد منحصر شد به قطعه بسیار کوچک ما بین امرای یاغی از همه قویتر دوک نرماندی Duc de normandie بود و یکی از

ژکهای نرماندی هم که در (۴۵۸) انگلستان را مسخر کرد و از آن بعد مستقل گردید
و همیشه در صدد فرانسویها بود و با آنها اظهار دشمنی میکرد و در آن زمان بود
که نورمان دو نورکونیه بدست
آلمانی افتاد و در سال ۴۲۵ بود که جزو اعظم شهر پاریس را سوزانیدند
در سلطنت پنجمین سلطان این سلسله یعنی لوئی ششم معروف بقطور سلطنت
فرانسه کمی قوت یافت و در سلطنت لوئی هفتم که از (۵۳۲) تا ۵۷۶
بطول انجامید بواسطه طلاق زوجه اش که بعد بنکاح هنری دویم پادشاه
انگلیس درآمد قریب تمام املاکش که در صداق او بود از دست رفت
در این زمان بود که مدرسه یونیورسیته پاریس بنا شد و معروفترین یونیورسیته
سنین متوسطه بود و صاحب بیست هزار نفر شاگرد ابتدای ظهور
آلبی ژوا Albigeoises که مذهب تازه اتخاذ کرده بودند در آن زمان بود
فلیپ دویم که از ۵۷۶ تا ۶۲۰ سلطنت داشت پادشاهی کافی و زیرک
کردار بود و دولت فرانسه در زمان او ترقی کرده و از تدبیری که داشت پسرهای
هنری دویم پادشاه انگلیس را بر مخالفت پدر برانگیخت و باین وسیله از دولت

انگلیس مستر و سخت اعلی که راه پدرش از دست داده بود و در سال ۵۸۶
باتفاق ریشارد پادشاه انگلیس بتسخیر بیت المقدس عازم شده و ریشارد را
در بین راه گذارده خود مراجعت نمود و بعضی املاک دیگر از انگلیس تصرف
آورد و در سال ۵۸۷ بود که خندق و حصاری بقطر سه ذرع دور شهر
پاریس بنا نهاد با پانصد عدد برج
چون ریشارد از بیت المقدس مراجعت نمود با فلیپ دویم ساز جنگ
آغاز کرد و فوتش در ۵۹۶ اسباب اختتام جنگ گردید و نرماندی
و برتانی Bretagne و آنژو Anjou و تورن
Touraine از تصرف انگلیس خارج شد در جنگ
دیگر که در ۶۱۱ واقع شد مجدداً دولت انگلیس را شکست داده اسباب اقتدار
و اعتبار دولت فرانسه گردید
لوئی هشتم پسر فلیپ دویم مدت جهانداریش سه سال بود و مملکت را ابین
سه پسرش قسمت نمود و ارشد اولادش لوئی نهم بود
لوئی نهم بعد از فوت پدر شخصاً برفع شرارت و یاغیگری بعضی از امراء

دیگر کولهان بود و عاقبت بمدد و راهنمائی مادرش بر آنها فائق آمد و در
سال ۶۴۱ تولوز Toulouse را بتصرف آورد و پس از آن عازم
تسخیر بیت المقدس گردید و مدت شش سال کارزار مینمود در تمام این مدت
امورات سلطنتش در دست مادرش بود و در سال ۶۵۲ با انگلیس صلح نمود
واکوئی تن aquitaine را بسلطان انگلیس تسلیم کرد در سال ۶۶۹
دوباره بعزم تسخیر بیت المقدس رفته در تونیز Tunis
وفات یافت و مشهور است به لوئی مقدس
در سلطنت فلیپ سیم که از سال ۶۶۹ تا ۶۸۴ بطول انجامید بازار علوم
در فرانسه رواجی پیدا کرده و ترقی بسیاری در آن واقع شد مخصوصاً از باب کتب
عربی و غیره که از مشرق زمین حمل میشد و بنای پارلمان هم در آن زمان شد
فلیپ چهارم که معروف بوجیه بود ملک رانیش از ۶۸۷ الی ۷۱۴
بوده قوت کشیشها را کاسته پاپ را محبوس ساخت امرا و بزرگان را
نیز ضعیف نموده ادارات مختلف بنا نهاد و اداره پولیس را دایر نمود
و لیون Lyon و فلاندر Flandre را بتصرف درآورد

بعد از او لوئی دهم و فلیپ پنجم و شارل چهارم بترتیب سلطنت کردند
سلطنت فلیپ ششم از ۷۲۸ تا ۷۵۱ بوده و جنگ عظیمی با پادشاه
انگلیس واقع شد و بملاحظه اینکه سلطان انگلیس خواهرزاده شارل چهارم بود
دعوی سلطنت مملکت فرانسه نمود و عاقبت انگلیسها فتح کرده هم در
بحر و هم در بر مخصوصاً در جنگ کرسی Crecy که در سال
۷۴۷ واقع شد و برتانی مجدداً بتصرف انگلیس آمد در آن عصر بود که
طاعون شدیدی در فرانسه واقع شد و چون فلیپ ششم ملک دوفینه
Dauphiné را ابتیاع نمود از آن وقت بعد لقب
ولیعهد فرانسه دوفن Dauphin گشت
ژان لوبن Jean le bon بعد از فلیپ ششم بر تخت نشست
و مدت جهانداریش از ۷۵۱ تا ۷۶۵ امتداد داشت سلطان
ضعیفی بود چنانچه در ۷۵۷ از پادشاه انگلیس شکست فاحشی خورده محبوساً
بانگلستان برده شد و چون اهالی فرانسه بی پادشاه مانده بنای یاغیگری
گذاردند ولیعهد فرانسه بهمراهی امراء دفع یاغی گری را نموده و با انگلیس

محاربه نمود و چون پادشاه انگلیس پروزکار فاتح و ولیعهدش ناخوش و
بستری بود بسهولت فتح کرد   در این سلطنت جمعیت پاریس به ۲۸۰
هزار نفر رسید

شارل ششم ملقب بعزیز در ۱۲ سالگی بتخت نشست چون سنش مقتضی
نبود زمام سلطنتش در دست اعمامش افتاد و اغتشاش زیاد در مملکت واقع شد
و سلطان از مشاهده این حوادث حالت بهت پیدا کرد

دوک دو برگونی پاریس را محاصره نمود اهل پاریس از او تمکین نکردند از
انگلیسها امداد طلبیده و در ۸۱۸ در آجین‌کورت agincourt
فرانسویها را شکست دادند و سه سال بعد پاریس را مسخر نمودند و بعد از مصالحه
قطعه شمالی فرانسه در تصرف آنها باقی ماند

بعد از او شارل هفتم ملقب بمظفر بسلطنت رسید و در آن وقت ژان
دارک Jeanne d'arc که دختری بود بسن هیجده سال امرا فرانسه را
تحریک و ترغیب نموده با انگلیسها جنگید و آنها را شکست داد ولی انگلیسها
او را دستگیر نموده و در ۸۳۴ سوزانیده شد   دوک دو بورگونی که تا آن

با انگلیسها متفق و همراه بود از این سال بعد با پادشاه فرانسه متحد شده
و انگلیسها را از خاک فرانسه خارج کردند و فقط همان شهر کالیه
Calais که در شمال فرانسه بود بتصرف آنها باقی ماند   در این سلطنت
بود که نظامی ترتیب دادند و قشون حاضر رکاب تهیه گردید و بجهة مخارج
آنها مالیات کافی بر املاک بسته شد و اداره استیفاء نیز در این عصر
مقرر گردید   و در وقت این سلطان دولت فرانسه بسیار قوی شده بود
و امرا یاغی یکجا مضمحل و همه جهة دو نفر مابین آنها بودند که فی الجمله اسمی
داشتند یکی دوک دو بورگونی Duc de Burgogne
و دیگر کنت دو پرووانس Comte de Province
چون لوی یازدهم بسلطنتش رسید امرا مجدداً آغاز خودسری گذاردند
ولی سلطان با کمال شدت و سختی آنها را تمام کرد   دوک دو بورگونی
هم در سال ۸۸۳ در نانسی nancy شکست کلی از ارتش
خورده و مقتول گشت   و اکثر املاکش بدست لوئی یازدهم افتاد
و در آن زمان نیز طاعون شدید و قحطی سختی در فرانسه واقع شد که صد هزار نفر در

خود پاریس تلف شدند

پس از او شارل هشتم بر تخت نشست چون خیلی کوچک بود زمام سلطنتش
بدست خواهرش افتاد که از حسن کاردانی و کفایتش در ۸۹۶ برتانی را
بتصرف آورد و بعد با انگلیس و اسپانی صلح کرد و در سال ۹۰۰ ناپل را
مسخر کرد و این سبب المانی و اسپانی و وندیک محض دفع او با یکدیگر ملحق
شدند چون چنین دید لهذا ناپل را از دست داد و بعد از سه سال وفات شد
لوئی دوازدهم پس از او بر تخت نشست و تا سال ۹۲۱ سلطنت کرد در
تمام این مدت با اسپانی و انگلیس و وندیک و سویس و آلمانی جنگ داشت
گاه غالب میشد و گاه مغلوب

پس از او سلطنت به فرانسوا اول (François I) منتقل شد
با سویسها بنای جنگ گذارده آنها را شکست داد و بعد مدت پنج سال
با امپراطور آلمانی که بر اسپانی هم سلطنت داشت و انگلیس جنگید تا در
۹۳۱ صلحنامه مادرید منعقد شد و موافق این قرارداد بورگونی و ناپل
و میلان میبایستی از جمع فرانسه موضوع شود ولی بعد از انعقاد صلح راضی

نشده که بورگونی را از دست بدهد مجدداً ساز جنگ کرده و در ثانی نیز
شکست خورد   در این دفعه چهار کرور اشرفی وجه مصالحه داد تا بورگونی در
دست او بماند   در سال ۹۴۳ عهدنامه با دولت عثمانی منعقد نمود
و با اسپانی مدت ده سال در جنگ بود بعد از آن چند سال بحالت صلح
گذرانده و ضمناً ۱۲۰۰۰۰ نفر قشون تهیه کرده و با انگلیس و المانی بنای
جنگ گذارد ولی در سال ۹۵۱ لشکری عظیم از این دو دولت تا نزدیکی
پاریس آمده مجبور شده صلح نماید و سه سال بعد وفات یافت
نتیجه جنگهای فرانسوا اول این بود که ایطالیا یکجا از تصرف فرانسه خارج شد
و امپراطور آلمانی خیلی قوی و معتبر گردید   در این سلطنت ترقی بسیار
در صنایع و علوم و شعر و نقاشی وغیره واقع شد و تشویق بسیار از ارباب
علوم و کمالات میشد و چند باب یونیورسیطه و عمارت لوور
Louvre در پاریس از بناهای اوست و در مذهب کاتولیک
خیلی متعصب بود در ۹۴۲ حکمی مقرر داشت که با پروتستانها مثل
کفار سلوک شود و بمقتضای این حکم خیلی آنها را اذیت میکردند و جمع کثیری

ازآنها را سوزانیدند

چون هنری دویم بر تخت نشست زمام سلطنتش در دست زوجه‌اش دین
دوپاتیر Diane de Patiers فقط بیست سال از او بزرگتر بود
با یکس Lasce ملحق شده در سال ۹۵۹ شهر متز Metz
را از امپراطور گرفت و در پنجسال بعد از دولت اسپانی شکست خورد
و بعد شهر کاله Calais را از انگلیس گرفت در سال ۹۶۶
فوت شد

آلمانی و اسپانی که تا آن زمان در تحت یک سلطان بود از آنگاه به بعد
مجزی شد و اینهم خیلی مفید بود بحال فرانسه

فرانسوا دویم مدت ولایتش یک سال بود و در آن سال بر منافرت
و معاندت پروتستان و کاتولیک افزوده شد

پس از او شارل نهم بسلطنت رسید چون طفل بود مادرش کاترین
دومدیسی Catherine de medici نیابتاً از جانب او
حکومت میکرد و ابتدا با پروتستانها یار بود و در ۹۷۰ مقرر نمود

دو با فرقه پروتستان و کاتولیک بدون امتیاز و علی السویه بیک قسم
رفتار شود فرقه کاتولیک از این فقره متغیر شده به پروتستانها اذیت
میکردند و اسباب اغتشاش شدند باین لحاظ خود پادشاه با کاتولیک متفق
شده و پروتستانها را که باسم هوگنوت Huguenots
مشهور بودند صدمه میزدند تا آنکه یازده هزار نفر پروتستان از آلمانی
کمک هم مذهبهای خود آمدند و پس از جنگهای متعدد و کشتار زیاد
صلح کردند و در ۹۷۸ نیز مجدداً صلحی منعقد شده و مقرر گردید که کاتولیک
و پروتستان بی‌تفاوت باشند ولی کاترین پسر خود را تحریک نمود
که فتوای قتل پروتستانها را امضا نمود و در سال ۹۸۰ در یک شب ۳۰۰۰۰
نفر آنها را بقتل رسانیدند و آن شب معروف شد به ماساکر دو لانوئی
دوسنط بارطلمی Massacre de la nuit de
St Barthelmy - دو سال بعد از این واقعه شارل نهم
فوت شد چون هنری سیم بسلطنت رسید هنوز پروتستانها را صدمه میزدند
تا در سال ۹۸۸ مجدداً صلح بستند

هنری سیم بملاحظه اینکه بمذهب پروتستان بود لهذا فرقه کاتولیک فرانسه
او را قبول نکرده و امرای فرانسه بکمک اسپانی یاغی شده هنری سیم را
مجبور نمودند که پروتستانها را اذیت کند و در ازای این کار اهل پاریس
طغیان نموده و پادشاه فرار کرد و عازم اردوی هنری دوناوار شد
Henri de navare چون ولد عقب بود
او را ولیعهد خود قرار داد و در اثنای راه در سال ۹۹۷ بقتل رسید
هنری دوناوار ولیعهد او بر تخت نشست و موسوم بهنری چهارم
گشت در اول شکست فاحش بکاتولیکها داد ولی فقط بجهت رعایت
امنیت و حفظ حال مملکت خود در سال ۱۰۰۱ بمذهب کاتولیک
درآمد و جنگ مرتفع شد و دو سال بعد بپاریس آمده شخص اصلاح امورات
عموم شد و در سال ۱۰۰۷ قرارنامه صادر که موسوم بود به ادیکت دونانت
Edit de nantes که بر طبق آن تمام مذاهب جاریه در فرانسه
آزاد باشند و در ۱۰۱۹ راوایاک Ravaillac نامی
بضرب خنجر او را مقتول ساخت در سلطنت او کمال امنیت و رفاهیت در

مملکت فرانسه واقع شده بود و مبلغ دویست کرور تومان وجه نقد در
خزانه دولت موجود بود

بعد از او لوئی سیزدهم که سن هشت سال بود بتخت نشست
پروتستانها بواسطه ظلم حکام یاغی شدند محض اصلاح امورات
در ۱۰۳۳ عمل صدارت را بکاردینال ریشلیو Cardinal
Richelieu مفوض داشتند و او مدت هیجده سال صدارت
کرد و از بابت کفایت و لیاقتش در آن مدت ترقیات بسیار در مملکت
فرانسه واقع شد و آلزاس Alsace بتصرف فرانسه افتاد
اسپانی را شکست داد امرای یاغی فرانسه و دولت اتریش را ضعیف نمود در
۱۰۵۲ لوئی سیزدهم وفات کرد پس از او لوئی چهاردهم
طفل بود سن چهار سال دیهیم بر سر نهاد زمام سلطنت در دست مادرش
بود و صدارت در عهده کاردینال مازارن Cardinal
Mazarin بود این مرد در ۱۰۷۲ فوت شد در مدت
صدارتش قشون منظم معتبری بجهت دولت ترتیب داد و سردارهای کافی

وزرای کارآمد تربیت نمود و مبلغ زیادی در خزانه دولت ذخیره کرد و کلیتهً
بتوسط او دولت فرانسه معتبرترین دول اروپ گردید
ولوئی چهاردهم بواسطه این استعداد و اقتداریکه بهم بسته بود اکثر اوقات
با دول اسپانی و هولاند و اتریش و انگلیس و پروس در جنگ بود
و اغلب هم فتح میکرد و در سال ١٠٩٦ قرارنامه نانت را برهم زد
و بواسطه چهارصد هزار نفر از پروتستان از خاک فرانسه فرار کردند
معلوم است این جنگهای زیاد اسباب خسارت کلی گردید چنانکه بعد از فوت
سلطان فرانسه ٢٠٠٠٠٠٠ کرور فرانک مقروض بود بعد از ٢٥
سال سلطنت در ١١٢٦ وفات یافت در این عصر ترقی کلی در علوم
پیدا شد و اشخاص معتبر آن زمان از ادبا و شعرا کرنیل Corneille
و مولیر moliere و راسین racine بودند و از حکما و اهل ریاضی پاسکال Pascal
و دالامبرت Dalembert
نبیره لوئی چهاردهم موسوم به لوئی پانزدهم در ١١٢٧ بسلطنت رسید چون بچه ابله
بود امور سلطنت در دست فیلیپ اورلئان Philippe d'orlean

بود او هم جنگهای عدیده نمود با اتریش و انگلیس و هولاند
و پروس ولی اکثر اوقات را شکست میخورد چنانچه تمام متملکات
خارجه شان بتصرف انگلیس درآمد و شکست عظیمی هم بواسطه فردریک
کبیر پادشاه پروس بآنها وارد آمد در این سلطنت که تا ١١٨٨
بطول انجامید اغتشاش زیاد در مملکت فرانسه واقع شد خاصه از بابت
بی نظمی و ظلم حکام و خیالات سوسیالیستی هم در آن زمان شروع شد
سوسیالیست Socialist فرقه بودند که از بابت فقر
و عسرت زندگی در صدد برآمدند مساواتی قرار دهند با سلطان و سایر
امرا و متمول که دارائی مردم را میگرفتند و همیشه در عیش بودند
و از آنجمله مصنفین معروف مثل ولطر Voltaire
و روسو Rousseau و دیدرو Diderot
در کتب خود حفظ و ضبط کرده اند خیالات سوسیالیستی خوب واضح
میشود آن عصر معروفست بعهد فیلوزوفی بمناسبت اینکه در این سلطنت
بعضی از فیلوزوفها بودند در سال ١١٨٨ لوئی

شانزدهم بسلطنت رسید آن اوقات توابع انگلیس در امریک یاغی شدند
و دولت فرانسه برخلاف انگلیسها بآنها حمایت کرد و بدین واسطه با دولت
انگلیس در جنگ بود تا ١١٩٧ که انعقاد صلح شد و نتیجه این جنگ
بجهة دولت فرانسه ٢٥٠٠ کرور فرانک خسارت شد ولی برای
توابع انگلیس فایده کلی بخشید و اسباب استقلال آنها گردید و اتازونی
امریک منعقد شد و چون وزرای این سلطان بیکفایت بودند امورات
دولتی از خارج و داخله در نهایت بی نظمی و اغتشاش بود چنانچه در ١٢٠٣
اهل فرانسه یاغی شدند و ارک پاریس را موسوم به باستیل Bastille
گرفته خراب کردند و بعد بعمارت مخصوص شاه که در ورسای
Versailles بود حمله بردند تمام مستحفظین و اهل کشیک را
بقتل رسانیدند و شاه را مجبور نمودند که به پاریس بیاید و قرارهای جدید را
امضا نماید از قبیل تقسیم مملکت فرانسه به دپارتمان departments
و آزادی تمام مذاهب و دایر شدن پارلمان و ضبط موقوفات
با این تفصیل مغشوش تر گردید و در ١٢٠٥ لوئی شانزدهم با عیال خود از پاریس

فرار کرد ولی در بین راه گرفتار شده بازپرسش رسانیدند و باتهام اینکه
نسبت بمملکت فرانسه خیانت کرده و اتریش را در آنجا [illegible]
نموده و در ١٢٠٧ او را بقتل رسانیدند و نه ماه بعد زوجه اش را موسوم
بماری آنتوانت Mari Antoinette که دختر
ماری ترز Marie thrése امپراتریس اتریش
بود مقتول ساختند این هرج و مرج اسباب اغتشاش زیاد گردید و امور
دولت در دست اشخاص مختلف افتاد که معروف تر آنها دانتن
Danton و روبسپیر Robes Pierre
و مارات Marat بودند و همه آنها برخلاف یکدیگر عمل
میکردند و کثیری از نجبا و رعایا را بقتل رسانیدند این اغتشاش تا ١٢١٠
که دیرکتوار Directoire هم بر پا شد بطول انجامید
در اینوقت دول اروپ از انگلیس و هولاند و اسپانی و اتریش
با فرانسه جنگ داشتند و در آن جنگ ناپلیون بناپارت Napoleon
Bonaparte نام و بعد باسم ناپلیون اول امپراطور شد

قشون آتریش را در ایطالیا شکست داد و در سال ۱۲۱۲ صلحی منعقد شد بین
فرانسه و اتریش و مقرر گردید که مملکت بلجیک متعلق بفرانسه باشد
و جمهوری وندیک یکجا منسوخ شود و خاک وندیک در تصرف اطریش
باشد و بعد ناپلیون عازم مصر شد بملاحظه آنکه قوت انگلیس را در
مشرق زمین بکاهد چون در مصر فایده ندید و قشون بحری فرانسه هم ۱۲۱۳
در نزدیکی ابوقیر از نلسون امیر بحر انگلیس شکست کلی خورده در سال بعد
بفرانسه مراجعت نمودند و در اروپ مشغول جنگ شد و بمنصب [illegible] فرانسه
یعنی قونسول اول رئیس جمهوری فرانسه گردید در آن سال به تنظیمات امور
داخله مشغول گردید و قانون محاکمه که موسوم است به کود دُ ناپولئون
Code de Napoleon ترتیب داد و در آن سال نیز بانک ملی
دایر نمود و بعد از آن با آتریش و ایطالیا جنگ نموده آنها را مغلوب
ساخت و بعد از آن با همه دول اروپ صلح بسته و در سال ۱۲۱۹ امپراطور
انگلیس و روس و آتریش و سوئد با یکدیگر ملحق شده و مجدداً با فرانسه
بنای جنگ را گذاشتند در آن جنگ ابتدا اتریش شکست خورده صلح نمودند

و بعد از

و بعد از دو سال ایتالی بتصرف فرانسه افتاد و در ۱۲۲۱ ناپلیون فرانسه لقب
امپراطوری را که در آن زمان با سلطان اتریش بود منسوخ نمود و ۹۷۲
از مدت داشتن گذشته بود و از این بابت پروس و آتریش و روس مجدداً
اتفاق کردند و با ناپلیون بنای جنگ گذاشتند ولی همهٔ آنها مغلوب شدند
و در سال ۱۲۲۲ صلحنامهٔ تیلزیت Tilsit را بستند
و در همان سال پرتقال و اسپانی و وست فالی westphalie را
مسخر نمود ولی اسپانیولیها بکمک انگلیس و سرداری ولینگتون فرانسویها را
خارج کردند اما ناپلیون ولایت دیگر را باز بتصرف در آورده بود
و این فقرات اسباب عداوت و وحشت امپراطور روس شد ناپلیون
محض تخفیف و دفع قوت روس در ۱۲۲۷ بهانه اینکه امپراطور
روس مطابق شروط قرارنامه رفتار ننموده با ششصد هزار قشون بطرف
روسیه عزیمت کرد و در دو جنگ شکست فاحش بروسها داد و در آخر
پایتخت همان شهر مسکو را بتصرف در آورد روسها قهراً مسکو را آتش زدند
و اطراف شهر را یکجا ویران نمودند و چون ناپلیون با لشکر زیاد بی آذوقه

ماند مصلحت در مراجعت دید و در این رجعت از شدت سرمای فوق العاده
که همیشه در روسیه واقع میشود قریب تمام لشکریش تلف شدند و او خود
با معدودی بپاریس رسید اندکی بعد ساز لشکر کرده مجدداً با پروس و روس
و آتریش آغاز حرب نهاد بدواً فتح نمود ولی آخر الامر در آخر پاییز
۱۲۲۸ در نزدیکی لیپزیک شکست بزرگی خورده و بفرانسه مراجعت کرد
این نوبت پارلمان او را رد کرده بریاست قبول نکردند و مجبور باستعفا
و جزیره البا را بجهة عزلت خود اختیار کرد و چون ناپلیون به البا رفت
لوئی هیجدهم که از سلسله سلاطین قدیم بود بر تخت نشست
ولی سال بعد ناپلیون از البا مراجعت نمود و قشون فرانسه از شدت
اعتقادی که باو داشتند گردش را گرفتند و بهیأت اجتماع داخل
پاریس شد و لوئی هیجدهم فرار کرده او بر تخت نشست
بعد با یکصد و سی هزار نفر بطرف بلجیک رفته که با قشون انگلیس و پروس
محاربه نماید ولی در جنگ واطرلو Waterloo که در تابستان
۱۲۳۱ واقع شد شکست بزرگی خورده و آن شکست مقارن بود با یکصد روز

بعد از

بعد از مراجعتش از البا پس از آن استعفا نموده خود را بدست انگلیسها
تسلیم نمود و آنها او را بجزیره سنت هلن Ste Helene که واقع است
در شمال غربی افریقا فرستادند و در همانجا در تابستان ۱۲۳۶ که پنجاه و دو سال
از سنش گذشته بود بعلت مرضی وفات یافت بعد از جنگ واطرلو
و تسلیم ناپلیون قشون انگلیس و پروس هم بپاریس آمده لوئی هیجدهم را دوباره
بر تخت نشاندند و او تا هنگام فوتش که در سال ۱۲۴۵ بود سلطنت میراند
پس از او شارل دهم بسلطنت رسید و او بسبب یاغیگری
اهل فرانسه در ۱۲۴۶ استعفا نمود و اهل فرانسه لوئی فلیپ
Louis Philippe را بپادشاهی انتخاب نمودند در سلطنت
او الجزیره بتصرف فرانسه درآمد او هم در ۱۲۶۴ بعلت طغیان و شورش
رعایا استعفا نمود و جمهوری دوم فرانسه ابتدا شد بریاست لوئی
ناپولئون که چهار سال بعد باسم ناپلیون سیم امپراطور شد ناپلیون دوم
پسر ناپلیون اول بوده که باسم پادشاه روم مشهور است ولی بسلطنت نرسید
و در ۱۲۴۸ در نزدیکی وین بسن بیست و یکسالگی فوت شد

فرانسه

دوسال بعد از آنکه ناپلیون سیم امپراطور شد با دولت انگلیس و عثمانی ملحق شده
و در قریم (کریمه) با دولت روس جنگیدند و پس از جنگ سختی شهر سباس
توپول Sebastopol را بتصرف درآورد و در بهار ۱۲۷۲
صلحنامه در پاریس منعقد شد سه سال بعد بجهت خطه ایطالیا با اطریش
جدال نمود و نتایجی که مقصودش بود بعمل آمد و در ۱۲۷۶ قشونی
بطرف چین فرستاد و پایتخت چین را مسخر نمود و انجا هم منظورش
مجری شد سه سال بعد قشون عظیمی بطرف مکزیک فرستاد و ماکزی
میلین Maximilien برادر امپراطور اطریش را امپراطور
مکزیک نمود ولی جمهوری اتازونی بعضی تدبیرات نمودند که ناپلیون
قشون فرانسه را قهراً از مکزیک خارج کرد و اهل مکزیک امپراطور خود را
مقتول ساختند و در آنجا جمهوری منعقد شد و همان اوقات هم بعلت
سوسیالیست ها و بعضی فرق دیگر اغتشاش بسیاری در داخل مملکت فرانسه
واقع بوده اسباب خطر بزرگ بجهت دولت بود تا در سال ۱۲۸۶ اهالی
اسپانی یکی از خانواده آلمانی را بجهت سلطنت آن دولت انتخاب نمودند باین سبب

ناپلیون

فرانسه

ناپلیون سیم با پروس آغاز جنگ نمود و تمام ممالک آلمانی غیر از اطریش
با پروس ملحق شده بقشون ناپلیون شکست دادند و ناپلیون هم بعد از جنگ سدان
Sedan محبوس شد و سه سال بعد در انگلستان وفات کرد
و پس از جنگ سدان جمهوری سیم فرانسه ابتدا شد و رئیس اول آن موسیو
تیرس Thiers بود قشون آلمانی علاوه بر جنگ سدان در جنگهای
متعدد دیگر هم قشون فرانسه را شکست دادند آخر الامر پاریس را محاصره نموده
و گلوله باران نموده مسخر کردند و از قشون فرانسه ۱۱۵۰۰ صاحب منصب
و ۳۷۰۰۰۰ نفر سرباز اسیر کردند و ۷۰۰۰ توپ هم بچنگ
آوردند و اواخر سال ۱۲۸۹ صلحی منعقد شد مابین فرانسه و المانی و بر طبق آن
الزاس و لورن با شهرهای استراز بورگ و مطز Metz
بدولت آلمانی تعلق گرفت و علاوه ده هزار کرور فرانک هم وجه نقد دادند
ریاست تیرس تا ۱۲۹۰ طول انجامید و بعد از او مارشال ماکماهون
Macmahon تا ۱۲۹۶ ریاست کرد و پس از او موسیو
گروی بریاست رسید که تا سال گذشته ریاست داشت

فرانسه

و رئیس حالیه موسیو سعدی کارنو است M. Sadi - Carnot
در ستاتیستیک یعنی وضع حالیه مملکت فرانسه
مطابق قانون ۲۵ ام فوریه ۱۸۷۵ مسیحی که مطابق است با ۱۲۹۲
هجری حاکمات دولت فرانسه در عهده پارلمانی است که مشتمل است
بر دو مجلس یکی شامبر د دپوته chambre des
deputés یعنی مجلس وکلای عامه و دیگر شامبر دو سنا
chambre de senat یعنی مجلس
اعیان دپوته یعنی وکلائیکه از جانب عموم رعایا منتخب میشوند و
مطابق قانون ۱۳۰۲ بازاء ۷۰۰۰۰ نفر از رعایا باید یک نفر دپوته
مشخص شود و فعلاً عدد آنها ۵۸۴ نفر میباشد
اجزای مجلس اعیان باید از دپارتمانها منتخب شود و الحال سیصد نفر
سناتر Senateurs موجود است اهالی این دو مجلس متفقاً
رئیس جمهور را تعیین میکنند بجهت مدت هفت سال و ممکن است که پس از
مدت هفت سال مجدداً انتخاب شود و مواجب رئیس جمهور در سالی ششصد

هزار

فرانسه

هزار فرانک است و از هر دپوته نه هزار فرانک و هر سناتر پانصد
هزار فرانک میگیرد شغل رئیس این است که
باجازه پارلمان محاکمه میکند و هر حکمی که میدهد باید اقلاً یک نفر از وزرا
امضا نماید و بدون اجازه پارلمان هم نمیتواند با دولت دیگر جنگ کند
امورات دولت در عهده ده نفر وزیر عازم است و آنها اجزای دار
الشورای کبری هستند از این قرار ۱ رئیس شورا و وزیر مالیه ۲
وزیر عدلیه و خازن مهر دولتی ۳ وزیر امور خارجه ۴ وزیر تربیت عامه
و صنایع و مذاهب ۵ وزیر داخله ۶ وزیر جنگ ۷ وزیر
بحریه و توابع خارجه ۸ وزیر فوائد ۹ وزیر تجارت ۱۰ وزیر فلاحت
وسعت خاک فرانسه تقریباً ۱۴۰۰۰ فرسنگ مربع است
و در ۸۶ دپارتمان قسمت شده عدد نفوس ۷۶ کرور پایتخت پاریس
با پنج کرور جمعیت از شهرهای معتبر لیون و مارسی هر کدام با چهارصد هزار
نفر جمعیت و بردو دویست و پنجاه هزار نفر جمعیت از تمام جمعیت
یک کرور و نیم پروتستان و پنجاه هزار یهود و پانزده کرور بیدین و باقی

فرانسه

کاتولیک میباشند
مالیات فرانسه در سال ۲۶۰۰۰ کرور فرانک است و قرض دولت فرانسه
۲۲۰۰۰ کرور فرانک و مخارج در سال معادل دخل قشون
حاضر رکاب ۵۱۴۰۰۰ نفر با ۱۲۳۰۰۰ رأس اسب و در جنگ
میتوان تا هفت کرور و نیم حاضر نمود استعداد بحریه ۷۰۰۰۰ نفر است
با ۲۱۰ فروند و ۵۲ عددش زره‌پوش است
در هر سال تقریباً معادل ۸۷۰۰ کرور فرانک از امتعه خارج داخل فرانسه
میشود و معادل ۶۵۰۰ فرانک از داخل بخارج میرود
طول خط راه آهن کلیتهً در مملکت فرانسه ۵۵۰۰ فرسنگ است و
۶۲۵۰ باب پستخانه دارد و در سال گذشته ۳۱۰۰ کرور پاکت
حمل کرده و متوازی ۸۰۰۰ باب تلگرافخانه دارد و ۵۰۰۰۰ فرسنگ
خط تلگراف دارد و در سال گذشته ۷۰ کرور مطلب مخابره شده
در خاک فرانسه ۵۵۰ عدد معدن آهن است و در سال
معادل ده کرور خروار آهن استخراج میکنند و سه معدن نقره دارد و

پنجهزار خروار

فرانسه

پنجهزار خروار نقره حاصل میشود و از معادن سرب پنجاه هزار خروار
سرب استخراج میشود بانضمام هفتهزار خروار نقره حاصل زراعتی
در خاک فرانسه خیلی زیاد و مرغوبست و میوه جات آنجا نیز فراوان الحق
خاصه انگور در سال ۱۱۸۸۰ کرور بطری شراب میسازند حاصل
ابریشم هم خیلی ممتاز است و تقریباً در سال سه هزار خروار بعمل میآید
در تمام فرانسه ۱۶ یونیورسیته دارد با دوازده هزار طلبه و ۸۶ هزار مدرسه
و مکتب خانه با سیزده کرور شاگرد و ۱۳۵ هزار معلم و ده کرور از این
متعلمین بمخارج دولت درس میخوانند و بر روی هم دولت فرانسه سالی
۱۸۹ کرور فرانک بجهت تربیت عامه صرف میکند در این مملکت
واحد نقد فرانک است و بنرخ حالیه یکهزار و سیصد و پنجاه دینار باشد
واحد وزن کیلوگرم است یعنی هزار گرم و هر گرم معادلست با پنج نخود
و خمس نخود و از این قرار کیلوگرم معادل میشود با ۲۱۷ مثقال و نیم
واحد طول متر است و بقدر ۲۶ کوتاهتر است از ذرع
توابع فرانسه در خارج اکثر است در افریقا بانضمام بعضی توابع دیگر

بورگونی

با متصرفاتیکه در آسیا و امریکا دارد وسعت همه بر روی هم شش هزار فرسنخ
مربع است با ۵۷ کرور جمعیت

در شرح بورگونی Bourgagne

چهارصد سال قبل از هجرت طایفه از آلمانی موسوم به بورگوندی از وسط آلمانی
بطرف رودخانه رن Rhine رفته با اهل روم جنگیدند و در
۲۱۴ قبل از هجرت از رود رن گذشته داخل شدند در خاکیکه بعد بفرانسه
موسوم گشت و بمذهب عیسوی درآمدند و نود سال قبل از هجرت در تحت
اطاعت مرودینگی بودند و بعد از شارلمان سلطنت مستقل شده و چندی بعد
دو سلطنت مجزی شده یکی در جنوب فرانسه در نزدیکی لیون بود و پایتختش
آرل Arles و در مائه هفتم هجری از وسعتش کاسته شد
و یکی کوچک گردید و آخر الامر متصرف فرانسه افتاد و دیگر در شمال
و تا مائه هشتم بعد از هجرت از سلاطین فرانسه اطاعت داشت و بعد مستقل گردیده
بسیاری از ولایات اطراف را متصرف آمد سلطنتی قوی شده
و عاقبت فرانسه و آلمانی و سویس ملحق شده و در ۸۸۲ در که بورگونی را

شکست داده

روس

شکست داده و در جنگ نانسی naney بقتل رسیده بش
و بعد بورگونی منقسم بچند جزء گردید و آخر الامر تمامش بدولت فرانسه
تعلق گرفت

در شرح مملکت روس

چند سال قبل از هجرت آفاق جنوبی و غربی روس را طوایف سلاو
متوقف بودند و حدود شمالی و شرقی را طوایف تورانی و مقارن هجرت
طوایف سلاو شهر ناوگراد Navgorad و کیو
Kieve را بنا نهادند و بطور ملوک الطوایف حکومت
میکردند تا در سال ۲۴۸ هجری طایفه موسوم بروس بریاست رورک نام
با دو برادرش از طرف سوئد باین مملکت آمده و آنجا را متصرف شدند و اینمملکت
بمناسبت آنها بروسیه معروف گشت رورک پس از فوت
برادرانش تا سال ۲۶۶ سلطنت کرد و در زمان او اکثر روسها بمذهب
عیسوی درآمدند پس از او سلطنت بپسرش ایگور Igou رسید
و چون سنش مقتضی نبود زمام دولت بدست الگ

نامی بود و در سال ۱۹۹ با ده هزار فروند کشتی عازم تسخیر اسلامبول گردید
و امپراطور بجهة انصراف او مبلغ گزافی تسلیم نمود معهذا ایگور در ۳۳۰
بطرف اسلامبول رفته آنجارا محاصره نمود ولی شکست خورده مراجعت کرد
و سال بعد مجدداً با ده هزار فروند کشتی عازم اسلامبول شده این دفعه نیز
پس زیادی گرفته مراجعت نمود و چون بروسیه رسید درصدد بوده بر
مالیات بیفزاید باین سبب بقتل رسید
بعد از او مدت چندی زنش نیابتاً از جانب پسرش سویاتوسلاو
Svastoslav حکومت میکرد و چون این پسر سنش
قابل شد زمام مملکت را بدست گرفت و مادرش باسلامبول رفته بمذهب عیسوی درآمد
و خود در بت پرستی باقی بود چندی بعد با ۶۰۰۰۰ نفر لشکر بلغار را متصرف
درآمد و هنگام مراجعت در سن ۳۶ سالگی از دست کورا
Kura نامی بقتل رسید پس از او پسرهایش بخیال سلطنت مدت
هشت سال باهمدیگر در جنگ بودند عاقبت ولادیمیر Vladimir
تمام آنهارا کشته خود پادشاه شد در ایام سلطنتش بزور شمشیر

از عیسویان را

از عیسویان را بقتل رسانیدند تا در ۳۷۸ بمذهب عیسوی درآمد و تمام بتخانهارا
خراب کرد در زمان او بود که اول سکه روسیه زده شد بساس توپل
Sebastopol هم در دست او بنا شد بعد از فوتش
دوازده پسر از او باقی ماند که مدتی مدید در باب امر مملکت منازعه داشتند تا
آخر الامر یاروسلاو Yaroslav غالب آمده بسلطنت رسید
و در سال ۴۴۶ وفات یافت بعد از او مملکت را به دو قسم نمودند
قسمتی را که شامل کیو بود ایزیاسلاف Isiaslaf پسر
ارشدش تصرف نمود و مابقی را پنج برادر دیگر در سال ۴۶۴ مابین
ایزیاسلاف و برادرزاده اش جنگ واقع شده در آن جنگ بقتل رسید و سلطنت
به برادر کوچکش وزولود Vsevolod منتقل گشت
در این سلطنت قحطی شدیدی واقع شد و طاعون سختی بروز کرده کثیری از اهل
روسیه هلاک شدند وزولود در ۴۸۶ از سلطنت استعفا کرد و سویاتوپلک
Sviatopolk برادرزاده اش پادشاه شد در سلطنت او
بعضی از امرا یاغی شدند و پادشاه بعد از بیست سال سلطنت مجبوراً فرار کرده

و منوماک Monomak باسم ولادیمیر دوم بپادشاهی منتخب شد
و سلطنتش تا سال ۵۱۹ بطول انجامید بعد از او ولایت به میتسلاو
Mstislav رسید که از ۵۱۹ تا ۵۳۳ سلطنت راند و بعد از وزولود
ثانی از ۵۳۳ تا ۵۴۱ پادشاه بود
و ایزیاسلاو ثانی از ۵۴۱ تا ۵۴۹ سلطنت داشت و در زمان او شهر
مسکو بنا شد و سوار قزاق در آن زمان معمول شد و پنج سال بعد از فوت
او مملکت روس در دست پنج نفر مختلف بود که اکثر اوقات باهمدیگر میجنگیدند
و معروفتر آنها پرنس جرج دل گوروکی P. George Dolgou بود
که استعدادش به تنهائی بقدری بوده میتوانست سه سال مملکت روس را
نگهداری نماید پس از فوت او مملکت ده قسمت شد و هر قسمتی را رئیس
مستقلی بود و همین قسم باقی ماند تا مغولها بخاک روس آمدند و در سال ۶۲۱
مغولها قطعه جنوبی روسیه را تصرف کردند و در ۶۳۵ باتوخان جمیع
روسیه مرکزی را با شهر مسکو تصاحب نمود و سه سال بعد شهر کیو را خراب کرد
با انضمام هزار شهر دیگر از خاک روسیه و مجارستان و آلمان از آن پس سلطنت قپچاق

ابتدا ارشد

ابتدا ارشد و پایتخت او سرای بود نزدیک رود ولگا تمام روسها در کل
مملکت روس از سلطان قپچاق اطاعت داشتند و باو مالیات میدادند این قدرت
و تسلط تا دویست سال برقرار بود و آخر الامر بواسطه تیمورلنگ و حوادث
دیگر آنها ضعیف شده مملکت به سه جزو منقسم گردید ۱ قپچاق ۲ قازان ۳ قریم
(کریمه) در سال ۸۶۶ ایوان سیم که حاکم مسکو بود برخان قازان یاغی
شده و از او باج میگرفت و در سال ۸۸۵ سلطنت قپچاق را منضم کرده
خود مستقل گردید و لقب زار Czar روس را بجهة خود
مقرر داشت و آنوقت وسعت مملکت روس دوازده هزار فرسنگ مربع بود
و در سال ۹۱۱ که سلطنت او بانتها رسید وسعت خاکش پنجاه هزار فرسنگ
مربع بود پس از او واسیلی سیم Vasili مدت
بیست و هشت سال ولایت داشت بعد از او ایوان چهارم که
ملقب به گرزنی Grozni بود بسلطنت رسید او حکومت
قازان را بکلی برهم زده و در ۹۵۹ بتصرف خود درآورد چهار سال بعد
حاجی طرخان را مسخر نمود و در سال ۹۷۹ با خان قریم جنگ نمود ولی در آن جنگ

شکست خورده و خان قریم شهر مسکو را بغلبه متصرف شده و صد هزار نفر
از اهل آنجا را باسیری برد بعد از آن با لهستان و سوید جنگ داشت
در این سلطنت به تسخیر سیبری Siberie شروع شد
این سلطان قانون محاکمه را مقرر نمود و شکنجه خانه دولتی را که موسوم بود به ترزالن
قرار داد و در واقع نظام دولت روس در آن وقت منحصر بهمان سوار قشلاقیه بود
و ولایت بعضی املاک را بجهة پیشکش مصارف سلطنتش معین نمود
در زمان او کمال نظم و امنیت موجود بود و هر اغتشاش و یاغیگری که واقع
میشد با کمال مجادله و سختی دفع میکرد مثلا در یاغیگری نوگرود شصت هزار
نفر را مقتول ساخت و با آن سبب ملقب شد به گرستی و در ۹۹۲ وفات
یافت پس از او فئودور رتی Feodor بسلطنت رسید
و چون درگذشت صدر اعظمش موسوم به بوریس گودانُف - Boris
Gadanov سلطان شد در زمان فئودور بوده قحطی شدیدی
در روسیه واقع شد و در جنگ مسکو یک کرور نفس تلف گردید
چون صدر اعظم بر تخت نشست سایر وزراء و امراء براو رشک برده

آغاز یاغیگری گذاردند و در این هنگام شخصی پیدا شده اظهار داشته
که پسر سلطان گذشته میباشم و بامداد اهل لهستان بوریس گودانُف را
با پسرش بقتل رسانیده خود سلطان شد و پس از چند ماه دیگر امراء
و وزراء او را نیز کشتند پس از او یکی از امراء مدت چهار سال حکومت
کرد سایر اعیان براو شوریده بعد از سوید امداد طلبیده او را بیرون کردند
بعد از او سه سال متوالی هرج و مرج بود تا سال ۱۰۲۲ که میکل فئودورویچ
رومانف Michael Feodorovitch Romanov
اهل لهستان را از خاک روس خارج کرده خود پادشاه شد
و سلطان حالیه از اعقاب اوست رفاهیت و امنیت در سلطنتش
واقع شد و با سوید و لهستان صلحنامه منعقد گردید پس از او پسرش
الکزیس Alexis بسلطنت رسید و مدتی با لهستان و سوید
جنگ داشت تا در سال ۱۰۷۲ صلح نمودند تا آن زمان نظام روس
منحصر بود به استرلتی که مرکب بود از چهل هزار نفر که اکثرشان سوار بعد
این سلطان سواره قزاق و پیاده نظام هم ترتیب داد و از

صاحبمنصبان خارجه بجهة انتظام قشون طلبید
چون الکزیس درگذشت پسرش فئودُر در مدت شش سال سلطنت کرد
و بلا عقب ماند ولی دو برادر داشت که یکی از آنها پطر کبیر بسلطنت رسید
چون ده ساله بود سوفی Sophie خواهرش زمام حکومت را
بدست گرفت و با صدارت پرنس گالیتزین Galitzin
امورات را منتظم میکردند — این خواهر با دولت عثمانی جنگ کرد
ولی از عدم لیاقت و کفایت سردارش مغلوب شد و در سال ۱۱۰۰
که پطر کبیر سنش مقتضی شده بود خواهرش را خلع کرده خود مستقلا سلطان
شد و فوراً ملتفت گردید که ترقی دولت روس در صورتی است
که راهی بدریای جنوبی پیدا کند لهذا بطرف جنوب سیر کرده خلیج
ازُوف را بتصرف آورده بندر تگن رگ Taganrog را
در ساحل آن بنا نهاد محض ترقی تمدن و استنباط بعضی نکات
مدت دو سال بطرف دول فرنگ مسافرت نمود و در ضمن مسافرت
از یاغیگری استرلتی مطلع شده بروسیه مراجعت کرد و اکثر آنها را بقتل رسانید

در سال ۱۱۱۱ با لهستان ملحق شده با شارل دوازدهم پادشاه سوید جنگ نمود
چهار سال بعد پطرزبورغ را بنا نهاد که فعلاً پایتخت است و بعضی از ممالک
مجاور بحر بالتیک را نیز از دست سوید خارج کرد جنگ با سوید خیلی
بطول انجامید و عثمانی هم بکمک سوید آمده به پطر کبیر شکست دادند در این بین
شارل دوازدهم فوت شده و پطر کبیر ظفر یافت و ممالک مجاور بحر بالتیک
را که تصرف کرده بود در دست او ماند در ۱۱۳۴ که بواسطه تاخت و
تاز افغانها سلطنت سلاطین صفویه در ایران منقرض شده و اغتشاش در
تمام ایران بود همان هنگام هم پطر کبیر با ایران آغاز جنگ نهاد و گیلان
و مازندران و استرآباد را بتصرف درآورد و در ۱۱۳۷ وفات یافت
چون هفت سال قبل پسرش را مقتول ساخته بود نوه او بایستی
بسلطنت برسد ولی کاترین Catherine زوجه پطر کبیر
بکمک پرنس منچیکف P Menchikoff
بر تخت نشست و مدت دو سال سلطنت کرد بعد از او نوه پطر کبیر
موسوم به پطر دوم مدت سه سال سلطنت کرد و منچیکف را به سیبری

فرستاد و در سال ۱۱۴۳ ه خواست خواهر پرنس دُلگروکی
Dolgouki را بعقد خود درآورد فوت نمود
بعد از او بهمراهی و مساعدت گالیت زین Galitzin
دختر برادر پطر کبیر موسوم به آنّا Anna بسلطنت
رسید و فوراً گالیت زین و دُلگروکی را به سیبری فرستاد پس از آن
چهار سال با عثمانی جنگ میکرد و بصلاح و صوابدید صدر اعظمش
موسوم به بیرُن Biron ممالکی را که از ایران گرفته بود و بجهة
نگاه داری آنها مخارج گزافی لازم بود مسترد ساخت و در سال ۱۱۵۳
فوت شد ایوان چهارم بهمه جهة کمال سلطنت کرد
والیزابت Elizabeth دختر پطر کبیر او را محبوس
ساخت و خود دیهیم بر سر نهاده با سوئد و فردریک کبیر سلطان پروس
جنگ کرد و یونیورسیطه مسکو را بنا نهاد و مدت جهانداریش یازده
سال بود پس از او پطر سیم امپراطور شد ولی بعد از چند ماه
بعضی از امراء کاترین دویم زوجه او را تحریک نموده و او را بقتل رسانید

دکاترین دویم خود امپراطریس شد
چون کاترین دویم در صدد بود که روسیه را یکی از دول معظمه اروپ
نماید لهذا تصرف لهستان و ضعف دولت عثمانی را واجب میدانست
دو مرتبه با عثمانی کارزار نموده و هر نوبت خاک زیادی از آنها را بتصرف
درآورد از جمله افلاق و بغدان و کرچ و کریمه را تصاحب نمود
و حق عبور از داردانل را بجهة خود مقرر داشت و شهر اودسا در زمان
او ساخته شد با دولت سوید نیز جنگ کرد و چون در ۱۲۱۱ با
دولت فرانسه آغاز حرب نمود وفات یافت در سلطنت کاترین
دویم وسعت روسیه به ۴۰۰۰۰۰ فرسنگ مربع رسید و مملکت را
به پنجاه حکومت تقسیم نمود لشکر را منظم کرد و بر عدد قشون افزود و
مدارس و کتب خانه بسیار بنا نهاد و واکسن در مملکت رایج نمود
پس از او پال اول Paul بسلطنت رسید و در آنوقت
ناپلیون اول عازم مصر شده و جزیره مالت را بتصرف آورد و باین سبب
پال اول با دول اطریش و انگلیس و عثمانی ملحق شده با فرانسه جنگ کرد و

و در هزار و دویست و پانزده بقتل رسید بعد از او الکساندر اول امپراطور شد
و بجنگ سابق مداومت نمود و در ۱۲۲۲ با دولت فرانسه صلح کرد و انعقاد
مجلس شوری داد اجزایش هشت نفر وزیر بودند از او دولت
با دولت سوید نیز جنگ نموده و تمام فنلاند را از تصرف او خارج کرد
پس از آن دولت عثمانی بتحریک ناپلیون اول مدت شش سال
با روس محاربه کرد و روسها فتح کرده قطعه زمینی تا حد رودخانه Pruth
پروس را از عثمانیها گرفتند و در همانسال بوده جنگ روس
با ایران باتمام رسید و بادکوبه و اکثر قفقازیه بدست روس افتاد و در
آنسال هم ناپلیون اول با ۴۲۷۰۰۰ قشون و ۱۳۷۲ عراده توپ
عازم روسیه شد پس از جنگهای متعدد در پائیز همانسال ناپلیون
وارد مسکو شد ولی روسها شهر را آتش زده و تمام آذوقه که ممکن بود از
اطراف تحصیل شود معدوم کردند ناپلیون مجبور در مراجعت شد در آن
مراجعت سردی زمستان شدت کرده و قشون روس هم اطراف فرانسویها را
محاصره کرده کثیری از آنها را بقتل رسانیدند و ناپلیون بهمه جهة با چند نفر

معدودی جان بدر برد
بعد از آخرین شکست ناپلیون اول که در ۱۲۳۰ واقع شد و شرحش در تاریخ
فرانسه مذکور است الکساندر اول مشغول شد باصلاح امور داخله و از
شدت مراقبت و اهتمامی که داشت امور داخله آنجا بسیار منتظم
و مرتب شده بود و بناهای خوب از او باقی ماند از جمله ۲۰۰۰ مکتبخانه
مفتوح ساخت و چهار یونیورسیطه دایر نمود و سکه روسیه را تصحیح
کرد وضع مالیات و اداره استیفا را منظم نمود دستگاه تجارت با دول
خارج و داخل مملکت کرد قنوات بسیار احداث نمود راههای بسیار
تعمیر کرد و بعموم رعایا اجازه داد که کارخانجات وغیره دایر کنند
چون تا آنوقت ساختن کارخانجات وغیره مختص به نجبا و تجار درجه اول
بود و ارباب صنایع را از خاک مملکت آلمانی بروسیه آورد و سیاحان اطراف
مأمور نمود بجهة اکتشافات جغرافی مخصوصاً ببحر منجمد جنوبی در ۱۲۴۱
در تگن رُک Taganrog وفات یافت
چون کنستانتین Constantin دویم برادرش بود در چند سال قبل از

ولیعهدی استعفا کرده بود لهذا نیکلا بسلطنت رسید معهذا بعضی از اهالی
نظام تمکین نکرده در پطرزبورغ بنای خودسری گذاشتند و کنستانتین را به
پادشاهی میخواستند نیکلا هم روسای آنها را مقتول داشته دفع
یاغیگری شد و در سال بعد در مسکو تاج گذاری نمود در این حیص و بیص
عباس میرزا ولیعهد مرحوم مغفور خاقان از این اغتشاش مطلع شده با روسها
آغاز حرب نهاد ولی سردار روس که در قفقازیه بود او را شکست داد و در
پائیز ۱۲۴۳ داخل شهر تبریز شده در زمستان همان سال در ترکمانچای
صلحنامه منعقد شد و ایروان و نخجوان بعلاوه ۲۰ کرور منات وجه
مصالحه دادند در آن سال نیز جنگی با عثمانی شد و افلاق و بغدان مستقل گردید
در ۱۲۴۶ اهل لهستان یاغی شده و بعد از یک سال اغتشاش دفع شرارت
آنها را نموده تمام لهستان جزو مملکت روس شد
در ۱۲۵۵ بعلت پاره خیالات و ملاحظات دولت انگلیس از
افغانستان در نظر داشت نیکلا قشونی بطرف خوارزم روانه داشت
ولی از بابت سختی زمستان نتیجه نبخشید در ۱۲۶۵ اهل

مجارستان یاغی شدند قشونی بمعاونت اطریش بآنطرف فرستاده دفع اغتشاش
نمود در ۱۲۶۹ دولت عثمانی بتحریک ناپلئون سیم تولیت حرم
بیت المقدس را از دست کشیشهای روس گرفته بکشیشهای کاتولیک
فرانسه سپرد و این فقره اسباب کدورت دولتین روس و عثمانی گردید
و چون دولت عثمانی در این مورد خواهش روس را نپذیرفت لهذا
نائره جنگ را گذاشتند در اول عثمانیها شکست خوردند در ثانی فرانسه و انگلیس
با عثمانی ملحق شده جنگ کردند در آن ضمن نیکلاس اول در ۱۲۷۲
وفات کرد و پسرش الکساندر دویم بسلطنت رسید و قشون فرانسه و انگلیس
در پائیز همان سال سباستپل را متصرف در آمدند و قشون روس
هم قلعه قارص را از عثمانی گرفت تا در بهار سال بعد صلحی منعقد شد
و مقرر گردید که قارص بعثمانی مسترد شود و عبور جهازات هم از
روی دانوب آزاد باشد و افلاق و بغدان از حمایت دولت روس
خارج گردد چیزی نگذشت که ولایت آمور را از چین گرفت
و در ۱۲۸۲ تاشکند را از خان خوقند گرفت و در سال بعد خان

بخارا را مغلوب نمود در ۱۲۸۲ ملک ۲۰۰۰۰ فرسنگ
مربع خاکیکه در امریک داشت به آتازونی واگذار کرد در سال بعد سمرقند را
بتصرف در آورد در آن ضمن هم تمام قفقازیه را منتظم نمود
در ۱۲۹۰ خوارزم را فتح کرد در ۱۲۹۳ خوقند را مسخر نمود
در ۱۲۹۴ با دولت عثمانی جنگ کرد و مدت یک سال بطول انجامید قشون
عثمانی در بعض مواضع روسها را شکست دادند ولی آخر الامر مغلوب شده
و خاک زیادی از تصرف آنها خارج شد و در نزدیکی اسلامبول
صلحنامه امضا شد و در بهار همان سال قشون روس از خاک عثمانی مراجعت
کردند و از حضور اعلیحضرت اقدس شهریاری و اعلیحضرت امپراطور روس
دیدن نمودند الکساندر دویم همیشه ترقی و خیریت
مملکت خود را در نظر داشت و محض آسایش و رفاه حال عامه کارهای
بزرگ کرده از جمله در بهار ۱۲۷۷ تمام رعایا را آزاد کرد و در واقع
۲۳ کرور رعیت که تا آن زمان در قید عبودیت بودند در یک روز
آزاد شدند و نیز بملاحظه اینکه مخارج دولت کمتر شود و مالیات

رعایا تخفیف کند ۲۰۰۰۰۰ نفر از عده نظام کاست و ۴۸
کرور منات از بابت مالیات تخفیف داد و تمام اشخاص را که بجهت
تقصیرات پولتیکی در حبس بودند مرخص نمود و بر طول راه آهن و خط
تلگراف بمقدار زیاد افزود
چون بعضی مصارف فوق العاده بجهت لوازم جنگ پیش آمده لابد بعد
بمقدار مالیات بیفزایند و علاوه مبلغ گزافی هم بعنوان قرض
بخواهند این فقرات اسباب اضطرار و سختی مردم گردید و تحریک فرقه
نهلیست بنای اغتشاش را گذاردند این فرقه چندین مرتبه قصد هلاک
امپراطور را نمودند ممکن نشد و آخر الامر در بهار ۱۲۹۹ در پطرزبورغ
بواسطه نارنجک اورا از پا در آوردند پس از او الکساندر سیم سلطان
حالیه که ۱۲۶۱ متولد شده بسلطنت رسید و در سال اول سلطنتش جنگی
که با ترکمان تکه آخال داشتند باتمام رسید و تراکمه باطاعت روس در آمدند
در بهار ۱۳۰۰ امپراطور در مسکو تاج گذاری کرد در سال بعد خاک مرو را
بتصرف در آورد در بهار ۱۳۰۳ مابین افغان و روس در پنجده

جنگ واقع شد ودرسال بعد یعنی هم در جزو متملکات روس درآمد
در این سنوات نیز نهلیست ها مرتکب پارهٔ اغتشاشات شدند واهل
روس هم در بعضی مواضع نسبت بیهودان ظلم میکردند
در همین سنه خط راه آهن تا سمرقند کشیده شد وامپراطور آلمانی بدیدن
امپراطور روس بپطر آمد

در شرح ستاتیستیک دولت روس یعنی وضع حالیه آن مملکت

دولت روس سلطنت مطلق ومستقل است واختیار کلیه امورات
با خود امپراطور است تا سال ۱۱۳۲ تعیین ولیعهد بمیل سلطان بود ولی
از آنسال بعد حالیت ولد ارشد اولاد ذکور باشد بجهة اصلاح
وترتیب امورات دولت چهار مجلس منعقد است اول مجلس شورای
کبری که اجزایش وزرا هستند وبعضی از معتبرین که امپراطور منتخب میکند
وفایده این مجلس فقط مشورت است دیگر نمیتوانند قانونی وضع کنند
مجلس دویم سنات است که پطر کبیر در ۱۱۲۳ برقرار کرد وهیچ
قانونی بدون امضای این مجلس مجری نمیشود

مجلس سیم

مجلس سیم سینود مقدس است Synode که اجزای آن
کشیشهای بزرگ هستند وامور مذهبیه در دست آنها است ولی
احکام این مجلس بدون امضای امپراطور که رئیس مذهب است رایج
نمیشود مجلس چهارم متعلق است بوزراء که یازده نفر میباشند
از این قرار وزیر دربار وزیر امور خارجه وزیر جنگ
وزیر بحریه وزیر داخله وزیر تربیت عامه وزیر مالیه
وزیر عدلیه وزیر خالصجات وزیر فواید وزیر
کنترل یعنی آنکه در امور سایر وزراء باید رسیدگی وسرکشی کند
وسعت خاک روسیه در اروپ ۱۴۰۰۰۰ فرسنگ مربع است
ودر آسیا ۴۳۰۰۰۰ فرسنگ مربع وتمام مملکت در اروپا به ۹۴
حکومت قسمت شده وعدد نفوس اینقطعه ۲۰۹ کرور از این
جمعیت ۱۷۱ کرورش کاتولیک رومی هستند وهفت کرور یهود
وشش کرور پروتستان وشش کرور مسلمان وسی هزار نفر بت پرست و
باقی کاتولیک ارتدکس وشصت هزار نفر ارمنی

عدد قشون حاضر رکاب ۸۰۰۰۰۰ نفر با ۳۱۰۰۰ صاحب منصب
ویکصد وسی وسه هزار رأس اسب و ۱۷۰۰ عراده توپ ودر اوقات
جنگ تا هفت کرور لشکر میتوان حاضر نمود
مسلمانان قفقازیه از خدمات نظامی معافند واز این بابت در هر سال
یک کرور منات میدهند استعداد بحریه روس ۳۹ فروند
زره پوش است و ۳۰۰ فروند دیگر با ۹۵۰ عراده توپ وسی هزار
نفر اجزاء
مالیات مملکت درسال ۵۷۰ کرور تومان است وقرض دولت
۳۶۰۰ کرور تومان درانمملکت ۹ عدد یونیورسیته دارد با ۸۰۰
معلم و ۱۴۰۰۰ نفر شاگرد وسی وهشت هزار باب مدرسه ومکتب دارد
با پنج کرور نفر شاگرد ودولت در هر سال ۲۴ کرور تومان برای تربیت
عمومی میدهد طول راه آهن ۴۵۰۰ فرسخ است
و ۱۵۰۰ باب پستخانه دارد وعده ۴۲۰۰ باب چاپارخانه دارد با
۲۶۰۰۰ رأس اسب ودرسال گذشته ۵۶۰ کرور پاکت حمل شد

۳۹۰۰۰

و ۳۹۰۰۰ فرسنگ خط تلگراف دارد با ۳۲۰۰ باب تلگرافخانه ودر
سال گذشته ۲۲ کرور مطلب تلگرافی زده شده
حاصل مملکت روسیه فراوان است وتقریبا در هر سال ۴۰۰ کرور خروار
غله بعمل میاید وسیب زمینی وتنباکو وچغندر بجهة قند فراوان است
گاو وگوسفند واسب نیز بسیار است چنانچه در روسیه اروپائی ۳۵
کرور اسب موجود است وقروات وماهی نیز زیاد است
معادن آنجا از قبیل طلای احمر است وطلای سپید ونقره وسرب
ومس وروی وآهن واز معدن آهن درسال گذشته سه کرور خروار آهن استخراج
شده واحد نقد در روسیه منات است وآن بر دو
قسم است نقره وکاغذی منات نقره بقیمت پنجهزار ونه شاهی است
ومنات کاغذی بقیمت سه هزار ودو عباسی
واحد وزن فوند است معادل هشتاد وهشت مثقال وپوت
معادل است با ۴۰ فوند که پنج من ونیم تبریز میشود واحد طول
ارشین است که مساویست با پانصد ساژن ومطابق میشود با یکهزار وششصد

ورع

در شرح پولونی — Pologne

زمینی که فعلاً به پولونی یا لهستان موسوم است در زمان قدیم مسکن
فرقه از طوایف سلاو بود که به لخ یا له مشهور بودند و بدین سبب آن ملک را
لهستان گفتند در اواخر مائه چهارم بعضی از این طایفه به مذهب عیسوی
درآمدند و رئیس آنها از امپراطور آلمانی تبعیت داشت و ابتدای
جنگهای روس و اهل لهستان در اول مائه پنجم بود که مدت ششصد
سال هم بطول انجامید و عاقبت باعث خرابی لهستان گردید بعضی از
ولات لهستان لقب پادشاهی گرفتند تا در اواخر مائه هفتم این
لقب پیوسته امتداد پیدا کرد و تا آن زمان اکثر اهالی لهستان بت‌پرست
بودند در اواخر مائه هشتم تمام آنها به مذهب عیسوی مشرف شدند
در همان اوقات هم سلسله سلاطین لهستان منقرض گردید و دیهیم سلطنت
با پادشاه مجارستان منتقل گردید و مدتی مدید این دو دولت در تحت
یک سلطان بود تا در اواخر مائه دهم مملکت لهستان از حیثیت تمول
و وسعت خیلی قوت گرفته و وسعتش به ۲۰ هزار فرسنگ مربع رسید

این سلسله

این سلسله نیز منقضی شده و اشخاص مختلف در آنجا سلطنت راندند و پس
از آنها برادر پادشاه فرانسه سلطنت کرد و بعد بعضی از امراء و شاهزادگان
از خانواده سوئد ریاست کردند و آخر الامر به دوک ساکس منتقل شد
و چون او اغلب با دول روس و عثمانی و سوئد در جنگ بود
لهذا اسباب خرابی و ضعف این دولت گردید و اکثر املاکش
بدست دیگران افتاد چندی بعد از جلوس پنیاتوسکی —
Poniatowski در سال ۱۱۸۶ دول پروس و روس و اتریش
مملکت لهستان را تقسیم نمودند و در سال ۱۲۰۶ ثانیاً آنجا را تقسیم نمودند
پس از آن اهل لهستان بتحریک کوسیوزکو Kosciuszko
— بنای طغیان گذاردند ولی خود محرک دستگیر و محبوس گردید
و تمام اهالی هم مغلوب شدند بعد از این واقعه دفعه ثالث مملکت
لهستان را منقسم نمودند باین وضع دولت پروس ۷۰۰ فرسنگ مربع
داشته با شهر وارسوی و دولت اتریش ۸۵۰ فرسنگ
مربع از خاک آنجا را متصرف شد با شهر کراکووی و باقی لهستان

که ۲۲۰۰ فرسنگ مربع بود در دست دولت روس باقی ماند
در سنه ۱۲۲۱ ناپلیون اتریش وارسوی لهستان را با پادشاه
ساکس واگذار نمود ولی شش سال بعد ناپلیون مغلوباً از روسیه مراجعت نمود
لهستان را مجدداً تقسیم کردند و جزو اعظمش بتصرف روس درآمد
از آن تاریخ به بعد همیشه اوقات اهالی لهستان یاغیگری داشتند و در
صدد آزادی و استقلال خود بودند ولی در هیچ موقعی فایده نبخشید
تا در ۱۲۸۴ که تمام لهستان با وسعت ۳۱۰۰ فرسنگ مربع و ۱۵
کرور جمعیت بطور قطعی جزو مملکت روس شد پایتخت آنجا
وارسوی است با ۲۵۰ هزار نفر جمعیت

مناکو

مناکو در زمان قدیم یکی از توابع روم بود و در ۳۲۵ بطایفه گریمالدی
که از نجبای ژنوا بودند Genoa تعلق گرفت در مائه نهم
مالک آن زمین به پرنس ملقب شد و مدتی در تحت حمایت
اسپانی بود و چندی هم در تبعیت فرانسه بود و چون در ۱۱۴۴
ذکوری در این طایفه نبود بتصرف دختر پرنس آخری افتاد که زوجه

کنت

کنت تورینی Thorigny بود و فعلاً در دست اعقاب اوست
در ۱۲۶۴ آلبرت پادشاه ساردین Sardaign اکثر املاک را
بتصرف درآورد و در ۱۲۷۸ آنچه را تصاحب کرده بود بضبط فرانسه
افتاد دولت فرانسه مبلغ هشت کرور فرانک از این بابت به پرنس
مناکو تسلیم نمود فعلاً تمام قلمرو منحصر است بشهر مناکو وسعتش
قریب یک فرسنگ است با ۱۳ هزار نفر جمعیت و استعدادش بهم جهت
۱۵۰ نفر است که بجهت کشیک عمارت دولتی مقرر است پرنس
حالیه شارل سیم است و چنین در مناکو قمارخانه عامه منعقد است
که از تمام دول بجهت قمار بآنجا میروند از آن بابت فایده گزافی عاید دولت
میشود

منت نگرو

منت نگرو یعنی قراداغ تا سال ۷۱۹ جزو سربی بود و چون عثمانی
سربی را مسخر نمود بعضی از امراء آنجا بقراداغ فرار کردند و با اهالی
آنجا اتفاق نموده آنرا بمنت نگرو موسوم ساختند بعد از جنگهای
متعدد به نجگوش Njegosch در سال ۱۱۰۹ اهل عثمانی را از

خاک قراداغ بیرون کرده و خودرا در تحت حمایت دولت روس
ونیک قرار داده ولی دولت عثمانی همواره سعیش این بوده آنجارا
بتصرف خود درآورد و باین سبب اغلب با آنها در جنگ بود و والی
قراداغ ریاست مذهبیه هم داشت در سال ۱۲۶۸ پرنس ملقب شد
وریاست مذهب بیکی از کشیشها داده شد و در همان سال دول روس واطریش
استقلال قراداغ را امضا نمودند[۲] و آخر الامر محکم شد و باستقلال خود باقی
پرنس حالیه نیکلای اول است

تنظیمات دولت در دست او و مجلسیکه مرکب است از شش نفر از
نجبا و درآنمملکت تربیت عامه بر سبیل اجبار است مالیات سالیانه
۲۰۰ هزار قران دولت روس در هر سال پانصد هزار قران بپرنس
میدهد و دولت اطریش ده هزار قران تا هنگام ضرورت بآنها کمک
نماید وسعت ولایت ۲۳۰ فرسنگ مربع است با ۲۴۰
هزار نفر جمعیت و ده هزار نفرش مسلمان هستند و در هنگام جنگ مقرر است
و تمام رعایای آنجا درصورتیکه علتی نداشته باشند حاضر شوند و قشون حاضر

[۲] دولت عثمانی هم در ... درصدد بوده قراداغ را تصرف ...

رکابش از سن ۱۴ تا ۵۰ سی هزار نفر میباشد هفتاد فرسنگ
خط تلگراف دارد تجارت عمده پوست است و پنیر و علفه از گل
آن سمتی ترتیب میدهند بجهة هلاکت بعضی هوام و حشرات

در شرح آلمانی

خاکی را آلمانی موسوم است در چند مائهٔ قبل از هجرت در دست
طوائف متعدد بود و بعضی در همانجا مانده و برخی بخارج رفته سلطنت
برپا نمودند از جمله طوایف المانی طایفهٔ فرنک بود و در و لایتی سلطنت
نموده بودند و بفرانسه موسوم شد در سلطنت شارلمانی و امپراطور
اعظم بود تمام رؤسای طوایف آلمانی نسبت بامپراطور کمال اطاعت را
داشتند و تاج امپراطوری در سلسله شارلمانی و به کارلوونگی مشهور بعد
تا سال ۲۹۹ باقیماند و در آنسال گونراد Conrad دوک
فرانکونی ملقب بامپراطوری و تا ۳۰۶ سلطنت کرد و در سال اخیر
هنری دوک ساکس امپراطور شد و از سلسله او پنج نفر تا ۴۱۵ سلطنت کردند
و در آن عصر اغلب طوایف آلمانی کیش مسیح را از دست داده

بمذهب عیسوی مشرف شدند و شهرهای بسیار بنا شد و دول همسایه از
قبیل لهستان و مجارستان و دانمارک از امپراطور المانی اطاعت داشتند
و تمام مملکت ایتالی باستثنای قطعه جنوبی آن که در دست اعراب بود
جزو سلطنت آلمانی شد باین معنی که سلطان المانی بر ایتالی هم سلطنت
داشت ولی کلیه امورات این دولت مجری بود اتصال
ایتالی به آلمانی اسباب انتفاع کلی گردید بجهة دولت المانی از حیثیت
علوم و صنایع که در آن وقت شیوعش در ایتالی بیشتر بود ولی
از طرفی هم اسباب خسارت کلی گردید بسبب جنگهائیکه مابین امپراطور
المانی و پاپ که در ایطالی بود واقع شد و چندین مائه طول انجامید
در سال ۴۱۵ دوک فرنگونی مجدداً دیهیم امپراطوری بر سر نهاد
و سلسله او تا سال ۵۱۹ سلطنت کردند و در آن سال لوطر دویم
Lothaires II دوک ساکس امپراطور شد و دوک باویر
Barrier از سلسله گلف Guelfes با او متحد بود
ولی دوک سوآب Souabe از طایفه هوهنشتافن

Gibelins برضد او بود و نظر بهمین لغت مابین
این دو طایفه بود نزاعی برخواست که مدت سیصد سال بطول انجامید طایفه
گلف از پاپ حمایت میکردند و طایفه دیگر برضد او بودند
و این نزاع تا آخر مائه نهم هجری وقتی منتقی شد که دولت فرانسه بایطالی
رسید پس از فوت امپراطور کنراد دویم
سلطنت بطایفه هوهنشتافن رسید و هفت نفر از این سلسله تا ۶۰۲ امپراطور
بودند و معروف ترین آنها فردریک اول بود ملقب به ریش قرمز در زمان
سلطنتش ممالک بسیار از اطراف بتصرف درآورد تا در ۵۸۶
هنگامیکه عازم تسخیر بیت المقدس بود در شام فوت شد
امپراطورهای این سلسله علی الاتصال با پاپها در جنگ بودند و متاخرین آنها
چندان تسلط نداشتند از ۶۵۲ تا ۶۷۲ سه نفر بامپراطوری
المانی منتخب شدند یکی از آنها دو سال سلطنت کرد و تمی هیچ بالمانی نیامد
و سیمی که مرتبه آمد و این اسباب اغتشاش کلی گردید در داخل المانی تا آنکه
حکام جزو اجتماع نموده و مقرر داشتند که فرمانده هشت نفر از معتبرین آنها

امپراطور را انتخاب نمایند و بعد از مدتی آنها هشت نفر شدند و آنها
به الکتر معروف شدند در سال ۶۷۲ رودلف Rudolf
دوک هبسبورگ Hasburg بود بامپراطوری
منتخب شد در ۶۹۰ آدلف Adolf از
خانواده ناسو Nassau معین گردید و مدت هفت سال سلطنت کرد
او و امپراطوریکه بعد از او آمد هر دو بقتل رسیدند در ۷۰۸ هنری هفتم
از خانواده لوکزامبورگ Luseemburg امپراطور شد
و تا سال ۷۱۳ سلطنت میراند پس از او دو نفر باتفاق امپراطور
بودند یکی فردریک که از خانواده اتریش بود دیگری لوئی دوک باویر
اما فردریک در ۷۳۰ وفات یافت و لوئی در ۷۴۸ و بعد از آنها
شارل چهارم از خانواده لوکزامبورگ بتخت نشست در سلطنت او
قانون براین بود که این هشت نفر که امپراطور را معین میکنند ارثی باشند
و مستقل و هر کدام حق سکه زدن داشته باشند و اجزای مجلس شورای
امپراطور هم باشند و در مدتی که با حضور امپراطور مجلس کنند و

مشورت نمایند بعد از او ونز Wenz پادشاه
بهم امپراطور شد و تا ۸۱۳ سلطنت کرد و در آن سال استعفا کرده به بهم مراجعت نمود
پس از او سیگیزموند Sigismund دوک براندنبورگ
Brandenburg بود امپراطور شد و براندنبورگ را واگذار نمود
به فردریک از خانواده هوهنزولرن که خانواده امپراطور حالیه است
در سلطنت این امپراطور جان هس Johan Huss
نامی در بهم ظهور نموده برضد پاپ حرکت میکرد و مرید بسیاری دورش
گرد آورده بنای اغتشاش و یاغیگری گذاشتند در سال ۸۴۱
تاج امپراطوری مجدداً بخانواده هبسبورگ تعلق گرفت و از آنجا تا بود
تا سال ۱۲۲۱ از این سلسله هفده نفر امپراطور آلمانی شدند
در سلطنت ماکزیمیلیان اول Maximilian I که در
۹۲۵ وفات یافت خاک المانی منقسم بود به ۲۵۰ جزء که هر کدام
سلطنت علیحده داشت ولی امپراطور آنها را در ده حکومت بزرگ مندرج
ساخت در سلطنت شارل پنجم که از ۹۲۵ تا ۹۶۳

بطعی امانیه اسپانیا هم در تحت امپراطور آلمانی درآمد و اغتشاشات
مذهبیه زیادی خاصه از نقطهای مارتن لوتر
Martin Luther
نام در ریاست پاپ را قبول نداشت و در احکام او اعتراض میکرد
خاصه از تجرد و حصر بودن او و اکثری از سلاطین و امرای المانی
پیروی او نموده و اسم پروتستان شایع شد و بملاحظه اینکه این فرقه
تازه بر قواعد قدیمه اعتراض میکردند آنها را پروتستان گفتند در این زمان
هم دولت عثمانی با قشون زیادی شهر وین را محاصره کردند بجهة دفع آنها
و از باب مغشوشات مذهبیه و یاغیگری متوالی اسباب خسارت کلی
برای دولت آلمانی گردید و باینجهات شارل پنجم استعفا کرده منزوی و
رهبان شد

فرقه پروتستان متدرجاً قوت گرفته طغیان نمودند تا در سلطنت امپراطوری
بمنازعه مابین آنها و کاتولیک شدت پیدا کرده در سال ۱۰۲۷
جنگ عظیمی برپا شد که بجنگ سی ساله مشهور است و در ۱۰۵۷ بانتها
رسید در این جنگ از قدرت و قوت آلمانی کاسته و دول خارجه در آنجا مداخله

پیدا کردند و اکثر حکام آلمانی برضد یکدیگر رفتار میکردند و بعضی هم با دول خارجه
ملحق شدند و شئونات امپراطور بکلی از دست رفته فقط اسمی از او باقی
بود و ممالک مجاور با تملیک مدتی بسوئد افتاد و الزاس بتصرف
فرانسه درآمد و سویس هم جمهوری مستقل گردید و کلیتاً تمام ممالک ویران
و منهدم گشت چنانچه در بعضی از مواضع جمعیت عشر شده و قریب نصف
خاک آلمانی از دست رفت در سال ۱۰۵۷ که جنگ باتمام رسید
صلح منعقد شد مقرر گردید که امور آلمانی در دست امپراطور و تنظیماتش در
عهده سه مجلس باشد اجزای مجلس اول هشت نفر باشند که سلطان را منتخب
میکنند و در مجلس دویم صد نفر پرنس باشد و شأن آنها پست‌تر از اولیها
باشد و اجزای مجلس سیم ۵۲ نفر از کبار امرا باشد و بجهة اجرای هر حکمی
میبایستی که هر سه مجلس متفق الرأی باشند اما بملاحظه اینکه اعضای این
مجالس هر یک بمنزله سلطانی بودند و حتی الامکان بمیل و خواهش خود عمل
میکردند لهذا کاری از پیش نرفت و میتوان گفت که در آن زمان
اتحاد آلمانی بکلی منقرض گردید

درجنگهای طولانی که با لوئی چهاردهم پادشاه فرانسه واقع شد باز
خسارت کلی بدولت آلمانی وارد آمد و در سال ۱۰۹۴ هم قشون
عثمانی بسرداری قرا مصطفی شهر وین را محاصره نمودند دو ماه طول کشید و با کمال
زحمت و مخارج زیاد آنها را بیرون کردند و پس از آن در مدت
پنجاه سال جنگهای متعدد با دولت عثمانی واقع شد و از آن تاریخ ببعد چون
دول آلمانی هر یک بمیل خود رفتار می‌نمودند لهذا شرح هر یک را علیحده
ذکر خواهیم نمود همینقدر کافی است اشاره بکنیم ناپلیون اول در ۱۲۲۱
امپراطوری آلمانی را منسوخ کرد و در آن سال آلمانی به سه جزو قسمت شد قسم
اول شانزده سلطان‌نشین بود از قبیل ساکس و باد و ورتمبرگ و غیره
که ملقبه باسم کنفدراسیون دُرن معروف شد و قسم دوم آتریش بود
و قسم سیم پروس بعضی قطعات شمالی از قسم
سیم در سنوات بعد ضعیف شده و ناپلیون اول نصف آنها را بحیطهٔ
تصرف درآورد ولی در ۱۲۳۰ که ناپلیون منهدم شد تمام مملکت آلمانی
که آنوقت ۳۸ عدد بود موسوم شد به کنفدراسیون ژرمانیک و مقرر

گردید

گردید که هر یک از این دول مستقل و ممتاز باشند مشروط بر اینکه در
دفع دشمن عمومی همه اتفاق کنند و این وضع برقرار بود تا سال
۱۲۸۳ که دولت پروس اتریش را شکست داد و کنفدراسیون ژرمانیک دراز
برپا شد بریاست پروس و دولت آتریش از عداد المانی خارج شد و دول
جنوبی آلمانی هم مجزی بودند تا در سال ۱۲۸۷ که جنگ با فرانسه شروع شد
در آن سال تمام دولت آلمانی غیر از آتریش باهم متحد بودند و در بین جنگ
گیوم اول پادشاه پروس را بامپراطوری خود منتخب نمودند و او در بهار
۱۳۰۵ وفات یافت پس از او پسرش فردریک امپراطور شد
و سه ماه بعد فوت شد بعد از او در تابستان همان سال پسرش گیوم سیم امپراطور
شد

در وضع حالیه

مطابق قانون ۱۲۸۸ در تمام دول آلمانی اتحاد ثابت و دائمی منعقد نمودند
برای ضبط مملکت و امنیت و آسایش رعیت ریاست کلیه از نظام
و غیره و امور پولتیکی با پادشاه پروس است که بامپراطور آلمانی
ملقب است و امپراطور باختیار خود میتواند دفاع کند ولی بخودی خود

نمیتواند بدولتی آغاز جنگ نماید
پارلمان این مملکت منقسم است بدو مجلس و در یکی از مجالس ۶۲ نفر اجزا
هستند که وکلای ۲۳ دولت آلمانی هستند و در مجلس دیگر ۳۹۷ نفر وکلای
ملت اند مخارج و مداخل هر دولت مجزی است از خرج و دخل
امپیر یعنی آنچه در تصرف امپراطور است مخارج امپیر را از محل گمرک
و پست و تلگراف و از بعض خطوط راه آهن معین کرده اند
هر یک از دول هم مقرر است که قشون معینی بجهة دفع دشمن عمومی مرتبه
دارد و از این قرار قشون آلمانی هنگام صلح ۴۹۲۰۰۰ نفر میشود با
۹۰۰۰۰ رأس اسب و ۱۴۰۰ عراده توپ ولی در جنگ متجاوز
از سه کرور نفر میتوان حاضر نمود با ۳۱۳۰۰۰ رأس اسب و ۳۰۰۰
عراده توپ استعداد بحریه ۲۷ فروند زره پوش است و ۷۱
فروند تجاری و ۶۰۵ عراده توپ و ۱۹۰۰۰ نفر اجزا
وسعت تمام ممالک المانی ۱۳۲۰۰ فرسنگ مربع است با ۹۴ کرور
جمعیت سکه رایج مطابق قانون جدید ۱۲۸۸ در تمام ممالک آلمانی

مارک است

مارک است که معادل یکهزار و هفتصد دینار است و قبل از این قانون
هر مملکتی پول مخصوص خود داشت سایر آحاد از قبیل طول و وزن و غیره
مثل فرانسه است اینجا بهمینقدر اکتفا میکنیم و باقی تفصیلات را در
جزو هر دولت ذکر خواهیم کرد

مملکت پروس

پروس در اصل اسم مملکتی بوده که فعلاً شرقی ترین تمام اجزای پروس حالیه است
و در سال ۱۱۱۲ تمام سلطنت باسم پروس موسوم گشت و دوام استقلال
دولت پروس از ۱۲۲۱ ببعد شد یعنی آن وقتیکه امپیر آلمانی باتمام رسید
و ما قبل از آن تاریخ همیشه در تحت امپراطور المانی بود ولی در سلطنت
فردریک گیلیوم پادشاه براندنبورک که از ۱۰۵۰ تا ۱۱۰۰ بسلطنت رسید
اعتباری بجهة دولت پروس پیدا شد در سلطنت گیلیوم خاک براندنبورک
۲۰۰ سال در دست خانواده هوهنزولرن بود Hohenzolern
— یعنی اجداد امپراطور حالیه و چون اصل و مبدأ آن طایفه از براندنبورک
بوده مناسب آن است که اول شرح آنرا ذکر کنیم
براندنبورک که فعلاً برلن در وسط آن واقع است مملکت کوچکی بود که تا

سال سعید و نابغه در تصرف طوایف مختلف سلاو بود و در آن سال
امپراطور هنری اول طوایف سلاو را در نزدیکی رود الب شکست داده و پایتخت
آنها را که شهر براندنبورگ بود متصرف شد و جزو امپراطوری آلمانی گردید و حکمی
به کس شمالی مشهور بود و بعد بمرز کهنه معروف گشت صد سال بعد طایفه
وند Wendes براندنبورگ را بتصرف آوردند و تا سال ۵۲۸
در دست آنها بود و در آن سال آلبرشت Albrecht نامی
معروف به خرس از جانب امپراطور حاکم مرز کهنه شد و او طایفه وند را
بیرون کرده و نسبت بولی نعمت خود که ساکس بود یاغی شده و خاک
براندنبورگ را مستقل ساخت

در سلطنت نتیجه او که از ۶۰۳ تا ۶۱۷ بطول انجامید در کنار رودخانه
اسپری Spree شهر برلن بنا شد و سی سال بعد قرینه آن شهر کولن بنا شد
و در سال ۷۰۷ این دو شهر را متصل کرده و هر دو را برلن نامیدند این سلسله
در ۷۱۹ منقرض گردید و بعد از پنج سال جنگ و اغتشاش امپراطور
لوئی از خانواده باویر براندنبورگ را به پسر خود واگذار نمود

در سلطنت این سلسله از بابت عدم لیاقت حکام و قطع طرق بسیار
هرج و مرج بود و گاهی بجهت مخارج خود اکثر املاک را فروختند و گرو گذاردند
تا در سال ۷۷۵ که شارل چهارم امپراطور بود مملکت براندنبورگ بالنتیجه
به لوکزامبورگ تعلق گرفت

پسر شارل چهارم براندنبورگ را در سال ۷۹۱ به مرزبان موراوی
Moravie گرو داد و این فقره نیز اسباب زیادتی اغتشاش شد
بعد از چندی امپراطور سیگیزموند حکومت براندنبورگ را به فردریک
ششم که از خانواده هوهنزلرن این خانواده خیلی قدیم است
و معتبر و امپراطور حالیه از همین سلسله است و وجه تسمیه آنها باین اسم
از آن است که یکی از اجداد ایشان از سردارهای معروف شارلمان بوده
و سر او قلعه هوهن زولرن را در سال ۲۱۳ در نزدیکی رود دانوب بنا
نهاده بود واگذار نمود و او در سال ۸۱۸ رئیس براندنبورگ شد
در سلطنت اعقاب او امرا را با کمال سختی از طغیان باز داشتند و رفته
رفته مملکت منظم گردید و املاکی هم که در گرو بود بیرون آوردند در ۹۱۲

یونیورسیته فرانکفورت در اودر ساخته شد
در ۹۲۶ این سلسله بمذهب پروتستان درآمدند در ۹۷۶ خاک
پروس که از املاک لهستان بود تبعیت این طایفه شد
در سال ۱۰۲۸ بواسطه اینکه پرنس براندنبورگ دختر دوک پروس را
بعقد خود درآورده بود دوک پروس شد ولی در جنگ سی ساله که از ۱۰۲۸
تا ۱۰۵۸ بطول انجامید ضرر کلی به دولت براندنبورگ وارد آمد
ولی هشت سال قبل از انتهای جنگ فردریک گیلیوم اول بر تخت
نشست و در واقع این پادشاه کبیر اول سلطانی بود که اسباب اعتبار
و افتخار دولت پروس گردید مملکت او موسوم بود به براندنبورگ و منتهی الیه پروس
و براندنبورگ و پومرانی و بعضی املاک کوچک متفرق در خاک آلمانی
و محض اینکه این املاک متفرق را متصل نماید سلاطین براندنبورگ
سعی شان این بوده و سیاست واقع باین آنها را نیز بتصرف درآورند
در سلطنت او که مدت چهل سال بطول انجامید در امور فلاحت
و تجارت ترقی بسیار واقع شد قنوات زیاد احداث کرد و جمعی قشون را

منظم نمود و پستخانه دایر کرد و در جنگهائی که با سوئد و فرانسه داشت محقق
گردید که قشون او بر دیگران ترجیح و تقدم دارد در ۱۰۷۱ خاک
پروس از لهستان موضوع شد و از آن وقت ببعد یکی از ممالک
خانواده براندنبورگ محسوب شد و چون فردریک گیلیوم اول در
۱۰۹۹ وفات یافت وسعت مملکتش ۲۱۵۰۰ فرسنگ مربع بود
و سه کرور جمعیت داشت در سلطنت پسر او دوک فردریک سوم که
۲۶ سال بطول انجامید سلطان پروس ملقب به روآ Roi
شد و در سال ۱۱۱۲ فردریک اول پادشاه پروس موسوم گردید
و امپراطور آلمانی این مطلب را اجازه داد مشروط بر اینکه در جنگ او با فرانسه
قشونی برای کمک او دهد در آن زمان هم طاعون شدیدی در خاک
پروس واقع شد و ثلث تمام جمعیت هلاک شدند
در سال ۱۱۲۵ که فردریک گیلیوم اول پادشاه پروس شد اول کارش
این بود که بمقدار زیادی کاست از مخارج زیادی که در زمان پدرش پیدا شده بود
و مالیات را منظم نمود و بر عدد قشون افزود و وزارت جنگ و مالیه در

دست خود گرفت و در هنگام فوت او قشون پروس مرکب بود از
۸۳۰۰۰ نفر پیاده و ۱۸۰۰۰ نفر سواره و معتبرترین لشکر روی زمین بود
پس از او فردریک دویم ملقب بکبیر از ۱۱۵۳ تا ۱۲۰۱ سلطنت راند و
چون او بسلطنت رسید وسعت خاک پروس ۲۳۰۰۰ فرسنگ مربع بود
با پنج کرور جمعیت و از دخل سالیانه دولت هشت کرور تومان بود بیشش
کرورش را بمصارف قشون میرسانید زیرا که همتش را بر این گماشته بود
دولت پروس را یکی از دول معظمه نماید بنابراین لازم بود قشون آراسته
زیادی نگاه بدارد و در ابتدای سلطنتش جنگ
با اتریش کرد و در سال ۱۱۵۸ سیلزی را Silesie
بتصرف در آورد بعد از آن ماری ترز Marie Thérèse
امپراتریس اطریش بخیال اینکه سیلزی را پس بگیرد در ۱۱۶۹ با دولت
پروس آغاز جنگ نهاد ابتدا تنها بود بعد روس و فرانسه و سوئد
و لهستان و ساکس و ممالک جنوبی آلمانی کلیتاً بر ضد فردریک کبیر اتفاق
کرده و جنگ برپا شد موسوم بجنگ هفت ساله در این مدت هفت سال

جنگهای

جنگهای متعدد واقع شد و با وجود اینکه فردریک کبیر استعدادش
کمتر بود معهذا در اکثر آن جنگها فتح کرد ولی در دو جنگ هم بسختی شکست خورد
و نزدیک بجه او باقی ماند و نه سرباز اما از حسن اتفاق در سال ۱۱۷۵ الیزابت
امپراتریس روس که از دشمنان قوی بود فوت شد و پس از او پطر سیم بر تخت
نشست و او کمال اتحاد و دوستی را با فردریک داشت و باین لحاظ با او صلح کرد
و علاوه ۲۰۰۰۰ نفر جمعیت هم بکمک او فرستاد سوید چون چنین دید او هم
فوراً صلح بست و کاترین دویم که بعد از الیزابت امپراتریس روس شد
با فردریک کبیر دوستی ورزید و در این صورت فردریک میتوانست در صدد
دفع فرانسه و اتریش برآید چنانچه بکمال تدبیر برآمد و در آگست ماه و در سال
۱۱۷۶ آخرین صلحنامه منعقد شد اگرچه در این جنگ ۵ کرور نفر مقتول شد
ولی فردریک کبیر دولت پروس را یکی از دول معظمه ساخت و سیلزی را هم
نگاهداشت و دوستی مابین پروس و روس در آن زمان ابتدا شد پس از آن قطعه
از لهستان هم جزو پروس شد و وسعت خاک پروس در فوت فردریک
کبیر به ۵۰۰۰۰ فرسنگ مربع رسیده بود با ۱۲ کرور جمعیت و تمامیت

مملکت ۳۲ کرور تومان بود و در خزانه ۵۸ کرور تومان ذخیره و در تمام
مملکت راههای خوب ساخت و قنوات زیاد احداث کرد و ۸۰۰ قریه
جدید بنا نهاد و کارخانه قندریزی و کاغذسازی و پنبه بافی دایر نمود
پس از او فردریک گیلیوم دویم بر تخت نشست و مدت دوازده سال سلطنت
کرد این سلطان ضعیف بود و ناقابل ولی عیاش و مبذر و بهیه تحمیلات
زیاد برعایا وارد میآورد جنگ با جمهوری فرانسه ابتدا کرد از باب عدم
لیاقت سردارانش نتیجه نبخشید در سال ۱۲۰۷ مطابق عهدنامه
جزئی از مملکت لهستان بوسعت ۱۷۰۰ فرسنگ مربع با ۵ کرور نفر جمعیت
جزو پروس شد و در فوت این سلطان وسعت پروس به ۸۶۵۰ فرسنگ
مربع رسیده بود با ۱۷ کرور جمعیت اما بعد خزانه بکلی تمام شده و علاوه دولت
پنجاه کرور تومان مقروض بود و قشون هم خراب و بی‌پا
در سال ۱۲۱۲ فردریک گیلیوم سیم بر تخت نشست شخصاً بسیار نجیب و صاحب
صفات حمیده ولی عاری از علم سلطنت و بکلی از پولیتیک خارجه و داخله
بی‌ربط اکثر وزرای او هم بمیل خاطر ناپلئون عمل میکردند و چون بین پروس هم

کم بود

کم بود شروع کردند بضرب پول کاغذی
در ۱۲۲۱ مابین دولت پروس و ناپلئون جنگ واقع شد و چون قشون پروس
بی‌معنی و بیکاره و تمام صاحب‌منصب پیر و از کار افتاده لهذا ناپلئون او را شکست
کلی داد و اکثر قلعه‌جات پروس را بالمره تصرف در آورد و برلین هم بدست
فرانسویها افتاد وزرای پروس نسبت بناپلئون اطاعت داشتند ولی پادشاه
پروس فرار کرده دولت روس قشونی بکمک او فرستاد آنها نیز شکست خورده
با ناپلئون صلح کردند و تقریباً نصف از خاک پروس بدست فرانسه افتاد و سرحد آنها
رود الب شد پس از این تفصیلات سلطان پروس در صدد اصلاح خرابیها
برآمده وزرای کافی انتخاب کرده و صاحب‌منصبان قشون را تغییر داد و وضع
مالیات را منتظم ساخت باین تدبیرات تدریجاً قوت گرفته تا در سال ۱۲۲۸
با فرانسه باز جنگ کرد و در این سال دول اتریش و انگلیس با پروس
ملحق شده هشتصد هزار قشون بجنگ فرستادند و ناپلئون پانصد هزار نفر مهیا داشت
بعد از جنگهای متعدد در سال ۱۲۲۹ در نزدیکی لیپزیک شکست فاحش
بناپلئون وارد آمد و در هنگام زمستان عازم محاصره پاریس شدند در چند جنگ

دیگر نیز فرانسه را مغلوب نمودند تا ده روز بعد از عید نوروز ۱۲۲۹ داخل
پاریس شدند ناپلیون از سلطنت استعفا کرده به البا رفت و سال بعد ناپلیون
از البا مراجعت نمود دولت پروس هم لشکری مرکب از یکصد و پنجاه هزار نفر
بسرداری بلوچر Bluecher بجهت دفع ناپلیون فرستاد و آخر امر
در جنگ واترلو Waterloo در خاک بلجیک بکمک انگلیس
قشون فرانسه را منهدم نمودند و در اوایل زمستان ۱۲۳۰ صلحنامه منعقد شد و در سال
هم این سال پروس و اتریش و روس معاهده دفعی و تجاوزی منعقد گردید
و در سال قبل هم پروس با سی و نه سلطان دیگر جزو کنفدراسیون ژرمانیک
شده بود بریاست اتریش و از آن پس پادشاه پروس به تنظیمات داخله
پرداخت و همه ساله ۵ کرور و نیم از عایدی خالصجات بجهت مصارف خود
منظور داشت و باقی را برای مخارج دولت معین نمود
در سال ۱۲۳۶ عایدات دولت پروس به ۵۲ کرور تومان رسیده بود
و در مقابل ۱۹۲ کرور تومان هم دولت مقروض بود. در این سلطنت هم
وزارت تربیت عامه مقرر گردید و مدارس بسیار بنا شد پس از فوت

فردریک

فردریک گیلیوم سیم در سال ۱۲۵۶ فردریک گیلیوم چهارم بسلطنت رسید
بواسطه یاغیگری که در سال ۱۲۶۵ واقع شد مجبور شد به تغییر امور دولت
و انعقاد مجلس پارلمان خواستند لقب امپراطوری را باو بدهند
قبول نکرد و در سال بعد هم با دولت دانمارک جنگ کرد و هولستین را
Holstein که یکی از ولایات دانمارک بود بتصرف
در آورد تا هنگام فوت این سلطان که در ۱۲۷۷ حادث شد کمال
امنیت و رفاهیت در مملکت واقع بود و در قشون پروس ترقی بسیار واقع شد
پس از او گیلیوم اول برادرش سلطان شد بسبب اغتشاش دائمی در هولستین
و منازعاتیکه با دانمارک داشتند در ۱۲۸۱ اتریش و پروس اتفاق کرده
داخل دانمارک شدند و اهل دانمارک را مغلوب ساختند و هولستین شلزویک
جزو آلمان شد در تحت حمایت اتریش و پروس این فقره باعث
کشمکش شد در بین پروس و اتریش و برای طی این کشمکش پرنس بیزمارک
چنین مصلحت دید در تابستان ۱۲۸۳ با دولت اتریش جنگ کند چون
ایطالیا با پروس ملحق شده بود لهذا دولت اتریش مجبور شد با اینکه استقلال

خودرا بدو جزء قسمت کند قسمی از اطراف جنوب متوجه سازد و قسمی بسمت
شمال و هانوور و ساکس و بعضی دول جزء دیگر هم با اطریش ملحق شدند
پادشاه پروس بسرداری قشون خود داخل خاک اتریش گردید ولی اتریشیها
در طرف جنوب قشون ایتالیا را شکست دادند اما در جهت شمال بعد از هفت روز
جنگ لشکر پروس اتریش را مغلوب نمودند و حاصل جنگ این شد که
اتریش خاک ونیز را بایطالیا تسلیم نمود و حقوق خودرا از باب شلزویک
و هولستین بکلی به پروس واگذار نمود و ۲۱ کرور تومان از بابت خسارت جنگ
به پروس داد و این دولت شلزویک و هولستین و هانور و هس و ناسو را
در تحت خود آورد و کنفدراسیون ژرمانیک شمالی را ترتیب داد و از هانوور
بیست کرور و از ورتمبرگ پنج کرور و از باد چهار کرور و از هس دارمستاد ده کرور
تومان بجهت مخارج جنگ گرفت و بر وسعت پروس بمقدار ده هزار فرسنگ
مربع افزوده شد و دولت پروس بر تمام دول آلمانی مقدم شد و اولین آنها
کورتس اهالی اسپانی در ۱۲۸۷ میل داشتند که یکی از خانواده هوهنزولرن را به
پادشاهی خود منتخب کنند ولی دولت فرانسه مانع این کار شد و با آن واسطه

باعث

با دولت پروس جنگ عظیمی شد و شرح آن در تاریخ فرانسه مذکور است و از آن
پس پادشاه پروس امپراطور کل آلمان گردید و از آن تاریخ ببعد دیگر جنگی
نداشتند و بواسطه صدارت بیزمارک با وجود اغتشاشات داخله و
کشمکشهای مذهبیه با کاتولیک و یهود و فقرات سوسیالیست کمال ترقی
حاصل شد گیلیوم اول در بهار ۱۳۰۵ وفات کرده پسر او
فردریک دویم پادشاه شد و پس از مدت سه ماه سلطنت فوت کرده پسر
او گیلیوم دویم که در سال ۱۲۲۵ متولد شده بود بر اورنگ سلطنت نشست
از خالصجات پروس سالی هفت کرور تومان عاید میشود
از این مبلغ هفتصد و شصت و پنج هزار تومانش بمصارف سلطان میرسد
و ما بقی صرف دولت میشود و علاوه بر آن پادشاه پروس املاک شخصی
دارد و از آنها مبلغ گزافی حاصل میشود
امور دولت در دست سلطان است و مجلس وزراء و پارلمان که مرکب
از دو مجلس یکی مجلس خاص و دیگر مجلس عام اجزای مجلس اول شاهزادگان
میباشند و نجبا و رؤسای یونیورسیته بزرگ و کلانترهای شهر معتبر و اجزای مجلس

وقدیم چهارصد و سی و دو نفرند و تقریباً هر یک نفر بازای شصت و شش هزار نفر
از رعایا منتخب شده‌اند وزرا هشت نفرند از این قرار ۱ وزیر امور خارجه
۲ وزیر داخله ۳ وزیر جنگ ۴ وزیر فوائد ۵ وزیر فلاحت و جنگل
۶ وزیر عدلیه ۷ وزیر تربیت عامه و مذاهب ۸ وزیر مالیه مالیات
در هر سال ۴۵۰ کرور تومان است وسعت مملکت ۸۷۵۰ فرسنگ مربع
عدد نفوسش ۸۵ کرور و دو ثلث آن پروتستان میباشند پایتخت شهر برلن با
۵ کرور و سیصد هزار نفر جمعیت ده باب یونیورسیته دارد با مدارس و مکتب
بسیار و تقریباً ده کرور نفر شاگرد دارد و وضع تحصیل مجبوریست

در شرح باویر

جائیکه فعلاً باسم باویر موسوم است و در ۶۵۰ سال قبل از هجرت
اهل روم تصرف کرده و جزو مملکت روم شد و شهرهای اکسبورگ
Augsburg و راجنبورگ Regensburg
و پاسو Passau در آن زمان ساخته شد و بیست سال قبل از
هجرت طایفه ژرمانی معروف به بویه وار آنجا را مسخر نمودند و بمناسبت اسم آنها

به باویر

به باویر موسوم گشت آن طوایف در آن زمان ریاست دوکی بودند و به
پادشاهان فرانکی و بعد بامپراطور آلمان اطاعت میکردند و هشتاد و یک سال
بعد از هجرت بدین عیسوی مشرف شدند در ۱۸۲ مملکت باویر توسط
شارلمان جزو فرانسه شد و منقسم گردید بحاکم نشینهای کوچک در ۲۹۴
اهل مجارستان تمام باویر را غارت نمودند و [illegible] تا اهل
لهستان از آنجا خارج شدند در ۵۳۵ شهر مونیک بنا شد در ۵۷۵
سلسله ویتلزباک که فعلاً سلطنت میکنند بتخت رسیدند و این خانواده
تا سال ۷۲۸ دوک باویر بودند و از آن پس بولایات کوچک
منقسم گردید و مجدداً در ۹۱۱ باز ملحق شدند و از آن تاریخ ببعد قوت گرفته چنانچه
در جنگ سی ساله کمک کلی بامپراطور نمودند و دوک باویر هم یکی از
الکترها شد و تفصیل آن در تاریخ آلمان مذکور است پس از آن جنگهای
متعدد با اطریش داشت و دو مرتبه هم بتصرف اطریش افتاد در سال ۱۲۲۵
برضد دولت اطریش بناپلیون کمک کرده از آن ببعد دوک باویر را بنام
پادشاه میخوانند در ۱۲۴۱ لوئی اول بسلطنت رسید و اکثر بناهای

معتبر و ترقی صنایع از اوست در ۱۲۴۸ پسر او اوتو Otto
پادشاه یونان شد و چون لوئی اول از آن تاریخ ببعد تمام امورات را
بمیل خاطر ضعیفه رقاصی موسومه به لولا منتز مجری میداشت اسباب
اغتشاش وطنیان اهل باویر کرده و در ۱۲۶۴ قهراً استعفا کرده و
ماکزیمیلیان دویم پادشاه شد و در ۱۲۸۰ وفات کرد
پس از او لوئی دویم بسلطنت رسید و در ۱۲۸۳ دولت باویر برضد پروس
با اطریش ملحق شد و در ۱۲۸۷ بمخالفت فرانسه با پروس متحد گردید و از آن وقت
تا حال جزو امپراطوری آلمانی است و لوئی دویم در ۱۳۰۳ بمرض جنون
مبتلا شده خود را کشت و برادر او اوتو پادشاه شد و بعلت مرضی که داشت
امور سلطنت بدست پرنس لوئی پلد افتاد در این مملکت امورات
دولت در دست شش نفر وزیر و پارلمان است وزرا از این قرار است
۱ وزیر امور خارجه ۲ وزیر عدلیه ۳ وزیر داخله ۴ وزیر تربیت عامه
۵ وزیر جنگ ۶ وزیر مالیه وسعت باویر ۱۸۴۰ فرسنگ مربع است
و عدد نفوس یازده کرور و هشت کرورش کاتولیک است پایتخت مونیک با

۲۷۰ هزار جمعیت مالیات در هر سال ۸۲ کرور تومان و مبلغ ۹۰۰۰۰ تومان
در سال بجهة مصارف سلطنت معین شده و قشون هنگام صلح ۵۴۰۰۰ نفر است

در شرح ورتمبرگ

در جائیکه فعلاً باسم ورتمبرگ موسوم است طایفه [illegible]
سکنی داشتند از ۵۵۰ قبل از هجرت اهل روم آنجا را تصرف کردند
در ۱۵۰ سال بعد رومیان خارج شده و طایفه آلمانی در آنجا متوقف شدند
پس از آن دو جزء منقسم شده قسمی بفرانسه افتاد و دیگری به [illegible]
در ۶۴۰ هجری اولین کنت از ورتمبرگ مشهور شد و در ۹۰۰ ملقب
بدوک شدند و در ۱۲۲۰ که زمان ولایت فردریک دویم بود توسط ناپلیون
بخطاب پادشاهی نایل شدند و او در ۱۲۳۱ وفات کرد و پس از او
گیلیوم اول سلطان شد و او در ۱۲۸۱ فوت شد و پسر او شارل اول پادشاه
جدید حالیه است امور دولت در عهده مجلس
پارلمان و شش نفر وزیر است مثل آنچه در باویر ذکر شد مالیات در هر سال
بیست کرور تومان است و از آن مبلغ سیصد و پنجاه هزار تومان بجهة مصارف

سلطنت است وسعت مملکت ۴۲۰ فرسنگ مربع است با چهار
کرور جمعیت پایتخت شتوتگارت Stuttgart با یکصد و
بیست و شش هزار نفر جمعیت و قشون در وقت امن بیست و یک هزار نفر

در شرح ساکس

پنج عدد از ولایتی که جزو امپراطوری آلمانی مندرج است موسوم است به ساکس
اول ساکس مطلق است و والی او را پادشاه خطاب میکنند
دیگر ساکس ویمار است Weimar و والی آنجا را گراندوک
میگویند و ساکس ماینینگن Meiningen و
و ساکس کوبرگ گوتا Coburg gotha و ساکس آلتن برگ
Altenburg و هر کدام در تحت حکومت یک نفر دوک است
این سلاطین همه از یک سلسله هستند و اصلش از طوایف ژرمانی است موسوم
به سکسون Saxon و در زمان قدیم در شمال آلمانی سکنی داشتند و در مائه
چهارم قبل از هجرت با جهازات بسیار بنای جنگ و غارت به فرانسه و انگلیس میرفتند
و سرقت میکردند و در مائه دویم قبل از هجرت با طایفه انگلس Angles

ملحق شده خاک انگلیس را متصرف در آوردند و آن ملک بمناسبت این
طایفه به انگلیس موسوم گشت طایفه انگلی همیشه در جنگ بودند
و اغلب با طایفه فرانک حرب مینمودند و در زمان کارلومانی بمذهب
عیسوی در آمدند در ۳۰۳ هجری امیر دوک ساکس امپراطور شد و تاج
امپراطوری متجاوز از یکصد سال در خانواده او باقی ماند
در ۵۷۶ ولایت باجزای چند منقسم شد و در ۷۷۲ دوک ساکس مقام
الکتری پیدا کرد یعنی از منتخب کنندگان پادشاه آلمانی شد
در ۸۸۸ خانواده ساکس دو فرقه شدند فرقه معتبر به ارنستین Ernestine
معروف گشت و فرقه دیگر به آلبرتین Albertine
و پادشاهان حالیه ساکس از سلسله آلبرتین است در ۱۲۲۵
دوک ساکس بتوسط ناپلیون پادشاه شد و سلطان حالیه آلبرت اول است
امور این دولت در دست پارلمان است و شش نفر وزیر مانند سایر
مالیات ولایت در سال ۲۷ کرور قران است و یک کرورش بمصارف
سلطان میرسد وسعت مملکت ۴۶۵ فرسنگ مربع است با شش

کرور و نیم جمعیت و پایتخت درسده است Dresde
با دویست و پنجاه هزار جمعیت و قشون در وقت امن سی و دو هزار نفر است
ساکسهای دیگر که سلاطینشان از خانواده ارنستین میباشند از این قرار است
ساکس ویمار که حکمرانش در سال ۱۰۰۰ دوک مستقل شد و در ۱۲۳۰ گراندوک گردید
و گراندوک حالیه شارل الکساندر است امور دولت در عهده پارلمانی است
که بهمه جهة یکمجلس دارد با سی و یک نفر اجزاء و سه نفر وزیر یکی وزیر عدلیه
و تربیت عامه و مذاهب دیگر وزیر داخله و خارجه و دیگر وزیر مالیه
مالیات در هر سال دو کرور و نیم است که یکصد و شصت هزار قرانش بمصارف
سلطان میرسد وسعت ولایت ۱۸۸ فرسنگ مربع است با ۳۱۵
هزار نفر جمعیت پایتخت ویمار با ۲۲ هزار نفر جمعیت و قشون هنگام امن
یک فوج پیاده نظام است که فوج نود و چهارم آلمانی باشد
ساکس مینین جن از سال ۱۰۵۰ در دست دوکی بود و دوک حالیه
ژرژ دویم است امور این دولت در دست پارلمانی است که منحصر
بیک مجلس است مالیات سالیانه هفتصد و هشتاد هزار قران است و از این مبلغ

شهزاده و هشتصد قرانش بمصارف دوک میرسد وسعت ولایت ۹۰
فرسنگ مربع با دویست و پانزده هزار جمعیت پایتخت مینین جن است با
دوازده هزار جمعیت قشون در هنگام امن نصف فوج نود و پنجم آلمانی است
ساکس کوبرگ گوتا تا سال ۱۲۴۲ با ساکس آلتن برگ متحد و یکی بود
و از آن پس بعد از مدت صد سال منازعه و گفتگو به دو جزء منقسم گردید دوک
حالیه ارنست Ernest دویم است و چون بلاعقب است
بعد از فوت او سلطنت به برادرش آلفرد دوک ادنبورگ منتقل خواهد شد
که پسر ملکه انگلیس است امور این دولت در عهده پارلمانی است
که مرکب است از دو مجلس یکی متعلق به گوتا با ۱۹ اجزاء و دیگری متعلق به کوبرگ
با یازده نفر اجزاء مالیات سالیانه دو کرور است وسعت ۵۲ فرسنگ
مربع با دویست هزار نفر جمعیت و منحصر است به دو شهر یکی شهر گوتا با بیست و
هشت هزار نفر جمعیت و دیگری کوبرگ با پانزده هزار نفر جمعیت قشون
در وقت امن نصف فوج است ساکس آلتن برگ
دوک حالیه اش ارنست Ernest است وضع پارلمانش دوازده

مثل ساکس و دمارک است   مالیات سالیانه ۴۴۰۰۰۰ تومان است ۵
هفتاد هزار تومانش بجهة مخارج دولت پایتخت آلتن بورک با سی
هزار نفر جمعیت

در شرح باد

خاک باد فعلاً باین اسم مشهور است ۱۷۰۰ سال قبل از هجرت بدست
رومیان افتاد و بعد بتصرف طایفه آلمانی درآمد و پس از آن جزو فرانسه
شد و به آلمانی شهرت یافت و والی آنجا باسم مارک معروف بود
بمناسبت اینکه شهرهای ملک مارکهای قدیم بود عقب‌تر بمرزبان باد
و سلسله حالیه باد از اعقاب رودت   و در ۱۲۲۰ بتوسط ناپلیون
حکمران باد ملقب به گراندوک شد و گراندوک حالیه فردریک اول است
امور این دولت در دست پارلمان و چهار نفر وزراست مالیات در هر
سال ۱۶ کرور تومان است و برای مخارج سلطنت سیصد هزار تومان مقرر است
وسعت این ملک ۲۶۴ فرسنگ مربع است با سه کرور
و سیصد هزار نفر جمعیت و دو ثلث این جمعیت کاتولیک است پایتخت
کارلسروح با ۶۳ هزار نفر جمعیت قشون در وقت امن کور دارمه چهاردهم

آلمانی است   در شرح مکلنبورک

صد سال قبل از هجرت طوایف سلاو بتصرف آوردند خاکی را که امروز
باین اسم معروفست   در زمان شارلمان از پادشاهان فرنگ اطاعت
و تبعیت داشتند و بعد بمذهب عیسوی درآمدند و پس از آن یاغی و طغیان
و سرکشی را گذاردند و کمصد و شصت سال بعد مجدداً بت پرستی اختیار کردند
تا بتصرف ساکس افتاد و بعد از آنها مدتی در تحت دینمارک بود در ۶۲۶
بچهار جزو منقسم گردید و یکی از آن اقسام به مکلنبورک موسوم گشت
و والی این قسمت از اجداد سلطان حالیه مکلنبورک بودند و اصل
این خانواده سلاوند نه ژرمان   در ۲۴۹ والی این ولایت به
دوک ملقب شد و در ۱۱۱۲ این ولایت بدو قسم یکی شورین
schwerin و یکی ستر لیتز Strelitz در ۱۲۳۰
به گراندوک ملقب شد
گراندوک حالیه در قسم اول که مکلنبورک شورین است فردریک
فرانسوا دویم است   وضع این دولت بر خلاف سایر دول بقیه مانند

اوضاع قدیمه باقی مانده   امور دولت در دست گراندوک و مجلس
شورا و چهار نفر وزراء و تقریباً نصف ولایت از املاک شخصی گراندوک است
و معادل پنج کرور تومان از آنها عاید میشود و علاوه بر این هم نود هزار تومان از بابت
مالیات بجهة مصارف او منظور است مالیات سالیانه ۲۲۰ هزار تومان است
وسعت مملکتش ۳۱۷ فرسنگ مربع و خمس آن ملک گراندوک است
و خمس هم املاک امراء و نجباست و یکجزو از خمس باقی و قسمت و جزو دیگر
املاک متعلق بشهرهاست جمعیت ششصد هزار نفر و اصلشان سلاو است
و امراء کلیتاً از اهل ساکس‌اند پایتخت شورین است با هفتهزار نفر رعیت
اما در قسم دویم ستر لیتز Strelitz باز گراندوک
حالیه فردریک گیلیوم اول است   در تمام ولایت عنوان ملکیت دارد و بهمه
جهة یک نفر وزیر دارد و از بابت مالیات و وضع دولت خبری معلوم نیست
وسعت مملکت هفتاد فرسنگ مربع است با یکصد هزار نفر جمعیت و
پایتختش سترلیتز است با ده هزار نفر جمعیت   از اینهه مکلنبورک سه فوج
پیاده و دو فوج سوار و چهار باطری توپ در هنگام ضرورت آلمانی کمک میدهند

در شرح هس Hesse

هس یکی از دول قدیم ژرمان است و تا سال ۶۳۸ مرکب بود از چندین
ملوک که در هر یک از جانب امپراطور حاکمی بود و در آن سال تمام آن اجزاء
بدست یکنفر افتاد و بعد بدو جزء منقسم گردید یکی هس علیا و دیگری هس سفلی و ولات
آنجا هم بعد از آن دو فرقه شدند یکفرقه آنها که در هس علیا ولایت داشتند
موسوم گشتند به هس دارمستاد Darmstadt و جماعت دیگر که
در هس سفلی حکومت داشتند معروف گشتند به هس کاسل Cassel
در ۱۰۰۲ فرقه سیم از آنها منشعب گشت و به هس هامبورک ملقب شد
والی هس کاسل در ۱۲۱۸ الکتر شد و از هس دارمستاد در ۱۲۲۱ گراندوک شد
در جنگ پروس با اطریش که در ۱۲۸۳ واقع شد دولت پروس اسباب
اضمحلال هس کاسل گردید و سلسله هامبورک هم در آن سال منقرض گردیده
بتصرف پروس درآمد و همان هس دارمستاد باقی ماند گراندوک حالیه اش
لوئی چهاردهم است و عموی او لوئی سیم بود که آلیس alice دختر
ملکه انگلیس زوجه او بود   امور این دولت در عهده سه نفر وزیر است با پارلمانی

و صاحب دو مجلس است مالیات سالیانه هفت کرور تومان است
و دویست هزار تومانش بجهة مصارف خانه دوک معین است وسعت
این ملک ۱۸۷ فرسنگ مربع است با دو کرور جمعیت پایتخت دارمستاد
با چهل و سه هزار نفر در شرح الدنبورک Aldenburg
خانواده این دولت بسیار قدیم است و یکی از اجداد ایشان ویطی کیند
Wittikind بوده و بر طایفه ساکس ریاست داشته و اغلب
با شارلمان جنگ میکرد در ۲۵۴۸ کریستیان هفتم دوک الدنبورک بود
بر ممالک سوئد و نروژ و دانمارک سلطنت پیدا کرد و در ۱۰۷۸ وفات
یافت چون بلاعقب بود سلسله این ولایت بدست دانمارک افتاد
و در ۱۱۸۲ پادشاه دانمارک الدنبورک را به پال گراندوک روس واگذار نمود
و او آنجا را بعموزاده خود فردریک آگست از خانواده هولستن گوترپ
Holstein Gottorp داد و در این خانواده باقی بود تا ۱۲۲۵
و بتصرف ناپلئون افتاد ولی پنجسال بعد مطابق عهدنامه مجدداً بهمین سلسله
منتقل گردید و بعلاوه شهر لوبک Lubeck و بعضی املاک دیگر

و تقریباً ۲۵ فرسنگ مربع وسعت داشت با پنجاه هزار جمعیت جزو
الدنبورک شد و والی آنجا هم به گراندوک ملقب گردید و گراندوک حالیه
پطرامی است تنظیمات ولایت در دست سه نفر وزیر است با
پارلمانی و صاحب یک مجلس است مالیات در هر سال دو کرور و نیم است
و چهل و پنج هزار تومانش بجهة مخارج گراندوک مقرر است وسعت اینجا
۱۵۰ فرسنگ مربع است با ۳۵۰ هزار نفر جمعیت و پایتخت الدنبورک
با ۲۰ هزار نفر جمعیت و در وقت جنگ یک فوج پیاده و یک فوج سوار به قشون
آلمانی کمک میدهد در شرح برنسویک Brunswick
ابتدا جزو ساکس بود تا در ۵۶۶ دوک برنسویک مستقل گردید و پس از آن
خانواده اش دو فرقه شدند یکی دوک برنسویک و دیگر فرقه هانوور و تا
۱۲۸۳ سلطنت میکردند و در آن سال دولت پروس هانوور را متصرف نمود سلسله
برونسویکی پس از فوت دوک گیلیوم هنری در ۱۳۰۱ و چونکه بلاعقب بود
منقرض گردید و پسر آخرین سلطان هانوور که به دوک دکمبرلاند موسوم بود دوک
برنسویک شد و چون او معاند است پروس را از بابت اتحاد امپیر آلمانی قبول نکرد

دولت پروس او را خارج کرد و اهل برنسویک پرنس آلبرت را al-
bert که یکی از شاهزادگان پروس بود بنیابت حکومت خود انتخاب نمودند
و فعلاً امور دولت در دست اوست با پارلمان و صاحب یک مجلس است
و سه نفر وزیر مالیات در سال چهار کرور وسعت ملک ۹۵ فرسنگ
مربع با چهارصد هزار نفر جمعیت پایتخت برنسویک با هشتاد و پنج هزار نفر جمعیت
در شرح انحالت Anhalt
خانواده سلسله حالیه از سال ۶۰۷ بنای سلطنت را در اینملک گذاشتند
و در ۱۲۳۳ سه فرقه مختلف در اینجا سلطنت میکردند یکی از آنها لقبش اینکه
بلاعقب بود در ۱۲۶۰ منقرض گردید و فرقه دیگر در ۱۲۸۰ و والی حالیه
از فرقه سیم است و در ۱۲۲۱ ملقب به دوک شد و یکنفر وزیر موسوم است
مالیات اینملک در هر سال سه کرور و نیم تومان است با وسعت ۵۴
فرسنگ مربع و ۲۵۰ هزار نفر جمعیت در شرح والدک waldek
پرنس حالیه این ولایت ژرژ ویکتر است George Victor
و دخترش زوجه پادشاه هولند است امور این دولت در دست پادشاه پروس است

مالیات در سال ۱۷۰ هزار تومان است وسعت مملکت ۲۹ فرسنگ مربع
با ۵۲ هزار نفر جمعیت در شرح لیپه Lippe
پرنس حالیه ولدمار Woldmar است وسعت بیست و شش
فرسنگ مربع و ۱۲۵ هزار نفر جمعیت و مالیات در سال ۱۷۰ هزار تومان
در شرح آلزاس لورن Alsace Lorraine
این ولایت بعد از جنگ پروس و فرانسه در ۱۲۸۸ جزو آلمان شد و تنظیمات
ولایت در عهده حاکمیت و امپراطور آلمانی منتخب میکند بعلاوه سه نفر
وزیر دارد با مجلس ملتی و صاحب پنجاه و شش نفر اجزا است مالیات سالیانه
۱۳ کرور و نیم است وسعت اینملک ۳۵۰ فرسنگ مربع با سه کرور جمعیت
علاوه بر ولایتیکه مذکور شد پنج ولایت کوچک دیگر نیز هست و سلاطینشان
به پرنس ملقب است و جزو امپیر آلمانی میباشند وسعت مجموعشان روی هم ۸۶
فرسنگ مربع است و جمعیتشان ۲۳۰ هزار نفر سه شهر هامبورک
Hamburg و برم Bremen و لوبک
Lubeck با وسعت ۲۲ فرسنگ مربع و جمعیت ۷۲۸ هزار نفر

و تا مدتی از شهرهای آزاد و مستقل بودند آنها نیز جزو امپراطوری آلمانی شد عایدات
آنها ۲۰ کرور تومان است محصول زراعتی آلمانی فراوان است و بخارج هم
حمل میشود و حیوانات از قبیل گاو و اسب بسیار است و جنگل و معادن و
غنیا از قبیل ذغال سنگ و آهن و روی و سرب و مس و نمک نیز فراوان دارد
و کلیه محصول معدنی در سال گذشته ۱۵۶ کرور تومان بود
در سال ۱۳۰۱ دولت آلمانی درصدد برآمده احداث توابع نماید در اجزای
خارجه از قبیل افریقا و استرالی و آسیائی و در افریقا تقریباً اکنون ۳۰ هزار
فرسنگ مربع احداث نموده و در سایر مواضع شش هزار فرسنگ مربع و
مخارج سالیانه آن توابع پنجاه هزار تومان است دولت آلمانی بجهة تجارت
۳۳۵۸ فروند کشتی بادی دارد و ۷۰۰ فروند بخاری   در شرح سوید و نروژ
این دو مملکت فعلاً در تحت یک سلطنت است ولی تا سال ۱۲۲۹ مجزی
بودند و تاریخ اجمالی هر کدام را علیحده ذکر میکنیم   در مملکت سوید تا مقارن هجرت
طوایف مختلف سکنی داشتند بریاست رؤسای مختلف و هنگام هجرت
تمام آنها در تحت ریاست یک نفر درآمدند و سلاطینشان از خانواده ای

مختلف

مختلف بودند   در اواخر مائه چهارم بمذهب عیسوی درآمدند در ۶۴۸
سلطنت بخانواده فلکنگر Folkonger منتقل شد و در آن
سلسله باقی بود تا ۷۷۶ که سلطنت به آلبرت نامی از خانواده مکلانبورک
رسید و او تا ۷۹۱ سلطنت کرد و پس از او دولت سوید بدست دانمارک
افتاد و در تصرف آنها باقی بود تا ۹۳۰ که گستاف وازا Gustav
Wasa اهل دانمارک را از سوید خارج کرد و خود سلطان شد و اعقاب او
تا سال ۱۰۶۴ سلطنت راندند گوستاف آدلف Gustav-adulph
از سلاطین معتبر این سلسله بود که جنگهای متعدد با دانمارک و روس و لهستان نمود
و بر همه فائق آمد و در جنگ سی ساله با اتریش هم کارزار نمود و آخر الامر در
۱۰۴۲ در جنگ لوتزن Lutzen مقتول گشت
بعد از سلسله وازا سلطنت به پسر خواهر گستف آدلف منتقل شد و اعقاب او
تا ۱۱۳۲ سلطنت کردند و پادشاه بزرگ این طایفه شارل دوازدهم بوده از
۱۱۰۸ تا ۱۱۳۱ سلطنت داشت و جنگهای متعدد نمود خصوصاً با روس و در محاصره
قلعه فره دریش هالد Friedrichshald در نروژ از ضرب

گلوله توپ از پا درآمد و پس از او خواهرش مدت کمی سلطنت کرد
و بعد از آن فردریک از خانواده هس بپادشاهی منتخب شد و در سال ۱۱۶۴ وفات
یافت و پس از او آدلف فردریک از خانواده هولستن گوطرپ بسلطنت
رسید و چون ولیعهد پادشاه چهارم از این سلسله فوت شد لهذا اهالی سوید
مارشال برنادت Bernadotte را که پرنس پنتی کرونو Ponti
Corvo بود و یکی از سردارهای ناپلئون بولیعهدی منتخب نمودند
و او در ۱۲۳۵ سلطان شد و موسوم گشت بشارل چهاردهم و پشت چهارم او پادشاه
سوید حالیه است

نروژ

در این مملکت هم مانند سوید طوایف متعدد با رؤسای مختلف توقف داشتند
و چون محصول ولایت بقدر کفاف اهالی نبود لهذا باطراف میرفتند
و غارت میکردند و جهازات آنها اغلب تا حدود انگلیس و فرانسه میرفت
تقریباً ۲۰ سال قبل از هجرت الدف Alaf نامی از سوید به نروژ فرار
کرده و در آنجا آغاز سلطنت کرد و اعقاب او تا سال ۸۰۰ سلطنت کردند
در ۳۸۰ اهالی نروژ بمذهب عیسوی درآمدند و بعد از جنگهای متعدد با دانمارک در

۷۸۹ این مملکت بتصرف دانمارک افتاد و با اینکه بجهة استقلال خود شورش
و طغیان نموده معهذا تا ۱۲۲۹ در دست دانمارک باقی ماند و در آن سال
جزو مملکت سوید شد   سلطان حالیه این دو دولت اسکار
Oscar دویم است ولی محاکمات و تنظیمات آنها از یکدیگر جدا است
و هر کدام پارلمانی دارد مرکب از دو مجلس و در سوید ده نفر وزیر دارد و در نروژ
هشت نفر و کلیتاً تمام امورات این دو ملک از یکدیگر موضوع است همینقدر
سلطانشان یکی است   در اوضاع حالیه آنها
اما سوید مساحتش ۱۷۰۰۰ فرسنگ مربع است با سه کرور و نیم جمعیت که باستثنای
چهار هزار نفر باقی پروتستان هستند و در اوقات امنیت چهل هزار نفر
قشون حاضر رکاب دارد و در هنگام جنگ ۱۶۵ هزار نفر استعداد
بحریه پانصد فروند ذره پوش است و ۳۵ فروند بخاری با چهار هزار نفر افراد
و ۳۵ هزار نفر ردیف .   عایدات در سال ۳۲ کرور تومان است و ۲۰۰
هزار تومانش بمصارف سلطان میرسد دو یونیورسیطه دارد و پانصد هزار باب مدرسه
و مکتب با ۷۰۰ هزار نفر شاگرد و تربیت عامه اجباریست محصول عمده در سوید

غله است و کره و چوب و درآمدش معادل ۱۴ کرور تومان بفروش میرسد
و آنچه از معادن استخراج میشود هفت کرور خروار آهن است و یکصد و هشتاد کرور
خروار روی و سه کرور خروار ذغال سنگ و علاوه بر اینها مس و نقره هم دارد
استعداد بحریه بجهة تجارت سه هزار و یکصد فروند شرائی و نهصد فروند بخاری
طول خط راه آهن ششصد فرسنگ خط تلگراف سه هزار و پانصد فرسنگ
پایتخت ستوکهولم با ۱۷۰ هزار نفر جمعیت اما نروژ وسعتش
هشتصد فرسنگ مربع است با سه کرور و نیم جمعیت و باستثنای هفتهزار نفر بیش
مابقی روستائی هستند قشون در هنگام صلح هیجده هزار نفر و در جنگ
چهل هزار نفر ملوان حاضر نمود استعداد بحریه چهار فروند زره پوش است
و چهل فروند بخاری با ۲۰۰۰ نفر اجزاء و ۲۷ هزار نفر ردیف عایدات
در سال ۱۷ کرور تومان است و ۸۰۰ هزار تومانش بمصارف سلطان میرسد یکباب
یونیورسیطه دارد بانضمام شش هزار و پانصد مدرسه و مکتب با ۳۰۰ هزار نفر شاگرد
در اینجا هم تربیت عامه مجبوری است تجارت عمده ماهی است و کره
و چوب و روغن ماهی بجهة سوزانیدن استعداد بحریه برای تجارت هفتهزار و

دویست فروند شرائی و پانصد و ده فروند بخاری طول خط راه آهن ۲۰۰
فرسنگ است خط تلگراف ده هزار و پانصد فرسنگ پایتخت کریستیانیا
Christiania با یکصد و سی و پنج هزار جمعیت
در سوید و نروژ پول رایج کرونا Krona است و بنرخ حالیه یکهزار و
نهصد دینار است و سایر آحادشان مثل فرانسه است

در شرح دانمارک

تا قبل از زمان شارلمانی تفصیل تاریخی صحیحی از این ملک در دست نیست ولی در زمان
شارلمانی جنگهائیکه مابین او و اهل این مملکت واقع شد باعث اشتهار دانمارک
و سلاطین آنجا گردید در مائه پنجم هجری کانوت Hanut نام
یکی از سلاطین اینجا انگلستان را بتصرف درآورد و در زمان او اهالی اینجا هم بمذهب
عیسوی مشرف گردیدند اعقاب کانوت متجاوز از چهارصد سال سلطنت کردند
در ۷۸۹ مملکت نروژ و در ۷۹۱ مملکت سوید جزو دانمارک شد و مدتی این
سه دولت در تحت یک سلطان بود تا آنکه سلسله کانوت منقرض گردید
و در ۸۵۲ کریستیان اول که کنت الدنبورگ بود بپادشاهی دانمارک منتخب شد

و متجاوز از چهارصد سال دیگر سلطنت در این خانواده باقی بود و شانزده
نفر از این سلسله سلطنت کردند بعد از جنگهای زیاد در ۹۳۰ مملکت سوید از
دانمارک منتزع شد در ۱۲۲۰ دولت دانمارک با نپلیون ملحق شده و
باین سبب استعداد بحریه تا مقابل پایتخت انگلیس آمده و شهر کوپنهاگ را گلوله
ریزی نمودند و تمام استعداد بحریه دانمارک را متصرف نمودند در ۱۲۲۹ مملکت نروژ
از دانمارک منتزع گشته و از ۱۲۶۵ تا ۱۲۶۷ با اتریش و پروس
جنگ داشت و در ۱۲۸۱ نیز جنگی با پروس داشت که شرحش در تاریخ المانی
مذکور است در ۱۲۸۰ سلسله الدنبورگ بلاعقب مانده و کریستیان
نهم از خانواده شلزویک هولستین سوندربرگ گلوکسبورگ
Schelswig - Holstein Sonderburg -
Glucksburg بپادشاهی منتخب شد و سلطان
حالیه است وضع حالیه از این قرار است وسعت مملکت
۸۸۵ فرسنگ مربع است با چهار کرور جمعیت و غیر از ۱۸ هزار نفرش
مابقی روستائی هستند عایدات سالیانه ۲۰ کرور تومان است ۱۹۰۵ هزار تومانش

بجهة مخارج سلطان معین است و ۲۳ هزار تومان برای مصارف ولیعهد امور
دولت در دست سلطان است و هفت نفر وزیر و پارلمانی صاحب دو مجلس است
و در مجلس عامه هر یک نفر وکیل برای ۱۶ هزار نفر از رعایا منتخب است
قشون در وقت صلح ۵۰ هزار نفر با ۱۴ هزار ردیف استعداد بحریه
نه فروند زره پوش است و بیست و سه فروند بخاری و تربیت عامه مجبوری است
در این ملک یکباب یونیورسیطه دارد و سه هزار باب مکتب با ۲۰۰ هزار
نفر شاگرد تجارت عمده غله است و اسب و گاو و کره و ماهی
حاصل معدنی ندارد جهازات تجارتی سه هزار و پانصد فروند شرائی است
و سیصد فروند بخاری طول راه آهن ۳۲۰ فرسنگ است خط تلگراف ۱۷۰۰
فرسنگ پایتخت کپنهاگ است با ۲۴۰ هزار نفر جمعیت
توابع خارجه این دولت جزیره ایسلاند است وسعتش ده هزار و پانصد فرسنگ
مربع و ۷۳ هزار نفر جمعیت دیگر گرونلاند است وسعتش سه هزار فرسنگ مربع با ده
هزار نفر جمعیت و در هند غربی امریکائی سه جزیره کوچک است با وسعت هفت
فرسنگ و نیم و ۳۳ هزار نفر جمعیت پول این دولت کرونه است

Krone نرخ حالیه یکهزار و نهصد دینار وزن پوند است
۸٫۰ مثقال و واحد طلای وزنت معادل پنج کره

در شرح هولاند

تقریباً هفتصد سال قبل از هجرت قیصر روم مملکت هولاند را که به پیبا
یعنی ملک پست نیز مشهور است تصرف آورد در جنوب آن اهل بلج
Belger ساکن بودند و در شمالش اهالی باتاو Batave
و تا ۲۳۰ سال قبل از هجرت در دست رومیان باقی بود و بعد بدست
طایفه فرانک افتاد و در زمان شارلمانی اهالی آن مملکت بمذهب عیسوی درآمدند
پس از آنکه مدتی جزو امپیر آلمانی بود بدو جزء منقسم گردید در مائه پنجم
هجری باقسام متعدده قسمت شد در مائه هشتم هجری دوک بورگند
بعضی قطعات آن مملکت مسخر نمود تا در ۸۴۱ هفده ولایت از این مملکت
را بتصرف درآورده بود و در آنها حکومت مخصوص ترتیب داده حاکمش از
جانب امپراطور مأمور میشد پس از چندی پنج ولایت دیگر با آنها ملحق نمود
و بنای دولت هم گذاشت و اختلافات مذهبیه شروع شد و کشیری از اهالی

هولاند پروتستانی شدند فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا که بعد از شارل پنجم امپراطور
شد نسبت به پروتستانها نهایت سختگیری را مینمود و قشون بسیاری از اهل
اسپانیا به سرداری دوک آلب بطرف هولاند فرستاد و اهل هولاند هم طغیان
کرده از آنها تمکین نکردند و گیلیوم از خانواده اورانژ را بریاست خود منتخب
نمودند و پس از آنکه مدت شصت سال بدون انقطاع جنگ میکردند آخر الامر
اهل اسپانیا را از قطعه شمالی خارج کرده و مستقل گردیدند ولی قطعه جنوبیه که
بلجیک حالیه باشد بدست اهل اسپانیا باقی ماند و در ۹۹۲ گیلیوم مقتول گشت
و در سلطنت پسر او موریس Maurice نام دولت
انگلیس لشکری بامداد او بجهة مخالفت با دولت اسپانیا فرستاد و در آن زمان هم استعداد
بحریه هولاند خیلی قوی بود از توابع شرقیه هم متصرف درآمدند و تا مدت
هشتاد سال علی الاتصال با اهل اسپانیا می جنگیدند تا در ۱۰۵۸ ممالک جنوبیه را هم
از تصرف آنها خارج نموده با ممالک شمالی ملحق و متصل گردید و در آن زمان دولت
هولاند متمول ترین دول اروپ بود و استعداد بحریه اش به ۳۵ هزار فروند
میرسید و اکثر تجارت اروپ در دست آنها بود و در هندوستان و جنوب

افریقا وغیره بعضی توابع احداث نموده و بانک آمستردام هم بنا شد در آن زمان
دولت هولاند بمنزله جمهوری بود و سلطانش حکم رئیس جمهور را داشت چندی بعد
انقلابی بروز کرده خانواده اورانژ را از ریاست جمهور خارج نمودند و این کار اسباب
ضعف دولت هولاند گردید چنانچه در سال ۱۰۸۳ دولت فرانسه و انگلیس
هولاند را شکست داده و اهل هولاند پس از این هزیمت متنبه شده و بخبط خود
اعتراف نمودند و مجدداً گیلیوم سیم از خانواده اورانژ را بریاست خود منتخب نمودند
و او در ۱۱۰۰ به مملکت انگلستان هم سلطنت پیدا کرد و تا زمان فوت او که ۱۲ سال
بطول انجامید دولت هولاند با انگلیس ملحق بود پس از او ریاست هولاند
بدست برخی از امرا افتاد که اهل آن ولایت انتخاب کرده بعد ولی متدرجاً
اغتشاشات داخله زیاد شده تا در ۱۱۶۰ گیلیوم چهارم از خانواده اورانژ ناسو بحکومت
این ولایت معین گردید در زمان ریاست پسرش جنگ با انگلیسها شروع شد
و اکثر توابع هند شرقی بدست انگلیس افتاد در آن ضمن هنگامه بزرگی در فرانسه
واقع شد و قشون جمهوری فرانسه داخل خاک هولاند شده گیلیوم پنجم بانگلستان
فرار نمود تا در ۱۲۰۹ وکلای مملکت هولاند مجلس کرده بر آن قرار گرفتند که

جمهوری منعقد نمایند و جهة حفظ این جمهوری تازه لشکر زیادی از فرانسه در
مملکت هولاند متوقف بود در این بین مابین فرانسه و انگلیس و بعضی دول
دیگر جنگی واقع شد که هولاند هم مجبور بود که از دولت فرانسه حمایت کند
باین واسطه بعد از انقضای جنگ انگلیسها جزیره سیلان و توابع جنوب افریقا را
از هولاند گرفتند و اکثر جهازات آنها را هم خراب کردند در ۱۲۲۱
ناپلیون اول مملکت هولاند را به لوئی برادر خود واگذار نمود و لوئی پادشاه هولاند
ملقب شد بعد از شکست ناپلیون در جنگ لیپزیک که در ۱۲۲۹ واقع شد
اهل هولاند گیلیوم پنجم را که پسر حاکم آخری بود بپادشاهی خود منتخب نمودند و او ملقب
شد بگیلیوم اول پادشاه هولاند و در آن زمان وسعت خاک هولاند ۱۲۰۰ فرسنگ
مربع بود که در هفده ولایت منقسم بود با یازده کرور جمعیت در ۱۲۴۶ بواسطه
یاغیگری قطعات جنوبیه مملکت از هولاند موضوع شد و دولت بلجیک برپا شد
در ۱۲۵۶ بواسطه عدم رضایت مردم گیلیوم اول از سلطنت استعفا کرد
و بعد از او پسرش گیلیوم دوم تا ۱۲۶۵ سلطنت راند و پادشاه حالیه گیلیوم سیم است
که در ۱۲۳۲ متولد شده و نوه پاول امپراطور روس است

در وضع حالیه هولاند نهایت دخل ۸۰ کرور فرانک است و جهة
مخارج سلطان ۱۷۰ هزار فرانک مقرر است امور دولت در عهده هشت نفر
وزیر است با پارلمانی دو قسمتی بر دو مجلس است در این مملکت چهار باب یونیورسیته
است و ۵۲ هزار باب مکتب با ۷۲۰ هزار نفر شاگرد قشون حاضر
رکاب در خود هولاند ۵۵ هزار نفر است و در توابع خارج ۳۲ هزار نفر
استعداد بحریه هجده فروند زره پوش است و ۱۲۰ فروند تجاری با ده هزار نفر
اجزاء وسعت مملکت ۸۰۰ فرسنگ مربع با جمعیت نه کرور و سه کرور آن
کاتولیک میباشند و باقی پروتستانی تجارت عمده اسب است و گاو و کره
و پنیر و ماهوت جهازات تجارتی هزار فروند شراعی و یکصد فروند بخاری
طول خط راه آهن ۴۳۰ فرسنگ است طول خط تلگراف ۲۸۰۰ فرسنگ
پایتخت لاهه است با ۱۲۵ هزار نفر جمعیت و شهر بزرگ دیگر یکی آمستردام
با ۴۰۰ هزار نفر جمعیت و دیگر روطردام با ۲۰۰ هزار نفر تبعه هولاند
در خارج جزایر هند شرقی بوسعت ۴۵ هزار فرسنگ مربع و ۳۰ کرور جمعیت
جزایر هند غربی بوسعت ۲۵ فرسنگ مربع و ۴۵ هزار نفر جمعیت دارند آمریک

پول هولاند فلورین است نرخ حالیه ۵ هزار و هفده شاهی و در سایر آحاد مثل فرانسه است

جنوبی مساحتش ۲۵۰۰ فرسنگ مربع و ۶۰۰ هزار نفر جمعیت

در شرح بلجیک

تا سنه ۱۲۴۶ خاک بلجیک بهولاند ملحق بود و در آن سال بواسطه شورش اهالی
اهل بلجیک موضوع و مجزی شد و در سال بعد لئوپولد را که ساکس کوبرگ
بود بپادشاهی منتخب نمودند ولی پادشاه هولاند باین امر راضی نبود و باین سبب
جنگها کرد تا آنکه در سال بعد تمام دول اروپ بسلطنت لئوپولد امضا نمودند
پادشاه حالیه لئوپولد دویم است و یکی از صبایایش زوجه ولیعهد انگریز است
اوضاع قانونی این ملک از این قرار است نهایت سالیانه ۸۴ کرور
۴۰۰ هزار فرانک جهة مصارف پادشاه مقرر است امور دولت
در عهده هفت نفر وزیر است و پارلمانی صاحب دو مجلس است چهار باب
یونیورسیته ملت و ۲۳۰۰ باب مکتب با ۸۰۰ هزار نفر شاگرد قشون
مستعد ۵۴ هزار نفر بانضمام ۴۲ هزار ردیف و کشتی جنگی ندارد وسعت
مملکت ۷۰۰ فرسنگ مربع است با ۱۲ کرور جمعیت و تمام آنها باستثنای ۱۵
هزار نفر کاتولیک میباشند در مملکت کارخانجات زیاد دایر است مخصوصاً

بجهة پشم که در هر سال قریب ۱۰۸ کرور فرانک از آن عاید میشود و دیگر کارخانجات
قندریزی و ریختن آلات آهنی و فولاد و تجارت عمده آنجا تخم مرغ است که
سالی پنج کرور فرانک بفروش میرسد و ذغال سنگ که از ۲۸۳ معدن استخراج
میشود جهازات تجارتی ۴۰۰ فروند شراعی است و ۶۰ فروند بخاری
طول خط راه آهن ۷۳۰ فرسنگ است و خطوط تلگراف چهار هزار و پانصد
فرسنگ پول و وزن و سایر آحادش مثل فرانسه است پایتخت
بروکزل است با ۴۵۰ هزار نفر جمعیت و از بنادر معتبر آنورس است
با ۲۰۰ هزار نفر جمعیت

در شرح سوئیس

تقریباً در چهارصد سال قبل از هجرت مملکت سویس بتصرف سلاطین فرنگ
افتاد و در ۲۲۸ بعد از هجرت بدو جزء منقسم شد قسم شرقی بامپراطور المانی
منتقل گردید و جزو غربی بپادشاه فرانسه تعلق گرفت پس از آن قطعه
غربی بتصرف بورگونی افتاد تا در سال ۴۲۳ بانضمام بورگونی جزو امپراطور آلمانی
شد و از طرف امپراطور آلمانی حاکمی برای آنجا معین گردید در سال ۶۰۰ هجری
شهر برن ساخته شد بعد از آن ولایت سویس بچندین قطعه کوچک منقسم شده چون بعضی

امرا نسبت برعایا تعدی و بی‌اعتدالی مینمودند مخصوصاً امرای طایفه هبسبورگ
Habsburg که در اطریش سلطنت داشتند لهذا در ۶۹۰
بعضی از آن قطعات جهة حفظ حالت خود اتفاقی منعقد نمودند که همان بنای دولت
جمهوری سویس بوده اگرچه معروفست که باعث این اتفاق گیوم طل Guillaume
tel – بوده و شعرا در اینباب اشعار بسیار گفته‌اند ولی این
تفصیلات هیچ مأخذ تاریخی صحیحی ندارد و فقط قصه است و روایت صحیح
همین است که اهالی بعضی از دهات بر حاکم یاغی شده و طایفه هبسبورگ را از
ولایت بیرون کردند پس از این واقعه اطریشیها مکرر بسویس آمده ولی
همیشه شکست خوردند در ۸۴۸ هم دولت فرانسه قشونی مرکب از ۴۰
هزار نفر بسرداری ولیعهد فرانسه به سویس فرستاد و در جنگی که واقع شد هزار و
پانصد نفر از اهالی سویس مقابل شش هزار نفر از فرانسویها را تلف نمودند و باین
لحاظ ولیعهد فرانسه صلح بست در سال ۸۷۸ جمعی از اهالی سویس حاکم
قطعاتی را که متعلق بدوک بورگونی بود بقتل رسانیدند و او برای تنبیه آنها با سپاهی
فراوان بسویس آمد و در سه جنگ بزرگ مغلوب شد و آخرالامر در ۸۸۱ در جنگ

بس گشته‌اند و چون در این جنگهای متوالی غیرت
و شجاعت فوق‌العاده از اهالی سویس بظهور رسید سایر دول هم محض تحریک دهقانان
از اهالی سویس جزو قشون خود قرار دادند
در ۹۰۵ هجری صلحنامه‌ای منعقد شد اهالی سویس از طرف امپراطور آلمانی مستقل
دانستند و در ۹۲۱ فرانسوا اول پادشاه فرانسه اهالی سویس را شکست داده
و بعد صلحی بسته شد و پس از آن اتحاد سویس که مرکب از ۱۳ بلوک بود و بانی
در آن زمان اغتشاش واقع شد مابین کاتولیک و پروتستان که بریاست
زووینگلی Zwingli و کالون Calvin بعد
با وجود جنگهائیکه سایر دول با آنها نموده بودند معهذا این سیزده بلوک
اتحاد خود را از دست ندادند تا در سال ۱۲۱۲ تمام بلوک سویس جمهوری هلوتیک
را منعقد نمودند و بعد از اضمحلال ناپلیون اول بعضی بلوک دیگر هم جزو سویس شد
و در سال ۱۲۶۴ قانون قطعی و ثابتی مقرر گردید
جمهوری سویس فعلا مرکب است از ۲۲ بلوک و رئیسی دارد که همه ساله
تجدید شود و مواجبش در سال ده هزار فرانک است امور دولت در دست پارلمانت

که دارای دو مجلس است و ادارات دولتی در دست رؤسای مختلف است
چهار باب یونیورسیته دارد مالیات سالیانه ۱۴ کرور است و مطابق
قانون قشون رکابی ندارد ولی در وقت جنگ هر ذکوری که تواند باید حرب و نظام شود
و در وقت امن هم هر یک از افراد عموم باید مدت چند هفته در سال مشغول
مشق باشند و قشونش مرکب است از سه قسم قسم اول جوانان ۲۰ ساله تا ۳۲ ساله
که عددشان ۱۲۰ هزار نفر است قسم دوم از ۳۲ سال است تا ۴۴ ساله
و عده اینها ۸۲ هزار نفر است و قسم سیم آنها هستند که سنشان کمتر است از ۲۰
و بیشتر از ۴۴ و عدد اینها ۳۱۰ هزار نفر مالیات سالیانه ۱۴ کرور
تومان است وسعت مملکت ۲۹۹۰ فرسنگ مربع با سه کرور جمعیت که دو خمس آن
پروتستان هستند پایتخت شهر برن است با ۴۸ هزار نفر جمعیت
و شهرهای معتبرش ژنو است با هفتاد و دو هزار نفر و زوریک با ۸۵ هزار
و بال با ۷۰ هزار نفر صنعت عمده پنیر است و تیر و توتون و کارخانجات
بسیار دارد مخصوصا برای بافتن پنبه و ابریشم و ساعت‌سازی طول خط راه
آهن ۵۰۰ فرسنگ است و تلگراف ۲۷۰۰ فرسنگ پول و وزن و پایه

آخر شهر فرانسه است در شمال و مغرب این مملکت بزبان آلمانی تکلم میکنند
در مغرب بزبان فرانسه و در جنوب ایتالی

در شرح پورتقال

تقریبا ۸۰ سال قبل از هجرت مملکتی که فعلا به پورتقال موسوم است بدست
رومیان افتاد و تا ۴۰ سال قبل از هجرت در تصرف آنها باقی ماند بعد از آنها
طایفه گوت آنجا را متصرف داشتند و ۹۲ سال بعد از هجرت اعراب آنجا را گرفتند
و ۴۰۰ سال بعد آن این مملکت را فردیناند Ferdinand
پادشاه کاستیل ضبط نمود و بندریکه امروز به اپورتو معروف است در آنزمان پرتو
قلعه میگفتند و چون فردیناند آنجا را متصرف نمود بمناسبت اسم آن قلعه آن ملک را
به پورتوگال موسوم ساخت در اواخر مائه پنجم دولت پورتقال از سلطنت
کاستیل موضوع شده مستقل گردید و آلفونز Alfonso که از
سلسله بورگونی که در آنجا حکومت داشت در سال ۵۳۳ در جنگ اوریک
Ourique پنج تن از امرای عرب را مغلوب ساخته
به تصدیق و امضای پاپ بپادشاهی پورتقال منصوب شد در ۵۴۲
جای سلطان شهر لیزبون را از اعراب گرفته پایتخت خود قرار داد و تا اواخر

مائه هفتم باقی مملکت پورتقال هم از تصرف اعراب خارج شد
تا سال ۷۸۷ ده نفر از سلسله بورگونی در این ملک سلطنت راندند و بعد از آنها
دولت سلسله آویز منعقد شد و از این طایفه هشت نفر براورنگ
نشستند و در اوائل مائه نهم جهازات پورتقالی بجهت بعضی اکتشافات باطراف
سیر کرده و با اعراب طرف غربی افریقا جنگهای متعدد نمودند و در اواخر مائه
نهم کشتی آنها از جنوب افریقا عبور کرد و در آمریک ولایت برزیل را
متصرف نمودند و در هندوستان شرقی بعضی توابع احداث نمودند تا اوائل مائه دهم
تمام تجارت هند شرقی بدست اهل پورتقال افتاد و در آن وقت استعداد
بحریشان از تمام دول معتبرتر بود در خلیج فارس کمال اقتدار را پیدا کردند
و در شهر هرمز و مسقط حکومت داشتند و کلیة تمام هند شرقی و جزیره سراندیب
و تمام جزایر تا حدود چین در تصرف آنها بود بعد از آن بواسطه کشمکشهای زیاد
در امورات دولت متدرجا باعث ضعف حال دولت گردید تا در ۹۸۸
مملکت پورتقال بدست اسپانی افتاد مدت شصت سال منقرض شد و ژان چهارم
از سلسله براگانزا اهل اسپانی را از پورتقال خارج کردند ولی جنگهای متعدده

و با اسپانی و هولند واقع شد و جنگهائی که بلطمی انجامید سبب شد که بعض توابع را
از تصرف پورتقال بیرون کرد و در ۱۱۶۹ زلزلهٔ شدیدی شهر لیزبون را خراب
کرده و ۳۰ هزار نفر از اهالی را هلاک نمود و از ده نفر از سلسلهٔ براگانزا
تا سال ۱۲۷۰ سلطنت کردند و دو نفر آنها زن بودند

در زمان ناپلیون پورتقال با دولت انگلیس طرح اتحاد انداخته باین واسطه
ناپلیون قشون بسمت پورتقال روانه داشت پادشاه آنها ژان ششم بود
به برزیل فرار کرده ولی دولت انگلیس برای دفع لشکر ناپلیون سپاهی بسرداری
ولینگتون بسمت پورتقال فرستاد پس از جنگهای متعدده از ۱۲۲۲ تا ۱۲۲۶
بطول انجامید فرانسویها را از پورتقال بیرون کردند اما ژان ششم در برزیل
توقف کرده حاکمی از جانب او به پورتقال آمد این فقره اسباب شکایت
اهالی پورتقال گردید تا در ۱۲۳۵ شورش کرده و پادشاه را مجبور نمودند که
به پورتقال مراجعت نماید بعد از آن برزیل از پورتقال منفصل شد اما کمی بعد
پدرو اول Pedro I پسر ژان ششم را بامپراطوری برزیل منتخب ساختند
ژان ششم در ۱۲۴۱ وفات یافت و چون او هم در آنوقت در برزیل

امپراطور بود

امپراطور بود لهذا دختر او ماریا Maria دوم هفت ساله
عموی این دختر میگوئل جد و جهدی نمود که سلطنت باو منتقل شود در این
بین پدرو امپراطور برزیل استعفا کرده به پورتقال آمد برای اینکه خود سلطان
بشود با میگوئل جنگیده او را مغلوب نمود و در ۱۲۵۰ اخراج مملکتش نمود و پدر او
هم در همان سال وفات کرد و ماریا مستقلا تا ۱۲۷۲ سلطنت راند و چون
شوهرش از خانوادهٔ ساکس کوبرگ بود پسرش که بعد از فوت ماریا بسلطنت
رسید سر سلسلهٔ براگانزا کوبرگ بود که در ۱۲۷۸ فوت شد و برادرش
لوئی اول پادشاه حالیه است که زوجه او دختر ویکتور امانوئل پادشاه ایتالیا است
در اوضاع جاریه امور این دولت در عهدهٔ هشت نفر وزراست و پارلمانی
که صاحب دو مجلس است عایدات در سال ۵۲ کرور است و ۲۸۰ هزار تومانش
بمصارف سلطانی میرسد قشون ثابت ۱۲۵ هزار نفر استعداد بحریه
یک فروند زره پوش و ۴۰ فروند تجاری وسعت مملکت ۲۱۳۰
فرسنگ مربع با ده کرور جمعیت یک باب یونیورسیطه دارد با عدهٔ کمی مدرسه
و مکتب که بر روی هم بیش از ۳۴ هزار نفر شاگرد دارد استعداد تجارتی

در بحر چهل فروند کشتی تجاری است و ۴۲۰ فروند شراعی
حاصل عمده شراب چوب نمک کتان پیاز میوه زغال
مس و آهن ۳۰۰ فرسنگ راه آهن دارد و ۱۸۲۰ فرسنگ خط تلگراف
پول رایج در پورتقال میلیرا است بنرخ هشتهزار و سیزده شاهی و [illegible]
شش فرانک است پایتخت لیزبون است با ۲۵ هزار نفر جمعیت
توابع پورتقال در افریقا وسعت ۴۳ هزار فرسنگ مربع است با پنج کرور
جمعیت و در آسیا ۵۰۰ فرسنگ با ۵ کرور جمعیت و تمام توابع بر روی هم سه
کرور مالیات میدهند

در شرح سربی

در هفت مائه قبل از هجرت این ولایت از توابع روم بود و بعد از آن بدست
طوایف مختلف افتاد تا شانزده سال بعد از هجرت فرقه از طایفه سلاو
موسوم بسرب در اینجا ساکن گردیدند و باین مناسبت آن مملکت بسربیا مشهور شد
در آن اوقات از امپراطور روم شرقی که در اسلامبول بود اطاعت داشتند
در مائه ثانی هجری بمذهب عیسوی در آمدند و در ۴۳۵ از تبعیت روم
خارج شده دولت مستقل شدند و حکمران آنجا بپادشاه ملقب شد متدرجاً

قدرت

قوت گرفته در وسعت مملکت افزودند تا در ۷۴۲ سلطان سربی بپادشاه
ملقب شد و در اواخر مائه هشتم جنگ با عثمانی شروع شد و در ۷۹۲ از عثمانیها
شکست خورده پادشاه را مقتول ساختند و سربی بتصرف عثمانی افتاد در
۱۱۳۱ دولت اطریش مملکت سربی را مسخر نمود و ۲۰ سال در دست آنها بود
و عثمانیها مجدداً آنجا را بتصرف خود در آوردند و در سال ۱۲۰۳ که اطریش و
روس با عثمانی جنگ داشتند اهالی سربی هم لشکر عثمانی را از آنجا خارج کردند
و در ۱۲۲۱ شهر بلغراد را هم گرفتند ولکن از دولت عثمانی مجزی شدند و پس از
جنگ دیگر که مدت ده سال بطول انجامید دولت مستقل گردیدند در ۱۲۳۲
پرنس میلش را بریاست خود انتخاب نمودند و او در ۱۲۵۵ استعفا
کرده میلان پسر او پرنس سربی شد که بعد از یکماه وفات کرد پس از او
میکائیل برادرش پرنس شد در ۱۲۵۸ اهالی سربی شورش کرده میکائیل
استعفا نمود و الکساندر کاراژورژویچ را منتخب ساختند او نیز بواسطهٔ
طغیانی دیگر استعفا نمود در ۱۲۷۵ و میلش که در ۱۲۳۲ استعفا کرده بود
و در این موقع ۸۰ سال از عمرش گذشته مجدداً بسلطنت رسید و بعد از دو سال

ونت‌ها و برادر او میلوش در ۱۲۵۸ خود از سلطنت خارج
کرده خود سلطان شد و قلاع و ولایاتیکه تا آن زمان در دست عثمانی بود
در ۱۲۸۴ بتصرف سربیه درآمد در ۱۲۸۵ پرنس
میخائیل مقتول شد و میلان پادشاه حالیه بسلطنت رسید در ۱۲۹۳
اهالی سربیه با دولت عثمانی جنگ داشتند و بعد بواسطه جنگ روم و
روس دولت سربیه استقلال تمام یافت و در ۱۲۹۹ پرنس سربیه ملقب
بپادشاه شد در وضع حالیه آنجا پادشاه کنونی میلان اول است
و در ۱۲۷۱ متولد شده امور دولت در دست پارلمان و هشت نفر وزرا است
تجارت ۱۳ کرور تومان است و ۱۶۰ هزار تومانش بجهة مصارف پادشاه
معین است قشون سه قسم است حاضر رکاب صد هزار نفر ردیف
اول ۵۵ هزار نفر ردیف دویم تقریبا ۵۵ هزار نفر وسعت مملکت
۱۱۸۰ فرسنگ مربع با چهار کرور جمعیت خوک و گاو در آنجا بسیار است
و غله و میوه نیز فراوان دارد طول خط راه آهن نود فرسنگ است و
۴۲۰ فرسنگ خط تلگراف دارد پول دینار است به نرخ حالیه یکهزار و

هفت شاهی و سایر آحادش مثل فرانسه است پایتخت بلغراد با ۴۲ هزار
نفر جمعیت

در شرح عثمانی

تقریبا در مائه هفتم هجری قریب به ۵۰ هزار نفر از طایفه ترک
بسرداری سلیمان نامی از لشکر مغول در خراسان بنقد جدا شده و بسمت
ارمنستان فرار کردند و در نزدیکی شهر قونیه سکنی گرفتند و پس از مدتی
داخل خدمت علاء الدین سلجوق شدند و در ۶۹۹ علاء الدین وفات
کرده ریاست آن طایفه بعثمان نام تعلق گرفت و کمی بعد ملقب بسلطان
شد و باین مناسبت بعد او را عثمان گفتند در ۷۲۶
اورخان پسر عثمان بروسا دست یافته و عمارتیکه مخصوص خود بود
به باب عالی موسوم ساخت و او اول شخصی بوده در این دولت
ترتیب لشکری داد و مشتمل بود بر ینگی‌چری (پیاده) و سپاهی (سواره)
پسر او سلیمان نام بود در ۷۵۷ داخل اروپ شد و سلطان مراد
اول در ۷۶۶ ادرنه را پایتخت خود ساخت و متصرفات امپراطور
روم شرقی منحصر شد بشهر اسلامبول و بعضی دهات اطراف بایزید اول

و پسر مراد اول بود افلاق و بغدان و بلغارستان و یونان را مسخر نمود
و بعد با تیمور لنگ کارزار نمود و در ۸۰۴ محبوس شد پس از او محمد
اول و مراد دویم سلطنت کردند محمد دویم پسر مراد دویم ملقب بغازی
شهر اسلامبول را بغلبه گرفت و سلطنت امپراطور روم را بالکلیه مضمحل
نمود و اسلامبول را پایتخت خود قرار داد از آن تاریخ ببعد دولت عثمانی
قوت گرفتند و ترقی بسیار کرد و لهستان و مجارستان را مغلوب نمود
سلیمان دویم مجارستان را بتصرف خود آورد دولت اطریش را تحت
باج عراق عرب و کردستان را نیز مسخر نمود در این سلطنت
دولت عثمانی کمال قوت پیدا کرده و استعداد بحریه معتبری تهیه
کرد و شمال افریقا از مصر الی مارک را در قید تبعیت آورد
در سلطنت اعقاب او یعنی سلیم دویم و مراد سیم و محمد سیم دولت
عثمانی تنزل یافت و در ۹۷۹ استعداد بحریه اش نزدیک لپانتو
شکست فاحش خورده دولت ایران تبریز و بغداد را از تصرف او خارج کرد
و از دولت اطریش نیز هزیمت یافته و در ۱۰۴۶ در سلطنت مراد

چهارم ایروان و تبریز و بغداد مجددا بدست عثمانی افتاد پس از آن جنگهای
متعدد با اطریش و لهستان و روس واقع شد و اسباب خسارت کلی گردید
و اکثر متصرفاتشان از دست رفت در ۱۲۹۴ جنگ اخیر با روس
واقع شد نتیجه جنگ اسباب استقلال سربیه و افلاق و بغدان و بلغاری
گردید و بعضی قطعات عثمانی در اروپ و ارمنستان بتصرف روس افتاد
و باسنه و هرزگ بدولت اطریش تعلق گرفت
در اوضاع حالیه سلطان کنونی عبدالحمید دویم است و در ۱۲۴۵ متولد شده
و سلطان سی و چهارم از سلسله عثمان است و پادشاه بیست و هشتم است از زمانیکه
اسلامبول بدست آنها افتاده امورات دولت بدست سلطان است
و مجلس خاص و مشتمل است بر صدر اعظم و شیخ الاسلام و وزیر داخله و وزیر
امور خارجه و وزیر جنگ و وزیر مالیه و وزیر بحریه و وزیر فوائد
و وزیر عدلیه و وزیر علوم و وزیر اوقاف و امیر توپخانه تجارت سالانه
۱۲۰ کرور است و ۱۵ کرورش بجهة مصارف سلطان مقرر است قشون
حاضر رکاب ۱۶۰ هزار نفر ردیف ۸۰۰ هزار نفر استعداد بحریه

۱۵ فروند زره پوش با بسیاری از جهازات بخاری دیگر وسعت این
مملکت در اروپ چهار هزار فرسنگ مربع است با ده کرور جمعیت وسعت
خاک آسیائی ۴۵۶۰۰ فرسنگ مربع با ۲۴ کرور جمعیت وسعت
خاک افریقائی ۲۵ هزار فرسنگ مربع با ۵ کرور جمعیت پایتخت
اسلامبول است با ۹۰۰ هزار نفر حاصل عمده غله و پشم و تنباکو و میوه
و بعضی از معادن هم در آنجا موجود است استعداد بحریه تجارتی ده فروند بخاری
و ۴۰۰ فروند شراعی ۳۲۰ فرسنگ راه آهن دارد و ۶۰۰۰ فرسنگ
خط تلگراف پول معروف لیره و نرخ حالیه سه تومان و یک هزار
وزن وقه ۲۷۵ مثقال واحد طول آرشین است معادل ۱۲ گره

در شرح یونان

تقریبا هشت مائه قبل از هجرت تمام یونان بتصرف روم افتاد و ۲۵۰
سال قبل از هجرت طوایف گوت و هن داخل یونان شده آنجا را غارت کردند
و ۲۰۰ سال بعد ثانیا این طوایف بربری آلاریش آنجا را تاراج کردند و چهار
سال بعد نیز بربری تیره اودوریش سرقت کردند بعد از آنها طوایف بلغار

وسلاو اموال یونانیان را به یغما بردند و ۵ سال بعد از هجرت اعراب
جزیره قندیه را گرفتند از آنجا جهازات شان را برای غارت بطرف
یونان میفرستادند در مائه نهم بعد از هجرت طایفه بلغار مجدداً آنجا را چاپیدند
و بعد هم طایفه نرمان علی الاتصال یونان را تاراج میکردند پس از آن
خرابیها بعضی از امرای فرانک یونان را متصرف نمودند و جزایر هم بتصرف
ونیک افتاد و در دست آنها باقی ماند تا ۸۵۰ که سلطان مراد ثانی عثمانی
جلوس نمود پس از جنگهای متعدد و قتل و غارت بسیار در ۸۶۳ تمام
یونان بتصرف سلطان عثمانی در آمد و تا ۱۲۳۷ در دست آنها بود در آن
سال اهالی یونان شورش کردند و بعد از چند سال جنگ و خون ریزی زیاد
ابراهیم پاشا از مصر به یونان آمده با ۲۰ هزار نفر لشکر و ۱۵۰ عراده توپ
یاغیگران آنجا را مغلوب ساخت ولی فرانسه و انگلیس و روس توسط کرده
از آنها مراجعت نمود در این اثنا شهری عثمانی یاغی شده و سلطان محمود ده هزار
نفر آنها را مقتول ساخت و ۲۰ هزار نفرشان را محبوس کرد
در ۱۲۴۲ یونان جمهوری شده بریاست کاپو دیزتریاس

بعد از این واقعه دولت
۱۲۴۳
عثمانی مجدداً قشونی با ۹۳ فروند کشتی بطرف یونان فرستاد ولی در پاییز
جهازات دول معظمه انگلیس و فرانسه و روس در ناوارینو - na-
varino استعداد بحریه عثمانی را مغلوب ساختند و چون در این ضمن
دولت روس با عثمانی جنگ داشت لهذا عثمانی از یونان صرف نظر نمود
و بتوسط این دول معظمه در سال ۱۲۴۸ اوتو از خانواده باویر بپادشاهی
یونان منتخب شد و او تا سال ۱۲۷۹ سلطنت کرد در آن سال اهل یونان
یاغی شده او به باویر مراجعت کرد اهل یونان سلطنت پرنس آلفرد از خانواده
انگلیس طالب بودند ولی بملاحظه اینکه ما بین انگلیس و فرانسه و روس شرطی منعقد
شده بود که احدی از این سه دولت در یونان سلطنت نکنند لهذا دولت
انگلیس نتوانست این کار را قبول کند و سلطنت آنجا را بعضی از شاهزادگان دیگر اظهار
کردند و هیچکدام قبول نکرده تا آخر الامر گیوم از خانواده دانمارک راضی
باین امر شده و در پاییز ۱۲۷۹ به آتن ورود کرد و باسم ژرژ اول تاج بر سر نهاد
و جزایر ایونی هم که در تحت حمایت دولت انگلیس بود چندی بعد بدولت

یونان تسلیم شد پادشاه حالیه ژرژ اول است و مطابق قرار داد
۱۲۸۱ امور دولت در دست سلطان است و پارلمانی که دارای یک
مجلس است مالیات در سال ۲۶ کرور است و ۷۵ هزار تومان
برای مخارج سلطان معین است قشون در وقت امن ۲۶ هزار نفر
و در اوقات جنگ ۳۵۰ هزار نفر استعداد بحریه شش فروند زره
پوش است و ۲۷ فروند بخاری وسعت مملکت ۱۶۰۰ فرسنگ
مربع است با چهار کرور جمعیت حاصل عمده کشمش است و روغن زیت
و مازو و از معادن قدری سرب و نقره و روی دارد
صد فرسنگ راه آهن دارد و ۱۲۰۰ فرسنگ خط تلگراف دارد استعداد
بحریه بجهة تجارت مثل عثمانی پایتخت اطنه با ۵۸ هزار نفر جمعیت

در شرح ایطالی

پس از انقراض دولت روم غربی در ایطالی اول طایفه گوت و بعد طایفه
لنگبارد اینولایت را متصرف نمودند و مقارن هجرت ابتدای اقتدار پاپها
شد و سلطنت لنگبارد در ۱۵۷ بعد از هجرت باتمام رسید و ایطالی

در قید اطاعت طایفه فرنک افتاد و شارلمان امپراطور روم شد و تا مدتی
قطعه شمالی ایتالی جزو فرانسه بود و در وسط مقر سلطنت پاپ بود و قطعه
جنوبی منقسم بود بجمهوریهای متعدد و جزیره سیسیل هم در تصرف اعراب
بود در مائه سیم هجری جمهوری وندیک برپا شد و در ۴۱۳ اعراب را از
جزیره سیسیل خارج کردند و بعد طایفه نرمان داخل ایطالیا شده و در سمت
جنوب سلطنتی منعقد داشتند و شمال ایتالی منقسم شد بجمهوریهای چند
در مائه هفتم جزو اعظم این مملکت بتصرف فرانسه و اسپانی افتاد و در
و در مائه نهم بعضی از جمهوریها سلطنتی شدند بریاست دوک در اواخر
مائه نهم این ملک به پنج قطعه بزرگ منقسم گردید و جنوب آن با شهر
ناپل در دست یکی از خانواده اسپانی بود و روم در تصرف پاپ بود
و فلورانس در تحت طایفه مدیچی و در طرف شمال جمهوری وندیک بود
میلان متعلق بطایفه سفورزا بود بعد از این وضع باجزای دیگر منقسم گردید که
بعضی در تحت حمایت اطریش بودند و برخی باسپانی و جمعی بفرانسه در صد
سال قبل هنگامی که شورش عظیمی در مملکت فرانسه برپا شد قطعه جنوبی

ایطالی مشهور بناپل و سیسیل در تحت سلطانی بود از خانواده بوربن توسکان
در تصرف شاهزاده از خانواده اطریش بود بعد ها در دست خانواده است
[illegible] پارما و پیاچنزا در تحت خانواده بوربن بود در شمال
دولت ساردین و جمهوریهای وندیک و ژنوا واقع بود و قطعه هم
متعلق باطریش بود و در وسط پاپ سلطنت میراند
در ۱۲۱۰ قشون فرانسه وارد ایطالی شدند و چهار سال بعد هم خود ناپلیون
یعنی بناپارت و بتوسط او در ۱۲۱۲ تمام سلطنتهای جزو برهم خورد
و در ۱۲۲۰ جزو اعظم آنولایت را در تحت یک سلطنت الحاق
و پسر زنش را به نیابت خود بآنجا فرستاد و آن قلمرو ۱۸۰۰ فرسنگ
وسعت داشت با یازده کرور جمعیت و در یکسال بعد برادرش ژوزف
را سلطان ناپل نمود که مدت دو سال در آنجا سلطنت داشت پس از آن
سلطنت اسپانی را به ژوزف داد و مارات را پادشاه ناپل نمود و در آن
هنگام محض اینکه مبادا جزیره سیسیل هم از میان رود دولت انگلیس آنجا را
در ظل حمایت خود بجهة سلسله قدیم بوربن نگاه داشت و در آن سال هم

ناپلیون سلطنت پاپ را برهم زد و پسر خود را پادشاه روم نمود بعد از انقراض
ناپلیون وضع ایطالی مجدداً تغییر پذیرفت باین قسم که سیسیل و ناپل دو مرتبه
به بوربن تعلق گرفت و جمهوری وندیک برهم خورده با انضمام قطعه شمالی
ایطالی بدولت اطریش تعلق گرفت و قسمتی دیگر از طرف شمال با جمهوری
ژنوا بدولت ساردین شد و مدنا بخانواده است برگشت پارما و
پیاچنزا بزوجه ناپلیون تعلق گرفت و لوکا بخانواده قدیم پارما واگذار
شد توسکان بخانواده اطریش باقی ماند روم بپاپ افتاد و جزیره
مالتا را دولت انگلیس تصاحب نمود سلطنت این خانواده های مختلف
در ایطالی و رفتار هر یک بمیل خود و دلخواه رفته رفته اسباب ضعف و خرابی
آنجا گردید و باین جهات در صدد برآمدند که اصلاحی در این مفاسد و معایب
نمایند چون دولت اطریش مخصوصاً عمارت ایتالی را بر خود فرض و
متحتم میدانست لهذا شارل آلبرت پادشاه ساردین چنین مقتضی دید که
برود از قدرت او در ایطالی بکاهد و باین لحاظ با اطریش بنای جنگ گذارد
ولی در این جنگ مغلوب شده قهراً استعفا نمود

و پسرش ویکتور امانوئل بسلطنت رسید دولت فرانسه بملاحظه خود
در این مورد مداخله نمود و در ۱۲۶۵ قشونی بشهر روم فرستاد صدر اعظم
ویکتور امانوئل موسوم به کاوور چون شخص کافی و مدبری بود باطناً
قرارنامه با دولت فرانسه منعقد نمود و ضمناً اسباب خارجی را
قسمی فراهم کرد که اطریشها در ۱۲۷۶ در جنگ سبقت گرفته و بمقتضای
قرارنامه فرانسویها هم از ایطالی حمایت کردند و خود ناپلیون با سپاه فراوان
داخل ایطالی شده و پادشاه ساردین هشتاد هزار نفر حاضر داشت و علاوه
گاریبالدی هم با جمع کثیری بآنها ملحق شد در جنگ ماژنتا
Magenta قشون اطریش شکست خورده و در این بین
دوک توسکان و دوک پارما و دوک مدنا فرار کرده و اهالی آن دول
ویکتور امانوئل را بپادشاهی خود اختیار نمودند در جنگ سولفرینو که
قشون فرانسه بسرداری خود ناپلیون و قشون اطریش بسرداری امپراطور اطریش
مقابل شدند عسکر اطریش ثانیاً مغلوب شدند و بعد مابین آنها صلحنامه ویلافرانکا
منعقد شد نتیجه این جنگ این شد که متصرفات اطریش در ایطالی بکلی از

دست رفت و به ویکتوری مانوئل تعلق گرفت   بعد از این واقعه
گاریبالدی با هزار نفر بجزیره سیسیل رفته و مردم را بسلطنت ویکتوری مانوئل
ترغیب و تشویق نمود و از آنجا بناپل رفته پادشاه آن ولایت را مجبور بترک تخت
و استعفا کرده و بمردم اظهار کرد که ویکتوری مانوئل پادشاه کل ایتالیا است
غیر از مملکت روم که هنوز در تصرف فرانسه باقی است در ۱۲۸۳
دولت ایطالیا مجدداً با اتریش بنای جنگ گذارد هم در خشکی و هم در بحر این
نوبت از اتریش شکست خورد و چون در همان وقت دولت اتریش
با روس جنگ داشت و از طرف او مغلوب شده بود لابداً از ونتالی
صرف نظر نمود و علاوه ونیز که تا آن وقت در دست اتریش بود به
ایطالیا مسترد شد بعد از آن قشون فرانسه نظر بمصلحتی از روم خارج شدند و ویکتوری
مانوئل در ۱۲۸۷ داخل روم شد و آنجا را پایتخت ایتالیا قرار داد و از آن تاریخ
ببعد سلطنت پاپ بر هم خورد ولی ریاست مذهبی او هنوز باقیست
در وضع حالیه ایتالیا   پادشاه کنونی امبرتو اول است که
پسر ویکتوری مانوئل متوفی است اجداد این سلطان از شاهزادگان دو ساووا Savoia.

بودند که در مائه پنجم هجری در شهر تورن سلطنت میکردند و در ۸۱۹ به
دوک ملقب شدند و در ۱۱۳۳ در ساردین سلطنت پیدا کردند
امور این دولت در دست سلطان است و ده نفر وزیر و پارلمانی که صاحب
مجلس است   مالیات سالیانه بالغ بر ۴۷ کرور تومان و در وقت امن قشون
حاضر رکاب ۲۵۰ هزار و در جنگ تا پنج کرور مهیا میشود   استعداد
بحریه ۱۴۰ فروند کشتی بخاری که ۲۱ فروند آن زره پوش است و
دو فروند آنها بزرگترین زره پوش است که تاکنون ساخته شده   ۲۱ باب
یونیورسیته دارد با ۱۴ هزار نفر شاگرد و ۷۰ هزار مدرسه و کتبخانه دارد
با سه کرور و نیم شاگرد و با وجود این قریب دو ثلث از تمام اهالی ایتالیا
بیسوادند   وسعت مملکت ۷۲۰۰۰ فرسنگ مربع با ۲۹ کرور
جمعیت که پایتخت سیصد هزار نفر باقی کاتولیک میباشند   حاصل
عمده روغن زیتون است   میوه   شراب   حاصل معدنی آهن است
مس و نقره   و مرمر   استعداد بحریه برای تجارت ۷۳۰۰
فروند شراعی و ۲۰۰ فروند بخاری طول خط راه آهن ۱۹۰۰ فرسنگ

خط تلگراف ۵۰۰۰ فرسنگ   پایتخت شهر روم با ۲۷۵ هزار نفر
جمعیت   ابنیه و سایر آثار مثل فرانسه   در این چند
سال اخیر بجهة احداث بعضی توابع در امور افریقیه مداخله کردند
و در ساحل بحر احمر بندر مصوق را بتصرف در آوردند که بر روی هم ۳۰
فرسنگ مربع وسعت دارند   چنانچه مذکور شد مقر پاپ در روم است
و بر تمام اشخاصی که از طریقه کاتولیک رومی میباشند ریاست کلیه دارد
پاپ حالیه لئون سیزدهم است که در ۱۲۹۵ منتخب شده   انتخاب پاپ
توسط مجلس کاردینال است که ۲۶ نفر اجزاء دارد و پاپ که بیست و
شصت و سیم میباشد از نطرس که یکی از حواریون حضرت عیسی بوده و او را
پاپ اول میشمارند

در شرح سنماریتو

چهار مائه قبل از هجرت مارینوس نام در آنجا شهری بنا نهاد و از آن
تاریخ تا حال این قطعه در ظل حمایت سلاطین مختلف باستقلال خود باقیمانده
وسعتش قریب دو فرسنگ مربع است   با هشت هزار نفر جمعیت   مالیات
۱۶ هزار تومان و بجهة حفظ حدود خود مقرر است که تمام ذکور آنها هنگام

ضرورت جزو نظام بشود و عدد آنها ۱۱۸۵ نفر میباشد   امور این ملک
در عهده مجلس است و از اکابر رعایا منعقد میشود و از سال ۱۲۸۹ هجری
خود را در تحت حمایت پادشاه ایتالیا قرار داده

در شرح بلغار و روم ایلی شرقی

این ولایت تا ۱۲۹۵ از ایالات عثمانی محسوب میشد در آن سال بواسطه
عهدنامه برلین پرنس بلغار مستقل گردید و شرط بر این شد که پرنس را اهالی
بلغار منتخب میکنند از خانواده سلاطین دول معظمه نباشد و روم ایلی شرقی
نیز ایالت مستقل شد بحکومت حاکمی که بمذهب عیسوی باشد
اهالی بلغار پرنس الکساندر را از خانواده باتن برگ تعیین نمودند در
۱۳۰۲ اهالی روم ایلی شورش کرده حاکم را بیرون کردند و خود را بایالت
بلغار ملحق ساختند   در سال بعد دولت عثمانی این مطلب را قبول نمود
و روم ایلی شرقی به بلغار جنوبی موسوم شد   کمی بعد اهالی بلغار هم طغیان
کرده و پرنس الکساندر را استعفا نمود و در ۱۳۰۴ فردیناند دوک ساکس
انتخاب شد که پرنس حالیه بلغارستان است   امور این دولت در

عهده پارلمانی است و دارای یک مجلس است و شش نفر وزیر تابعیت
هشت کرور تعداد قشون در وقت امن ۲۹ هزار و در اوقات جنگ
صد هزار استعداد بحریه ۱۷ فروند کشتی کوچک وسعت بلغار
۱۵۲۰۰ فرسنگ مربع با چهار کرور جمعیت و ربعش مسلمان میباشند
و وسعت رومیلی ۸۵۰۰ فرسنگ با یک کرور جمعیت و ثلث آن مسلمان میباشند
پایتخت بلغار صوفیه است با سی و یک هزار نفر و پایتخت رومیلی فلبه است
با سی و سه هزار نفر حاصل عمده غله است و پشم و آهن و ذغال سنگ
خط راه آهن اسلامبول به بلغراد از این ولایت عبور میکند و ۶۰۰ فرسنگ
خط تلگراف دارد پول رایج شهر عثمانی است در شرح بسنه و هرزک
تا سال ۱۲۹۵ از ولایت عثمانی بود و در آن سال موافق قرارنامه برلین
مقرر گردید که حکومت و تنظیمات این دو ولایت در عهده دولت اتریش
باشد و از آن وقت تا حال هم در دست اوست و وسعت این دو بروی
هم ۱۲۵۰۰ فرسنگ مربع است با چهار کرور و چهارصد هزار نفر جمعیت و دو خمس
آن مسلمان میباشند افلاق و بغدان یا رومانی

پنجاه قبل از هجرت این ولایت از ولایات روم غربی بود بعد از آن بتصرف
طوایف مختلف افتاد از قبیل گوت و آوار و سلاو و بلغار
و مجار در مائه هشتم هجری بدو جزء منقسم گردید یکی افلاق و دیگر
بغدان در اوائل مائه دهم این دو ملک در تحت حمایت عثمانی
واقع شد و تا ۱۲۷۲ همان قسم باقی بود در آن سال بواسطه عهدنامه
پاریس از تبعیت عثمانی خارج شد و در سه سال بعد کلنل الکسندر کوزا
به رئیسی افلاق و بغدان منتخب گردید او بعد از شورش ۱۲۸۲ استعفا
کرد و پرنس شارل از خانواده هوهنزولرن معین شد و او در ۱۲۹۸
لقب پادشاهی گرفت و موسوم گشت بشارل اول پارلمانی و در این ملک
و ادارات مشتمل است بر دو مجلس و وسعت سطحش ۳۱۰۰ فرسنگ
مربع جمعیت یازده کرور مالیات ۳۷ کرور و ۱۶۰ هزار از آنش
بجهه مصارف سلطان است قشون حاضر رکاب ۲۰ هزار نفر ردیف
۱۰۰ هزار نفر استعداد بحریه ۲۳ فروند کوچک بخاری ۵ باب
یونیورسیطه دارد با ۲۸۰۰ مدرسه و مکتب حاصل عمده غله است و

بعضی فلزات هم استخراج میشود گاو و گوسفند نیز فراوان است
پایتخت بخارست با ۲۲۵ هزار نفر طول خط راه آهن ۴۰۰ فرسنگ و
خط تلگراف ۱۵۰۰ فرسنگ حالا نقره و وزن و طلی و غیره شبیه فرانسه است
ولی بعوض فرانک لی معروفست در شرح اسپانی
تقریباً هیجده مائه قبل از هجرت اهل فونیسی در اینجا توابع داشتند و شهر
کادیکس از آن زمان است بعد از آنها اهالی یونان بتجارت آمدند و در ۸۵۰
قبل از هجرت اهل کارتاژ و پس از آنها رومیان ۵ بعد از دویست سال
جنگ و مجادلات و اقدامات تمام اسپانی را بتصرف درآوردند و قریب
ششصد سال در تصرف آنها بود آنوقت اهل گوت با یارفته رومیان را
خارج کردند در اواخر مائه اول بعد از هجرت اعراب وارد اینجا شدند
و در ۹۳ بعد از هجرت طارق نام کوهستان را گشت و کمی بعد تمام اسپانی
بدست اعراب افتاد و یکی از ولایات خلفای بنی امیه شد در ۱۳۸
هجری یکی از طایفه امیه عبدالرحمن نام از دست بنی عباس فرار کرده و خود را
باسپانی رسانید و در آنجا سلطان مستقل گردید بعضی از طوایف گوت

که در جبال شمالی اسپانی باقی بودند سلطنتی باسم آستوریز منعقد ساختند که
بعدها بعضی ولایات دیگر بان ملحق گشته سلطنت کاستیل موسوم گشت
چندی بعد سه سلطنت دیگر از مذهب عیسوی در کوههای شمالی برپا شد یکی ناوار
دیگر کاتالون و آراگون که علی الاتصال با اعراب جنگ داشتند در ۴۰۷
سلطنت اعراب در اسپانی بدو قسمت شد یکی امیه دیگری ادریس در ۴۲۲
سلسله امیه در اسپانی بانتها رسید و دولت انها منقسم گردید بچند جزء و
بعضی از آنها بلا واسطه بدست عیسویان افتاد در اواسط مائه هفتم
فردیناند سیم پادشاه کاستیل تمام اعرابیرا که در اسپانی بودند مغلوب کرد اکثر
و کثیری از آنها از آنجا خارج شدند و جمعی هم بمذهب عیسوی در آمدند
پس از آن پادشاه کاستیل جزایر ساردین و سیسیل را نیز بتصرف درآورد
و در ۸۸۴ دول کاستیل و آراگون یکی شده و سلطنت اسپانی منعقد گردید
در تحت ایزابل ملکه اینجا بود و در آن زمان اداره انکیزیسیون
دایر شد محض حفظ مذهب کاتولیک و باین واسطه ظلم و تعدی بسیار
نسبت بعموم مردم میشد چنانچه ۱۶۰ هزار نفر یهود را در یک روز از اسپانی

خارج کردند و جماعت کثیری از سایر رعایا را مقتول و محبوس کردند دیگر
در تعاقب سلاطین عرب در غرناطه (گرانادا) باقی مانده بود و در ۸۹۷ او را
هم بیرون کردند کشف ینگی دنیا هم در آن عصر شد
ملکه ایزابل از شوهر خود فردیناند پادشاه پیمی دختری داشت زوجه فیلیپ
از خانوادهٔ هابسبورگ اطریش بود بعد از فوت ایزابل در ۹۱۰ آن دختر
ملکه اسپانی شد و یکسال بعد شوهرش وفات یافت و خود او هم بمرض جنون
مبتلا شده، پسرش شارل پادشاه شد و بمناسبت این رابطه اسپانی با اطریش
ملحق شده و سلطان آنجا موسوم شد به شارل پنجم امپراطور آلمانی در آن زمان
دولت اسپانی بسیار معظم و معتبر بود و آلمانی و اطریش و هلند و ایتالی در تحت
اطاعت او بودند و تمول بسیار تحصیل کرده بود از ینگی دنیا تازه کشف شده
بود و تمامش در تصرف او بود چون شارل پنجم از سلطنت
استعفا نمود اطریش و آلمانی از دولت اسپانی منفصل شد در سلطنت
فیلیپ دویم هم بواسطهٔ ادارهٔ انگیزیسیون ظلم زیاد بمردم وارد آمد و اسباب
ویرانی بعضی از ممالک اسپانی گردید و علاوه در جنگهائی هم که با هلند و انگلیس

وعثمانی

وعثمانی و فرانسه و پرتقال واقع شد با وجود اینکه در همهٔ آنها با فتح بود ذخایر
معهذا اسباب خسارت کلی و ضعف حال مملکت گردید و در ۱۰۰۷ هجری وفات
فیلیپ دویم بود تمام جمعیت اسپانی شانزده کرور بود و نسبت بابتدای سلطنتش
چهار کرور کاسته شده بود و تقریبا تمام دولت بدست کشیشها افتاده بود
منجمله متجاوز از یک کرور نفر کشیش در آن ولایت بود و اقلاً یک کرور هم
در نوکری دولت بودند باین واسطه کارهای رعیت بکلی مهمل و معوق مانده بود
و چون کشیشها کلیتهً از وجوهات مختلفه میخوردند استعداد بحری و بری بکلی
ضعیف شده و پارهٔ از توابع اسپانی از تصرف او خارج شد و چند سال بعد
جمعیت اسپانی به یازده کرور رسید در ۱۱۱۲ سلسله هابسبورگ منقرض گردیده
سلطنت بخانوادهٔ بوربن منتقل شد عدم لیاقت سلاطین این سلسله
سبب تنزل دولت اسپانی گردید تا آنکه در زمان ناپلیون اول با دولت فرانسه
ملحق گردید و در آن زمان بسبب بی مبالاتی وزراء در مخارج بحدی شد که در جنگ
بجهة ۵۰ هزار نفر لشکر اسپانی معادل ۲۰۰ کرور تومان صورت میداد و برای
مصارف سلطان بیست کرور تومان منظور میداشتند و غنایم ولایت قطعی

شدیکه واقع شد غالب رعایا مردند و در آنوقت استعداد بحریه هم بواسطه
نبودن امیر بحر بکلی مضمحل شد بسبب این خرابیها ناپلیون در ۱۲۲۳ برادر
ژوزف را بسلطنت اسپانی مأمور نمود و خود ناپلیون هم برای تقویت او قشون
باسپانی کشید پس از جنگهای متعدد لشکر انگلیس فرانسویها را از اینجا بیرون کردند
و سلسله بوربن مجدداً بسلطنت اسپانی رسیدند و فردیناند هفتم پادشاه شد
و تا ۱۲۴۹ سلطنت مینمود پس از فوت او دختر سه ساله اش ایزابلا دویم به
سرنهاد برادر فردیناند هفتم موسوم به دون کارلوس طغیان نموده و اهالی اسپانی
هم شورش کرده سبب اغتشاش کلی گردید و باین جهات ملکه ایزابلا در ۱۲۸۵
بمملکت فرانسه فرار نمود و مدت یکسال دولت اسپانی جمهوری بودند
بریاست سرانو تا آنکه آمادهٔ پسر ویکتور امانوئل را بپادشاهی انتخاب نمودند
این سلطان هم بسبب اینکه اهالی اسپانی هیچگونه آرام نمیگرفتند و دون کارلس
از تفتین و تحریک دست برنمیداشت استعفا نمود دولت اسپانی
مجدداً بریاست سرانو جمهوری شدند تا آنکه آلفنس دوازدهم و در ۱۳۰۳ او
وفات کرد و پسرش که بعد از فوت او متولد شد به آلفنس سیزدهم موسوم گشت

بوکالت

و بوکالت مادرش که از خانوادهٔ اطریش است سلطان شد
امور دولت مطابق قانون ۱۲۹۳ در عهدهٔ نه نفر وزیر و پارلمانی که
مرکب است از دو مجلس عایدات اسپانی سالیانه ۲۴۰ کرور است و سه کرورش
بجهة مخارج سلطان و خانوادهٔ سلطنت معین شده قشون در وقت امن ۱۵۰
هزار نفر و در وقت جنگ ۲۱۵ هزار نفر استعداد بحریه ۵ فروند زره
پوش است و یکصد و بیست و پنج فروند بخاری با ۵۰۰ عراده توپ و
۱۶۰۰۰ نفر اجزاء وسعت مملکت ۱۲۴۰۰ فرسنگ مربع است با
۳۵ کرور جمعیت که غیر از سی هزار نفرش مابقی کاتولیک مذهبند حاصل
عمده شراب است و میوه حاصل معدنی آهن است و زیبق و مس استعداد
تجارتی در بحر ۱۵۵۰ فروند شراعی و ۲۸۰ فروند بخاری ده باب یونیورسیته
دارد با ۱۶ هزار نفر شاگرد و ۳۰ هزار باب مدرسه و مکتب دارد با ۵
کرور و نیم شاگرد و تقریباً ثلث جمعیت بیسوادند طول خط راه آهن ۱۲۵۰
فرسنگ خط تلگراف ۷۲۰۰ فرسنگ پایتخت مادرید با ۴۰۰
هزار نفر جمعیت توابع خارجه در امریکا جزیره کوبا و غیره بوسعت

سه هزار فرسنگ و پنج کرور جمعیت   در آسیا جزایر فیلیپین و غیرها وسعت ۷۲۳۰
فرسنگ مربع با ۳۰ کرور جمعیت   و در افریقا نیز جزایر کوچک بوسعت
۵۰ فرسنگ و ۵۰ هزار نفر جمعیت   پول رایج ریال بنرخ هفت
شاهی   واحد وزن لیبرا معادل صد مثقال   واحد طول وار با بدرازه ۱۴۰ گره

در شرح تاریخ بریتانی کبیر

تقریباً هفتصد سال قبل از هجرت رومیان بسرداری قیصر از طرف فرانسه
داخل انگلستان شده و در آن زمان آن مملکت به آلبیون موسوم بود و طوایف
بریتون در آن سکنی داشتند   و قریب بصد سال بعد در حکومت ژولیوس آگریکولا
جزو اعظم این جزیره بتصرف روم در آمده و در شش ایالت منقسم شده   و بعضی از
شهرها از قبیل لندن و یورک   و لینکولن در آن عصر بنا شد   در انگلستان از
حیثیت حاصل غله معروف بود   کمی مذهب عیسوی در آنجا ظاهر شد
و بیست سال قبل از هجرت بسبب جنگهای متعدد که دولت روم با طوایف
ژرمان داشت اکثر قشونیکه در انگلیس داشت از آنجا خارج شده و طوایف آن
سکوتس گن انگلستان را مسخر نمودند و طوایف قدیم بریتون بجبال گال و اکوس

محاذی

متواری شدند   این طوایف مملکت انگلیس را بهفت جزو منقسم نمودند
و در مائه دویم هجری متوسط اگبرت پادشاه وسکس بیک سلطنت متبدل گردید
باسم دولت آنگلیا   بعد از زمانی اهل نرمان و دانمارک سواحل انگلستان را غارت
کردند   بعضی قطعات از تصرف انگلیس خارج شده اسباب خطر گردید. بجهة
دولت انگلیس   در سلطنت آلفرد کبیر که از ۲۵۸ تا ۲۸۸ هجری بطول
انجامید تمام انگلیسها را مطیع نموده و بمذهب عیسوی در آورد   در سلطنت اعقاب
آلفرد مجدداً اهالی دانمارک بنای تاخت‌وتاز گذاردند چنانچه برای حفظ امنیت
و رفاهیت رعیت سلاطین انگلیس مجبور نمودند که مبلغ گزافی به آنها بدهند
تا در سال ۴۰۷ در مجلسی که در لندن منعقد بود از امرای انگلوساکسن و دانمارک یکی
از رؤسای دانمارک موسوم به کانوت را بسلطنت انگلیس منتخب نمودند
کانوت در چهارصد و بیست و شش وفات کرد و پسرش بعد از او هفت سال
سلطنت کرد و پس از او ادوارد سیم که برادر پادشاه سابق بود بسلطنت رسید
چون او بلاعقب بود پس از او هارولد که یکی از امرا بود در ۴۵۸ سلطان شد
در همین سال گیلیوم ملک نرماندی با ۶۰ هزار نفر لشکر وارد انگلستان شده

و چند روز بعد از ورود در جنگ هستینگ قشون آنگلو ساکسون را شکست
داده و هارولد را مقتول ساخته خود پادشاه انگلستان شد و موسوم گشت به
گیلیوم اول و در ماه بعد در لندن تاج گذاری نمود و اولین سلطان بود از طبقه
پنجم که تا آن زمان بانگلستان دست یافته بودند   برعیت گیلیوم زبان
فرانسه و قواعد آنها در مملکت انگلیس انتشار یافت و مدتی هر چند عداوت بود
مابین اهالی نرمان که تازه آمده بودند و اهالی آنجا تا آخر الامر بنای اتحاد را گذاردند
و قواعد انگلیس را معمول داشتند   گیلیوم اول تا سال ۴۸۰ سلطنت کرد و هفت
سال متوالی زحمات فوق الطاقه متحمل شد تا انگلیسها را اطاعت آورد با اینکه
در این هفت سال مکرر سپاهیات اهل اکوس و دانمارک یاغیگری کردند
عاقبت روبرت نام پسر ارشد او در نرماندی بضد پدرش طغیان کرده و در جنگی که
واقع شد گیلیوم اول از اسب بزمین افتاد و مُرد   از کارهای او این بوده
تمام انگلستان را ملک مخصوص سلطان قرار داده بود و بدون اجازه او احدی حق
آن نداشت که مالک جائی باشد و تمام املاک به ۶۰۲۱۵ جزو منقسم نمود
که ۱۴۲۲ عدد از آن اجزا را بعنوان خالصجات برای خود نگاه داشت

و ۲۸۱۱۵

و ۲۸۱۱۵ جزوش را بکلیسا تفویض نمود و مابقی را با امرا و اعیان واگذار نمود و چون
تیولی از سلطان داشت مجبور بود که در وقت جنگ قشونی بنسبت آن
حاضر کنند و در آن زمان جمعیت انگلستان تقریباً چهار کرور بود پس از فوت
گیلیوم اول نرماندی به پسر ارشدش تعلق گرفت و انگلستان به پسر دویم
که گیلیوم دویم بود   و پسر سیم بعوض سهمیه مبلغی پول گرفت   گیلیوم دویم با اکوس
بنای جنگ گذارد و مالکوم پادشاه آن ولایت را در ۴۸۶ مقتول ساخت
و خودش هم در ۴۹۳ وفات کرد   بعد از او برادر کوچکش هنری اول
سلطان شد   چون روبرت ملک نرماندی که برادر ارشدش بود بخیال
سلطنت انگلستان افتاد لهذا با او ساز جنگ کرده و در [illegible]
روبرت را محبوس ساخت و مدت ۲۸ سال او را در حبس نگاه داشت و بواسطه
نرماندی مجدداً جزو انگلستان شد   هنری اول در ۵۳۰ فوت شد و بوصیت
او دخترش ماتیلدا بپادشاهی رسید که اول زوجه هنری پنجم امپراطور آلمانی بود
و بعد از فوت او بعقد گودفری پلانتاجنت کنت آنژو [illegible] در آمد
ولی استفن دوبلوا که نوه گیلیوم اول بود دعوی سلطنت نموده ببعضی تدابیر

استقلال یافت • در آنضمن روبرت پسر هنری اول درصدد برآمد که زمام
سلطنت را در دست خود گیرد • امراء و اعیان انگلیس سه فرقه شدند بعضی
از ماتیلدا حمایت میکردند و جمعی از استیفن و گروهی هم از روبرت و از این سبب
جنگهای متعدده واقع شد که استیفن محبوس گشت و در ۵۴۹ وفات کرد و هنری
دویم پسر ماتیلدا بلامعارض پادشاه شد و او اولین سلطان سلسله پلانتاژنت
بود و زوجه اش مالک پواتو و گوین بود و باین سبب قطعه بزرگی از فرانسه
جزو انگلیس درآمد • در سلطنت هنری دویم قشون انگلیس بجزیره ایرلند
داخل شده بسرداری خود سلطان دولت اکوس هم در ظل حمایت انگلیس درآمد
و چون رؤسای ملت کمال قوت و قدرت را پیدا کرده لهذا برخلاف
دولت حرکت مینمودند تا آنکه توماس بکت خلیفه بزرگ را در ۵۶۷ مقتول
ساختند • و هنری دویم بجهة حکومت عرفیه قانونی وضع نمود و چون او را
پسرهایش براو یاغی شده و در ۵۸۵ وفات یافت
پس از او پسرش ریشارد اول ملقب بشیردل که هنگام فوت پدرش در ولایت
شام با صلاح الدین در جنگ بود پادشاه شد قبل از مراجعت او برادرش ژان

چنین منتشر نمود که ریشارد فوت شده و بانتخاب خود برادرش سلطنش
قرار گرفت • و ریشارد در بین راه بدست دوک اتریش گرفتار شده و او به
هنری ششم امپراطور آلمانی تسلیمش نمود که محبوسش ساخت و رها کرد تا در سال
۵۹۰ مبلغ ۴ هزار من نقره از انگلیس گرفت و ریشارد آزاد شده بانگلستان درآمد
و برادرش را گذشت داد و چون خود او هم در ۵۹۵ بضرب تیری از پا درآمد
لهذا ژان مستقلاً بسلطنت رسید • ژان از حیثیت استعداد و قابلیت پست ترین
پادشاهان انگلیس بوده • بملاحظه اینکه سلاطین انگلیس دوک نرماندی بودند لهذا
در قید تبعیت سلاطین فرانسه بودند و چون فیلیپ دویم پادشاه فرانسه ژان را احضار
نموده او در رفتن انکار کرد باین سبب پادشاه فرانسه حکم تغیر او نمود و اکثر
املاک ژان را در مملکت فرانسه تصاحب نمود • در ۶۰۱ در باب تعیین
خلیفه کانتربری ژان با پاپ معارضه داشت و باین واسطه پاپ غضب
نمود که کلیه اهالی انگلیس به کلیسیا نروند و سلطان را ملعون و مردود ساخت
امرای انگلیس از این بابت بنهایت متأثر شده درصدد بودند که دست از
سلطان بردارند تا اسباب نجاتشان بشود و سکنه ها بر پا نمودند تا آنکه ژان

مجبور شده و از پاپ اطاعت نمود و برای جرم انکار در هر سال صد هزار
نقره به پاپ میداد • در ۶۱۱ از قشون فرانسه در جنگ بووین مغلوب شد
و در ۶۱۲ امرا او را مجبور نمودند که ماگنا چارتا را اصدار نماید و آن فرمانی بود که
متضمن مال و جان رعایای انگلیس بود و ۲۵ نفر از امرا منتخب شدند
بجهة اجرای این فرمان و انتخاب این اشخاص بنا و مأخذ پارلمان
انگلیس است • چندی بعد چون سلطان مطابق آن فرمان عمل نکرده اکابر و
اعیان از فرانسه و اکوس امداد خواستند و جزء اعظم مملکت انگلیس را
متصرف شدند و در همان اوقات در ۶۱۳ ژان وفات کرد و پسرش
هنری سیم که نه ساله بود بنیابت کنت پمبروک پادشاه شد و پنجاه و شش
سال سلطنت کرد • در ابتدای این سلطنت کنت پمبروک قشون فرانسه و اکوس
را از انگلستان خارج نمود و بعد با فرانسه جنگ آغاز کرد تا املاکی را که
ژان از دست داده بود بتصرف آورد و برخلاف هزیمت یافته قهراً
بعضی از املاک متصرفی را هم تا حد رود گارون بفرانسه تسلیم نمود
بسبب قحطی که در آن ملک واقع شده بود و بعلت اینکه پاپ و کشیشها

مبالغ گزاف از انگلیس میبردند اسباب شکایت عامه مردم گردیده تا در
سال ۶۵۶ سلطان را مجبور نمودند باینکه مجلسی منعقد نماید مرکب از ۲۴
نفر بجهة اجرای قوانین و تنظیمات از مخارج و ترتیبات امور دولت و نیز
مقرر گردید که این مجلس در هر سال سه دفعه منعقد شود و وزرا هم بتوسط
پارلمان معین شوند و کلیه امورات دولت در دست این مجلس باشد
تمام این فقرات را سلطان قبول نموده و تا چند سال هم امنیت بود تا در سال
۶۶۳ فرانسه و پاپ او را کمک نمودند و او جد و جهدی نمود که از قدرت
امرا بکاهد و آنها را مضمحل نماید • جنگ اول که در نورسامتون واقع شد امرا
مغلوب شدند ولی در جنگ دویم که در لوئیز اتفاق افتاد سلطان شکست خورده
و با برادرش ریشارد محبوس گشت • رئیس این امرا لیستر بود که مدتی امور
دولت در دست او بود و او اول شخصی بود که مجلس وکلای عامه را برقرار
نمود باین قسم که از هر بلوک و هر شهری دو نفر بوکالت اهالی آنجا به پارلمان
بفرستند • و ابتدای انعقاد این مجلس تازه در غره ربیع الاول ۶۶۳ بود
پسر سلطان محبوس که فرار کرده بود جمعی را گرد آورده هفت ماه بعد با لیستر جنگید

و او را مغلوب نموده مقتول ساخت و پادشاه را [illegible] پادشاه از آن گو
گشت پارلمان جبراً قبول نمود و بعد از شش سال دیگر وفات کرد بعد از او
پسرش ادوارد اوّل ولایت گال را که تاکنون مستقل بود متصرف نمود و پسر خود را
به پرنس دگال ملقب ساخت و از آن تاریخ بعد ولیعهد انگلیس صاحب
همین لقب است پس از آن جنگی با اکوس واقع شد در سیزده سال بطول
انجامید و والاس رئیس اهالی جبال اکوس مقتول گشت بعد از او روبرت
بروس از اهل اکوس بپادشاهی انتخاب گردید ادوارد اوّل در ۷۰۷
فوت کرد و در سلطنت او تمام یهودان از انگلیس خارج شدند
ادوارد دویم پسر او پادشاه ضعیف بود و در جمیع موارد بمیل امرا رفتار میکرد
در ۷۱۴ از بروس سلطان اکوس شکست خورده و بعد از اغتشاشات زیاد
امرا از زنش را تحریک نمودند و او را بقتل رسانیدند بعد از او پسرش ادوارد
سیم بسلطنت رسید ابتدا مطابق میل مادرش رفتار میکرد ولی در ۷۳۰
مادرش را بحبس ابدی انداخت و بواسطه جنگیکه با اکوس نمود تمام آن مملکت را
بسلطه تصرف درآورد چون مادرش خواهر پادشاه فرانسه بود بعد از فوت او

در طلب سلطنت فرانسه برآمده با قشونی فراوان در مملکت فرانسه داخل شد
در جنگ اوّلی فتح کرده پادشاه فرانسه را محبوس ساخت و املاک زیاد بتصرف
درآورد ولی در جنگ بعد تمام آن املاک بجز شهر کاله بفرانسویها مسترد شد
در ایّام سلطنت او پارلمان مرکب از چهار مجلس بود ۱ مجلس کشیشها ۲ مجلس
امرای بزرگ ۳ مجلس اعیان پست تر از آنها ۴ مجلس عامه
و بعد منحصر بدو مجلس گردید یکی مجلس خاص مشتمل بود بر کشیشها و امرای بزرگ
دویم مجلس عام از اعیان پست تر و عوام در آنجا بعضو [illegible] ابتدای استعداد بحریه
انگلیس در این سلطنت بود در ۷۷۹ وفات یافت
نوه او ریشارد دویم بر تخت نشست در این عصر بواسطه سرانه که از مردم
میگرفتند تمام اهالی انگلیس بسرداری وات طیلر یاغی شدند
بعد از این واقعه با سه نفر عموی خود جنگهای عدیده نمود و آخر الامر
بر آنها غالب آمد در ۸۰۱ یکی از اعمام نفیی هنری پسر دوک لانکاستر
بهمراهی بعضی از امرا طغیان نموده سلطان را باستعفا مجبور نمود
و خود باسم هنری چهارم سلطان شد و اولین پادشاه سلسله لانکاستر بود

در همان سال ریشارد دویم در حبس مُرد و برخی گویند که از گرسنگی جان
داد در این سلطنت هم مجدداً امرا بنای خودسری گذاردند و اهالی
گال هم بکمک فرانسه و اکوس یاغی شدند ولی در تمام این جنگها هنری چهارم
فتح کرد و اغتشاشات مذهبیه نیز شروع شد مخصوصاً به تحریک
ویکلیف که برخلاف کاتولیک و پاپ عمل مینمود و کثیری از آن
فرقه سوزانیده شد بعد از او در ۸۱۶ پسرش هنری پنجم بسلطنت رسید
و تا ۸۲۵ سلطنت میکرد او هم در طلب سلطنت فرانسه برآمد و با
سی هزار نفر قشون داخل مملکت فرانسه شد و در ۸۱۸ در جنگ اجین کورت
فرانسویها را شکست داد و در جنگ دویم شارل ششم پادشاه فرانسه دخترش را
بعقد هنری پنجم درآورد و او را ولیعهد فرانسه نمود پس از فوت هنری
پنجم پسرش که طفل نه ماهه بود موسوم به هنری ششم پادشاه انگلیس و فرانسه شد
نایب او در فرانسه عمویش دوک بدفرد بود و در انگلیس دوک گلوستر
پسر پادشاه گذشته فرانسه لشکری فراهم کرده و با انگلیس جنگ نمود و در تمام نقاط
مغلوب گشت تا ژان دارک دختری از شهر اُرلئان قشون فرانسه را با

با انگلیس مواجه نموده و آنهارا در چند جنگ شکست داد ولی در ۸۳۲ این
دختر بدست انگلیس مقید شد و در شهر رُوان سوزانیده شد اما در فرانسه
هنوز عمل جنگ باقی بود در ۸۴۴ مارگریت از خانواده انجو در انگلیس
سلطنت داشت در ۸۵۵ ریشارد دوک یورک یاغی شده و مابین
طایفه یورک و لانکاستر جنگ برپا شد که مدت سی سال بطول انجامید و معروف
گشت بجنگ دو گل زیرا که علامت یکی از این طوایف گل قرمز
بود و علامت طایفه دیگر گل سفید بعد از جنگهای بسیار ریشارد دوک
یورک در ۸۶۵ گرفتار و فوراً مقتول گشت و پسرش ادوارد در
سال بعد در لندن تاج بر سر نهاد و ملقب گشت بادوارد چهارم و اولین
سلطان سلسله یورک بود در آن ضمن هنری ششم محبوس گشت و در ۸۷۵
یکی از امرای وارویک نام او را مستخلص نمود و با ادوارد چهارم جنگیده [illegible]
پس ادوارد از بورگونی امداد خواسته وارویک را بقتل رسانید و هنری ششم
و زوجه اش مارگریت و پسرش هر سه را محبوس ساخت بعد پسر هنری ششم
با جمعی از امرای لانکاستر را مقتول ساخت و هنری ششم هم در همان ایام فوت شد

پس از این حوادث ادوارد چهارم مشغول دفع شرارت برادر خود گردید و با
فرانسه و اکوس هم نیز جنگ داشت در ۸۸۸ وفات کرد و پسرش
ادوارد پنجم بمعاونت عمویش ریشارد دوک گلوستر برادر که
سلطنت نشست سه ماه بعد همان دوک ادوارد پنجم و برادرش را کشت
و خود باسم ریشارد سیم پادشاه شد این رفتار ناشایسته او باعث امراء و سایر
متعلقین گردید و هنری تودر کنت ریچمند را بسلطنت اختیار نمودند و به کمک
دولت فرانسه در ۸۹۰ ریشارد را در جنگ بوزورث کشته و بتخت
رسانیدند و هنری تودر باسم هنری هفتم پادشاه شد و در واقع پسر اون تودر بود
و پسر زن هنری پنجم و باین واسطه خانواده طیود در سلطنت انگلستان
نایل شدند در اوایل سلطنت دو نفر مدعی شده و بنای یاغیگری گذاشتند
هر دو را دستگیر نمودند یکی را بقتل رسانیدند و دیگری را در آشپزخانه شاگرد
نمودند هنری هفتم سلطانی عادل و نیکوکار بود و در سلطنت او تمام مردم
در آسایش بودند و در اول محرم ۹۱۵ وفات کرد و مبلغ ۱۲ کرور تومان
در خزانه ذخیره گذارد پسرش هنری هشتم بسلطنت رسید

هنری جنگی با فرانسه نمود بر آنها غالب آمده در ۹۲۰ صلح نمود در آن ضمن
پادشاه اکوس باقشون خود و فرانسه داخل انگلیس شده او نیز در جنگ
فلودن در سال ۹۱۹ مغلوب گشت و بقتل رسید و مور دولت در این
عصر مدت کاردینال ولسی بوده در ۹۳۷ وفات کرد در ۹۳۱ جنگ
دویم با فرانسه واقعشد و نتیجه نبخشید هنری هشتم چون پس از یک دختر از زنش
و بای را این بوده وارث ذکور داشته باشد از پاپ استدعا نموده باین
او و زنش طرح طلاق افکند پاپ باین امر راضی نشد و این مطلب اسباب
منازعه گردید بین پاپ و سلطان انگلیس و در ۹۴۰ هنری هشتم کلیسای انگلیس را
از تحت اطاعت و ریاست پاپ خارج کرد و ریاست مذهبیه را هم در
عهده خود گرفت و زنش را طلاق گفت و اکثر املاک موقوفه متعلق
بکلیسای انگلیس را که نصف تمام املاک انگلیس بود تصاحب نمود و زن
دیگر بعقد خود در آورد در ۹۴۲ زن دویم را بقتل رسانید و زن دیگر گرفت
و او در ۹۴۴ وفات یافت در ۹۴۶ زن چهارم گرفت و شش ماه بعد او را
طلاق داد و زن پنجم را بعقد خود در آورد و بعد از هیجده ماه او را هم مقتول ساخت

در ۹۵۱ جنگ سیم با فرانسه آغاز کرد و در آن ضمن هم زن ششم را بنکاح
در آورد و کمی بعد در ۹۵۴ وفات کرد در این سلطنت از باب گفتگوی
مابین سلطان و پاپ غفلتش زیاد واقع شد و چون کاتولیک ها احکام
سلطان را بر ضد پاپ نمی پذیرفتند بر آنها صدمه وارد می‌آورد و علاوه
مابین پروتستان و کاتولیک هم گفتگوی بسیار بود پس از فوت او
ادوارد ششم که از زن سیمش بود بپادشاهی رسید در این سلطنت مذهب
پروتستان کمال قوت را گرفت تا در ۹۵۹ تمام اهالی انگلیس و سلطان بمذهب
پروتستان در آمدند در ۹۶۰ او فوت شد و ماری خواهرش که از زن اول هنری
هشتم بود بسلطنت رسید فیلیپ دویم از خانواده اسپانی او را بعقد خود در آورد
و به کمک اسپانی با فرانسه جنگ نموده مغلوب گشت و شهر کاله که فقط از متصرفات
انگلیس در فرانسه بود از دست رفت در سلطنت ماری ظلم بسیار به پروتستانها
وارد آمد و کثیری از آنها را سوزانیدند در ۹۶۶ وفات کرد و الیزابت
که دختر هنری هشتم از زن دویمش بود بسلطنت رسید او مجدداً مذهب پروتستان
را ترویج نمود و بعد منازعاتی مابین انگلیس و اکوس واقع شد و ملکه اکوس

ماری ستوارت از اکوس فرار نموده به الیزابت پناه برد ولی الیزابت او را
محبوس ساخت و پس از چند سال بقتل رسانید در این سلطنت ترقی بسیار
در امور فلاحت و تجارت واقعشد و کارخانجات بسیار بجهت ساختن آلات
فلزی و ابریشم دایر شد در ۱۰۰۹ کمپانی تجارتی هندوستان برپا گردید که
شروع نمودند به تسخیر هندوستان الیزابت نیز استعداد جنگی در بحر تهیه
نمود و کثیری از اجزای جهازات اسپانی را که در ۹۹۶ بانگلستان حمله بحری
مضمحل نمود در امریکای شمالی هم خاکی متصرف در آورد و جهازات انگلیس
در تمام بحار سرداری را یافته و در همه فتح کردند الیزابت در ۱۰۱۱ فوت شد
و در تمام عمر شوهر اختیار نکرد ژاک ششم از اهل اکوس که پسر ماری ستوارت
مقتول بود پادشاه انگلیس شد و موسوم گشت بژاک اول انگلیس و بتوسط او
سلطنت انگلیس بخانواده ستوارت رسید این سلطان بسیار سخی طبع
و بذول بود با اینکه در زمان او جنگی واقع نشد در ۱۰۳۴ هنگام فوتش
دولت بسیار مقروض بود پس از او شارل اول پسرش بسلطنت رسید و او
نیز بسیار سخی بود و از پاپ مخارج گزافه مینمود مکرر بر مالیات افزودند و بعضی

رسالت مقرر شد اسباب اغتشاش در مملکت گردید و ما بین سلطان و
پارلمان کشمکش برخواست و اغتشاشات مذهبیه ما بین کاتولیک و پروتستان
هم زیاد شد جمعی از اجزای مجلس عامه در پارلمان از باب مصارف زیادی
که سلطان مینمود وزرا را مذمت میکردند و دو نفر آنها را کشتند و تمام مباشرین
و کارگذاران دولت را تغییر دادند در ۱۰۵۱ یاغیگری بزرگی در ایرلاند
واقع شد و بعد از آن اهالی انگلیس از سلطان استدعا نمودند که بعضی از امورات
دولت را با پارلمان واگذارد چون نپذیرفت در ۱۰۵۹ گرفتار و مقتول گشت
و از طرف پارلمان سلطنت منسوخ شد و انگلیس و اکوس و ایرلاند از ۱۰۵۹
تا ۱۰۶۳ جمهوری بودند بریاست پارلمان و از ۱۰۶۳ تا ۱۰۶۸ بریاست
الیور کرمول و بعد یکسال هم بریاست ریشارد کرمول بود در این جمهوری
در ایرلاند و اکوس اغتشاشاتی واقع شد و در بعضی مواضع پسر شارل اول مقتول را
بسلطنت انتخاب نمودند و بواسطه بعضی قوانین بحریه که دولت انگلیس قرار
داده بود جنگ بزرگی در بحر ما بین انگلیس و هولاند واقع شد و در بعضی از
جنگها جهازات هولاندی شکست خوردند و جمهوری هم با پرتقال و اسپانی

و فرانسه

و فرانسه جنگ نمود و از اسپانی جزیره ژامائیک را گرفت و از فرانسه شهر
دنکرک را و متوسط کرمول رئیس جمهوری انگلستان یکی از دول معظمه اروپ
شد و در آفاق میتوان گفت که کرمول بانی اقتدار و اعتبار دولت انگلیس
بوده بعد از او پسرش هشت ماه ریاست کرد و چون اهالی انگلیس از وضع
جمهوری خسته شده پسر پادشاه مقتول را که شارل دویم موسوم بود در ۱۰۷۰
بسلطنت خود انتخاب نمودند او اول دفعه عفو نمود از اشخاصی که پدرش را
کشته بودند و بعضی از قضات را که فتوای قتل پدرش را داده بودند بقتل
رسانید و سیاست نمود با وجود اینکه پارلمان جدید در هر سال مبلغ هشت
کرور برای مصارف سلطان منظور میداشت معهذا ابداً کافی نداشت
شهر دنکرک را که کرمول از دولت فرانسه گرفته بود با نها فروخت و
قشون را هم اخراج نمود و ولایت اکوس که هنگام جمهوری با انگلستان ملحق
بود منفصل گشت و پارلمان علیحده بجهة خود قرار داد شارل دویم
و برادرش دوک دیورک بود هر دو بمذهب کاتولیک بودند شارل دویم
چون دختری از خانواده سلطنتی پورتقال را بعقد خود آورده بود ملک بندر

منجر گردید با هولاند جنگ نموده مغلوب گشت و پلتیک انگلیس در آن
زمان مطابق رأی فرانسه بود در این سلطنت فرمانی صادر شد موسوم بهابئس
کرپس که متضمن است حفظ جان عموم رعایا را در اواخر سلطنت گفتگوی بسیار
ما بین سلطان و پارلمان واقع شد و جمع کثیری از امراء و غیره بقتل آمدند
در ۱۰۹۶ شارل دویم وفات یافت و برادرش دوک یورک بنام ژاک
دویم پادشاه شد چون بمذهب کاتولیک بود و بآن طایفه مرحمت مینمود
باین سبب اهالی انگلیس شورش کردند و در ۱۱۰۰ پرنس گیلیوم از خانواده اورانژ را
که شوهر ماری دختر ژاک دویم بود بسلطنت دعوت کردند پرنس گیلیوم با ۱۵
هزار نفر وارد انگلستان شده ژاک دویم فرار اختیار کرد و گیلیوم و ماری که
بسلطنت رسیدند و مقرر گردید که بعدها پادشاه انگلیس پروتستان باشد و دولت
فرانسه برای اینکه ژاک دویم مجدداً منصوب شود از او تقویت نمود ولی در
۱۱۱۳ ژاک دویم وفات کرد و فرانسویها از پسر او حمایت کردند بعد از فوت
ماری در ۱۱۱۷ خواهرش آن که زوجه ژرژ دانمارک بود بتخت نشست در این
سلطنت اکوس و انگلیس ملحق شده در تحت یک پارلمان درآمد و بنام بریتانی

کبیر

کبیر موسوم گشت در جنگی که با فرانسویها واقع شد قشون انگلیس بسرداری
دوک مارل بورو شکست فاحش خورده و در ۱۱۲۵ صلحی منعقد شد و بر
مقتضای آن بعضی توابع فرانسه در امریک متصرف انگلیس افتاد ملکه آن
در ۱۱۲۶ وفات کرد پس از او سلطنت به نوه دختر
ژاک اول یعنی جرج اول الکتر هانور منتقل شد و سلسله هانور از آن تاریخ
تا حال سلطنت میکنند در ۱۱۴۰ جرج اول مرحوم و جرج دویم پادشاه شد با فرانسه
و اسپانی جنگ داشت در ۱۱۵۸ ژاک سیم وارد اکوس شد و بامداد دولت
فرانسه شهر ادنبورگ را مسخر نمود و بعد داخل انگلستان شده ولی در جنگ
کالودن مغلوب گشت و فرار نمود در ۱۱۶۹ مجدداً با فرانسه جنگ واقع شد
و در ۱۱۷۲ از فرانسویها شهر کالکاته گرفته شد و در ۱۱۷۳ کانادا از آنها
گرفته شد و اهالی فرانسه را از هندوستان خارج کردند جرج دویم ۱۱۷۲
وفات یافت و جرج سیم پسر او با فرانسه صلح بست و در آن وقت قرض
دولت انگلیس به ۹۲۰ کرور تومان رسیده بود برای تخفیف این قرض
بر مالیات افزودند ولی توابع امریک متحمل این مالیات گزاف نشدند

و باین واسطه در امریکا بنای اغتشاش را گذاردند آن در ۱۱۹۰ سیزده عدد از
توابع انگلیس را مستقل خواندند و جمهوری انعقاد یافت و آن ابتدای آتازونی
بود پس از جنگهای متعدد در سال ۱۱۹۶ دولت انگلیس با آتازونی صلح کرد
و جمهوری آزاد قبول نمود و در سال بعد هم با فرانسه و اسپانی صلح بست
و اسپانی بعضی توابع خود را از انگلیس مسترد ساخت مخارج این جنگ بجهة
دولت انگلیس هشتاد کرور تومان شد بعد از این جنگ در هندوستان واقع شد با
حیدر علی میسوری و تیپو صاحب و ماراتی در ایرلند نیز یاغی گری نمود و چون
در ۱۲۰۷ اهالی فرانسه لوئی شانزدهم را کشتند مجدداً با فرانسه جنگ شروع شد
اسپانی و هولاند و پروس و اطریش در اول با انگلیس متحد بودند ولی در ۱۲۱۲
تمام این دول با فرانسه صلح بسته و انگلیس تنهائی با فرانسه جنگ نمود و در
تمام نقاط هم فتح کرد استعداد بحریه فرانسه را از بحر مدیترانه خارج کرد
و قشون فرانسه را از هند غربی و شرقی بیرون کرد و چون هولاند در
این واقعه با فرانسه ملحق شده بود توابع هلاند را از قبیل سرازیب جنوب
افریقیه و ماکالدرا از تصرف او خارج کرد در ۱۲۱۴ دول اروپ مجدداً

برضد فرانسه با انگلیس ملحق شدند و باز این دول در ۱۲۱۶ از فرانسه شکست
خورده صلح کردند و انگلیس تنها ماند و چون در سال بعد قروض دولت
به ۴۰۰ کرور تومان رسیده با فرانسه صلح کردند و اکثر توابع که از اسپانی
و هولاند و فرانسه بتصرف آورده بود مسترد ساخت در ۱۲۱۸ مجدداً
با فرانسه جنگ شد و دو سال بعد بعضی از دول اروپ با انگلیس متفق شدند
ولی شکست یافته مغلوب شدند و انگلیس تنها جنگ نمود و این نوبت
نیز فرانسویها را در همه جا شکست داده تمام توابع را متصرف شد و بعد ناپلیون
تمام دول اروپ را مجبور نموده بازار خود را بر تجارت انگلیس مسدود کنند
تا از این راه شکستی در تجارت آنها واقع شود ولی کشتیهای انگلیس جهازات
دول دیگر را میگرفتند و بزور یا بطور مخفی داخل میکردند در این وقت تمام استعداد
بحریه دانمارک در زلند کپنهاک جمع بود بملاحظه اینکه مبادا این کشتیها
بدست ناپلیون افتد از دولت دانمارک خواهش نمودند تمام آنها را به بندر
انگلیس بیاورد و چون دانمارک این خواهش را قبول ننمود در ۱۲۲۲ کشتیهای
انگلیس به کپنهاک آمده و چهار روز متوالی آن شهر را گلوله ریزی نمودند

و ۲۴ فروند کشتی دانمارک را متصرف گردیدند دانمارک باین سبب بفرانسه ملحق
شده و روس هم با او همراهی کرد و هر سه دولت با انگلیس بنای جنگ گذاردند
دولت انگلیس توابع دانمارک را متصرف نمود و استعداد بحریه روس را دستگیر
ساخت و فرانسه را هم شکست داد در ۱۲۲۶ ژرژ سیم
بمرض جنون مبتلا گشت و پسرش از جانب او سلطنت میکرد و بعد مدت سه
سال با آتازونی جنگ داشتند در ۱۲۲۹ اکثر دول اروپ با انگلیس ملحق شده
با فرانسه بنای جنگ گذاشتند دولت انگلیس ۴۸ کرور تومان بجهة مخارج جنگ
بدول دیگر داد ناپلیون شکست خورده و در ۱۲۲۹ اولین عهدنامه پاریس
منعقد شد جزیره مالته و جزایر دیگر از فرانسه و سرازیب و بعضی توابع
از هولاند و بعضی جزایر از دانمارک بدولت انگلیس تعلق گرفت و قرض دولت
بعد از اتمام جنگ فرانسه به ۵۴۲ کرور تومان بود و برای ادای مداخل آن بر مبلغ
مالیات افزودند و باین سبب اغتشاش بروز کرد تا در ۱۲۳۶ ژرژ سیم
وفات کرد بعد از آنکه ۶۰ سال سلطنت کرده بود بعد از او پسرش ژرژ
چهارم پادشاه شد و او در ۱۲۴۶ درگذشت و گیلیوم چهارم بسلطنت رسید

و در ۱۲۴۹ از طرف دولت مقرر گردید که کمپانی تجارتی هندوستان که
سابق ذکر شد بهم زنند مشروط بر اینکه منفعت کمپانی را سالی چهار کرور تومان
محدود کنند و باقی عایدی آنجا را در عرض بیست سال از بابت سرمایه
سرمایه بپردازند گیلیوم چهارم در ربیع الثانی ۱۲۵۳ وفات یافت
و ویکتوریا دختر دوک کنت بر تخت نشست و ولایت هانور که متجاوز از
یکصد سال جزو انگلستان بود بملاحظه اینکه سلطان آنجا باید از طبقه ذکور باشد
از دولت انگلیس مقطوع شد و دوک کمبرلاند پادشاه هانور شد
در سلطنت ویکتوریا که فعلاً ۵۲ سال طول انجامیده دولت انگلیس یک
جنگ بیش نداشته آنهم کمک فرانسه و عثمانی با دولت روس بوده و مطابق
عهدنامه پاریس در ۱۲۷۲ باتمام رسید ولی از باب توابع زیاده در
خارج احداث نموده در تمام نقاط جنگهای متعدد داشتند از آن جمله در ۱۲۵۴
جنگ در افغانستان واقع شد و بعد از اتمام آن وزیر مختار با قشون انگلیس
در کابل توقف کردند و تمام لشکر در زمستان ۱۲۵۷ از دست افغانها
بقتل رسیدند و در سال بعد قشون دیگر بآنجا رفت و تلافی این عمل را نمود

در ۱۲۵۸ جنگ چین واقع شد و در واقع چین مجبور شده بعضی بنادر جهة
تجارت دولت چین مفتوح سازد و علاوه ۲۸ کرور تومان نقد بدهد در ۱۲۶۵
طوایف سیک در پنجاب یاغی شدند در ۱۲۶۹ بنادر ماجنگ واقع شد و شهر رانگون
بتصرف انگلیس درآمد در ۱۲۷۲ دولت ایران هرات را بجنگ متصرف نمود
دولت انگلیس با ایران جنگ کرد در همان سال هم مجدداً جنگی با چین واقع شد
و بعد از گلوله ریزی شهر کانتون دولت چین بعضی بنادر دیگر را برای تجارت انگلیس
مفتوح ساخت و ۱۴ کرور تومان هم وجه نقد داد در ۱۲۷۳ شورش عظیمی
در هندوستان واقع شد و دفع آن اسباب خسارت کلی بجهة دولت
انگلیس گردید و در همان سال بعد قرارداد کمپانی تجارت هندوستان باتمام رسید و تمام
املاک هند شرقی جزو قلمرو انگلیس گردید در ۱۲۷۷ جنگ سیم با چین واقع شد
در ۱۲۸۴ جنگ حبشه درگرفت در ۱۲۹۰ و ۱۲۹۶ جنگها در افریقا اتفاق
افتاد در ۱۲۹۶ افاغنه در کابل وزیر مختار انگلیس را کشتند و جنگ
دویم افغانستان شروع شد یعقوب خان را اسیر نموده و در ۱۲۹۹ عبدالرحمن خان را
بامارت آنجا معین نمودند در ۱۲۹۹ نیز مجدداً جنگی در جنوب افریقا واقع شد در ۱۳۰۰

طغیان عربی پاشا در مصر سبب شد دولت انگلیس قشون بطرف مصر حرکت
دهد و از آنوقت تاحال قشون انگلیس در مصر متوقف است و با طوایف سودان
و غیره در جنگ میباشند و در ۱۳۰۲ دولت برمانی جزو انگلیس شد
پادشاه حالیه ملکه ویکتوریا است ملقب بپادشاه انگلیس و قیصر هند در ماه رجب
۱۲۳۴ متولد شده و در ۱۲۵۵ بعقد آلبرت دوک ساکس کوبرگ گوتا درآمد
ولیعهد انگلیس که تولدش در ۱۲۵۷ بوده دختری از خانواده دانمارک را بنکاح
خود درآورد مخارجیکه سالیانه بجهة سلطان انگلیس و اولادش مقرر است
چهار کرور و نیم است امورات دولت در دست پارلمانی است
که دارای دو مجلس است یکی مجلس خاص که ۵۶۰ نفر اجزاء دارد و مجلس عام ۶۷۰
وزرای متعدد دارد که عمده آنها از این قرار است وزیر امور خارجه لورد
چانسلور یعنی وزیر عدلیه و خازن مهر دولتی و رئیس القضات وزیر مالیه
وزیر خزانه وزیر داخله وزیر جنگ وزیر بحر وزیر تجارت
وزیر توابع وزیر هندوستان وسعت بریتانی کبیر ۷۶۰۰ فرسنگ
مربع است با ۳۷ کرور جمعیت که یازده کرورش کاتولیک میباشند باقی

در سال ۶۲۰ کرور است که ۱۵۵ کرورش از ممر گمرک عاید میشود
و ۳۸۵ کرور از بابت رسومات املاک و غیره و ۸۰ کرور هم از ممر پست
و تلگراف عاید میشود قرض دولت در سال ۱۱۰۰ ۴ کرور تومان بود در
۱۲۰۷ یکهزار و ششصد کرور شد در ۱۲۳۰ به پنجهزار و هشتصد و پنجاه کرور رسید
و فعلا پنجهزار کرور است در مملکت انگلیس تقریباً ۴۰ هزار باب مکتبخانه است
با ده کرور نفر شاگرد و هشت باب یونیورسیطه بزرگ دارد با چند باب
کوچک که ۲۴ هزار نفر شاگرد دارد قشون در وقت امن در انگلیس
۱۵۰ هزار نفر و در هندوستان ۷۱ هزار نفر با ۳۶۰ عراده توپ
مخارج قشون در سال ۱۲۵ کرور و استعداد بحریه که مخارجش در سال
۸۵ کرور است در وقت امن مرکب است از ۱۹۳ فروند تجاری با ۶۳
هزار نفر اجزاء و ۲۶۰ فروند شراعی و ۷۱ فروند زره پوش دارد که
گنجایش ۴۲ فروندش از حدود ۲۱ الی ۳۵ هزار خروار است استعداد
تجارتی در بحر ۷۵۰۰ فروند تجاری و ۳۰ هزار فروند شراعی با ۲۰۰ هزار نفر
اجزاء عمده حاصل معدنی آهن است و ذغال سنگ و غله و ماهی نیز

فراوان دارد و کارخانجات عمده دارد برای نسج پنبه و پشم و ساختن
الآت آهن و فولاد طول خط راه آهن ۵۷۵۰ فرسنگ است طول خط
تلگراف ۴۴ هزار فرسنگ با ۶۰۰۰ باب تلگرافخانه تا ۱۴ هزار
باب پستخانه دارد که در سال گذشته ۲۴۰۰ کرور پاکت حمل کرده پایتخت
تمام بریتانی لندن است با ۴ کرور و نیم جمعیت و از شهرهای معتبرش
لیورپول است با ۶۰۰ هزار جمعیت بیرمنگهام با ۴۵۰ هزار نفر مانچستر
با ۴۰۰ هزار نفر گلاسکو با ۷۰۰ هزار نفر وادینبورگ و دوبلن
هر کدام با ۲۰۰ هزار نفر واحد نقد در انگلیس لیره است بنرخ حالیه
سه تومان و چهار هزار وزن پوند است معادل ۹۸ مثقال واحد طول
یارد است معادل ۱۴ گره

توابع انگلیس در اروپ جزیره کوچک است و شهر جبرالتار بوسعت
هفت فرسنگ و نیم مربع و ۱۸۵ هزار نفر جمعیت در آسیا هند
شرقی با بعضی جزایر بوسعت ۱۲۰ هزار فرسنگ مربع و ۲۵۰ کرور جمعیت
در افریقا بوسعت ۳۰ هزار فرسنگ مربع و ۶ کرور جمعیت در امریکا

بوسعت ۲۲۰ هزار فرسنگ مربع و ۱۳ کرور جمعیت در استرالی و جزایر
۲۰۰ هزار فرسنگ مربع با هفت کرور جمعیت پس وسعت تمام قلمرو انگلیس
۵۸۷۶۰۰ فرسنگ مربع میشود با ۳۰۶ کرور جمعیت
اعظم توابع هند شرقی است که پایتختش در سال ۳۸۰ کرور میشود و ۱۲۵
کرور نفر جمعیت دارد و ۴ هزار فرسنگ خط راه آهن دارد و ۲۵۰۰ هزار فرسنگ
خط تلگراف است واحد نقد در آنجا روپیه است بقیمت در ایالاتش
مختلف است و واحد طول مثل انگلیس است

در شرح اطریش و مجارستان

مملکت و قطعه اطریش مشهور است سابقا در ایالات روم بود و ۲۴۰ سال
قبل از هجرت اکثر آن بدست اهل ورزگوت افتاد چون آنها با هانی و فرانسه
رفتند طایفه هونز جای آنها را گرفتند و بعد بترتیب اهل استروگوت
و لنگوبارد و آوار در آن ولایت سکنی کردند و در ۱۸۰ هجری پسر شارلمان باین طرف
قشون کشیده آنجا را جزو سلطنت آلمانی کرد در اواخر مائه سیم اهل مجار با آنها آمده
و طایفه باویر را شکست داده ودر دره شمالی رود دانوب منزل گرفته در

۳۲۳ لئوپلد از طایفه بابن برگ حکومت پیدا کرد بر قطعه که از باویر
منتزع بود تا نزدیک شهر وین و این قطعه موسوم گشت به اتریش یعنی مرز شرقی و
اعقاب او تا ۶۴۴ در آنجا سلطنت کردند و وسعت آن ۳۵۰
فرسنگ مربع بود در ۵۵۱ والی اتریش به دوک ملقب شد و در آن زمان
وسعت اتریش ۹۸۰ فرسنگ مربع رسید و چون این سلسله در ۶۴۴
منقرض شد اتریش بدست اشخاص مختلف افتاد تا در سال ۶۸۱
رودلف از خانواده هابسبورک که در آلمانی سلطنت داشت آن قطعه
زمین را به پسرش آلبرت اول واگذار نمود و از آن تاریخ تا حال مملکت اتریش
در دست سلسله هابسبورک است آلبرت اول در ۷۰۷ مقتول شد
و پسرش فردریک سیم که شاه بود در ۷۲۰ وفات کرد و آلبرت دوم تا ۷۵۹
سلطنت کرد برادرزاده پسرش رودلف از ۷۵۹ تا ۷۶۷ سلطنت نمود
و او بانی یونیورسیته وین بود چون اولادی نداشت دو برادرش مملکت را قسمت نمودند
یکی موسوم به آلبرت سیم اتریش سفلی را متصرف شد و تا ۷۹۸ سلطنت کرد دیگری
لئوپلد سیم بود که اتریش علیا را تصاحب نمود

پس از آلبرت سیم آلبرت چهارم بسلطنت رسید و چون او در ۸۰۲ درگذشت
آلبرت پنجم بر تخت نشست علاوه بر اتریش موراوی و بوهم و مجارستان هم
در تصرف او بود و در سال ۸۴۲ پادشاه آلمانی شد در حالتی در جنگ با عثمانی
فوت شد و پسرش در ۸۶۲ وفات کرد و با فوت او سلسله اتریش سفلی بانتها
رسید و تمام اتریش بتصرف سلسله اتریش علیا افتاد و فردریک پنجم که
اتریش شد و باسم فردریک سیم پادشاه آلمانی شد و در ۸۹۸ فوت شد و تاج سلطنت
به پسرش ماکزیمیلیان اول رسید در سلطنت او اتریش یکی از دول معظمه شد
سلطان عثمانی بایزید دوم را در ۸۹۷ شکست داد و مجارستان را بتصرف آورده و مولداو
و والاشی نیز بدست او افتاد در ۹۲۵ وفات کرد و پسرش شارل پنجم پادشاه شد
او از سلطنت آلمانی و اتریش استعفا کرده به برادرش فردیناند اول تفویض نمود
و او بجهت حفظ مجارستان علی الاتصال با دولت عثمانی در جنگ بود و آخر الامر سلطان
سلیمان کبیر تمام مجارستان را بتصرف در آورد و در ۹۳۵ شهر وین را محاصره
نمود و بعد امداد از خارج رسیده محصورین را متفرق ساختند بعد از آن هم جنگ دیگر
واقع شد تا در ۹۷۰ صلح بستند و خاک زیادی بتصرف عثمانی آمد فردیناند

اول در ۹۷۱ مرد و مملکت بین سه پسرش منقسم گردید یکی از آنها ماکزیمیلیان
دوم اتریش و بوهم و مجارستان را متصرف نمود و ما بقی را فردیناند و شارل ضبط نمودند
سلطان سلیمان فوت شد ماکزیمیلیان دوم با عثمانی عهد بست و در سلطنت او
در رفاهیت و امنیت بود در علوم و صنایع ترقی بسیار واقع شد و مذهب پروتستان
هم ترقی نمود در ۹۸۴ فوت شد و پسرش رودلف دوم امپراطور آلمانی و پادشاه
مجارستان و بوهم گردید برادرانش با او معارضه نمودند و یکی از آنها ماتیاس بود
در ۱۰۱۷ در مجارستان و اطریش و موراوی سلطنت پیدا کرد و چون در ۱۰۲۰ رودلف
دوم وفات کرد ماتیاس امپراطور آلمانی شد در ۱۰۲۷ اهالی بوهم یاغی شدند
و مقدمه شروع جنگ سی ساله گردید و در سال بعد سپاهی و قشون دیگر داخل
خاک اتریش شدند ماتیاس فوت شد و فردیناند دوم امپراطور شد و او هم
در ۱۰۴۶ وفات کرد و فردیناند سیم امپراطور شد در سلطنت او جنگ
سی ساله بانتها رسید و ولایت آلزاس بفرانسه تعلق گرفت برادرزاده پسرش لئوپلد
اول در ۱۰۶۶ بر تخت نشست و او با دولت عثمانی جنگ نمود و در ۱۰۹۴
دویست هزار نفر قشون عثمانی بسرداری قره مصطفی شهر وین را دو ماه محاصره نمودند

ولی هشت حوزه معاودت کردند و عاقبت در ۱۰۹۷ مجارستان از دست
عثمانیها گرفته شد بعد از وقوع جنگهای کبیر مابین آتریش و عثمانی در ۱۱۰۹ صلحی منعقد شد
که جهة آتریش کمال فایده را داشت در سنه ۱۱۱۱ ژوزف اول امپراطور شد
دور سلطنت او اهل مجارستان یاغی شده بعد از زحمات زیاد در سنه ۱۱۲۳ باطاعت
آمدند در ایام شارل ششم امپراطور شد او هم جنگهای متعدد با عثمانی نمود و در ۱۱۵۳
مُرد ماری طرز دختر او که زوجه فرانسوا دو لورن بود بتخت نشست در ۱۱۵۰
خاک لورن را با توسکان معاوضه نمود در سلطنت ماری طرز فردریک کبیر پادشاه
پروس بود در جنگ اولی که در ۱۱۵۵ مابین این دو دولت واقع شد سیلزی
۲۰۰ فرسنگ مربع از اراضی آتریش بدست پروس افتاد و سه کرور رعایا هم نقد
ماند بعد از آن الکتر باویر باسم شارل هفتم امپراطور آلمانی شد و دعوی سلطنت آتریش
برآمد و جنگ نمود ولی مغلوب گشت در سنه ۱۱۵۷ جنگ دوم با پروس
شروع شد در سال بعد شارل هفتم مرد و شوهر ماری طرز بامپراطوری آلمان منتخب
و موسوم گشت به فرانسوای اول در ۱۱۶۹ جنگ سیم با پروس شروع شد و هفت
سال طول انجامید و بجنگ هفت ساله مشهور است فرانسوای اول در ۱۱۷۹

در ۱۱۷۹ وفات کرد و پسرش ژوزف دوم امپراطور آلمان شد که باتفاق آتریش
ماری طرز در آتریش سلطنت کرد قطعه از لهستان را متصرف در آنوقت دولت
عثمانی را شکست داد و بعد ماری طرز در ۱۱۹۳ مُرد ژوزف دوم به تنهائی
سلطنت میکرد و وسعت مملکتش ۱۲ هزار فرسنگ مربع بود با ۲۸ کرور
جمعیت در ۱۲۰۴ وفات کرد و برادرش لئوپولد دوم که دوک توسکان بود امپراطور
شد و او هم بعد فوت شده پسرش امپراطور دوم امپراطور شد در این سلطنت
جنگ با فرانسه شروع شد و تا ۱۲۳۰ بطول انجامید
در ۱۲۱۹ فرانسوای دوم بامپراطوری آتریش ملقب شد و در ۱۲۲۱ لقب امپراطوری
آلمانی بتوسط ناپلیون منسوخ شد در سلطنت فرانسوای دوم امور مالیه مغشوش شده
و قرض دولت بالا گرفته به ۲۷۰ کرور تمان رسید باین لحاظ پول کاغذی
و مهر سیاه رواج پیدا کرد بعد از انقراض ناپلیون وسعت آتریش ۱۲۵۰۰
فرسنگ مربع بود فرانسوای دوم در ۱۲۵۰ وفات کرد و پسرش فردیناند اول
امپراطور اطریش شد جمع اهالی آتریش یاغی شده در ۱۲۶۵ استعفا نمود
و برادرزاده اش فرانسوا ژوزف امپراطور شد در اوایل سلطنت اهل مجارستان

طغیان نمودند ولی سلطان بکمک قشون آتریش دفع نمود در سنه ۱۲۷۶ با دولت
ایتالی جنگ کرد در ۱۲۸۳ مجدداً با ایتالی و پروس جنگ نمود و از آن وقت
تا حال امن است

در شرح مجارستان

مجارستان در زمان قدیم از ایالت متعلقه روم بود موسوم به پانونی
Pannonie در ۲۸۵ بعد از هجرت طایفه مجار از جنوب
روسیه بانجا آمده و طوایف سلاو و آوار را بیرون کرده آن ولایت را
بالتمام متصرف شدند و بمناسبت آنها بمجارستان موسوم گشت و رئیس طایفه
مجار موسوم به آرپاد سلطان شد و سواره مجار علی الاتصال باطراف رفته غارت
میکردند تا هنری اول و اتون اول امپراطور آلمانی آنها را باطاعت آورده و مجبورشان
نمودند که از خاک خود تجاوز نکنند در ایام پادشاهی این طایفه بمذهب
عیسوی درآمدند و رئیس آن اتین تاج سلطنت از پاپ گرفت در مائه
هفتم طایفه مغول داخل مجارستان شده اکثر ولایت را ویران نمودند و در سنه
هفتصد سلسله آرپاد بانتها رسید پس از آن شارل روبرت از خانواده آنجو پادشاه
مجارستان شد و بعد از او پسرش و بعد سیگیسموند از خانواده لوکزامبورگ بسلطنت

رسید و در ۸۴۱ وفات کرد و آلبرت دوم دوک آتریش که داماد او بود سلطان
شد و او هم بعد مُرد و تاج سلطنت به پسر او که شیرخواره بود رسید و در ۸۴۹
یکی از نجبای مجار موسوم به هونیادی Hunyadi بوکالت
این سلطنت منتخب شد در ۸۶۲ پسر هونیادی موسوم به ماتیاس
کوروین پادشاه مجارستان شد او در ۸۹۵ فوت کرد و ولادیسلاس
Vladislas پادشاه بوهم در مجارستان سلطنت پیدا کرد
در زمان او سلطان سلیمان عثمانی مجارستان را مسخر نمود و سلطان مجارستان در
جنگی که در ۹۳۲ واقع شد مقتول گشت چون اولاد و عقب نبود بعضی زاپولیا
Zapolya و جمعی فردیناند آتریش را بجهة سلطنت مجارستان
انتخاب نمودند زاپولیا قطعه جنوبی مجارستان را متصرف شد و فردیناند
قطعه شمالی را وسط مابین این دو که پایتخت مملکت واقع بود در دست
عثمانی افتاد بعد از جنگهای متعدد سلاطین آتریش عثمانیها را از مجارستان خارج
کردند و در ۱۰۹۷ پایتخت مجارستان را مسخر نمودند و آخر الامر در ۱۱۵۲
مطابق وضع حالیه برقرار شد و تخت سلطنت امپراطور اطریش واقعه

وضع حالیهٔ آنجا — امپراطور اتریش و پادشاه کنونی مجارستان
فرانسوا ژوزف اول است که در ۲۹ صفر ۱۲۴۶ متولد شده و زوجه‌اش
از خانواده باویر است و ولیعهد او رودلف است که دختر پادشاه بلجیک را
بعقد خود درآورده — اتریش و مجارستان هر کدام پارلمانی علیحده دارند با
وزرای مخصوص ولی در تحت یک سلطنتند و قشونشان متحد است و وزیر
امور خارجه در هر دو یکی است — امور کلیهٔ ممالک در دولت سه وزارت
یکی وزیر امور خارجه دویم وزیر جنگ سیم وزیر مالیه — تنظیمات اتریش
جداگانه در عهدهٔ هفت وزیر است — و از مجارستان در دولت نه وزیر
وسعت تمام مملکت معاً ۱۲ هزار فرسنگ مربع است که در هفده ولایت
منقسم است با ۸۰ کرور جمعیت که ۵۴ کرورش کاتولیک رومی است
و ۱۴ کرور کاتولیک قسم دیگر و ۸ کرور پروتستان و ۴ کرور یهود تسنن و ارامنه
که فقط در دولت اتریش است ۱۵۰۰ فرسنگ مربع وسعت دارد و سه
کرور جمعیت که ثلث آن مسلمانند — در اتریش و مجارستان ده باب دارالفنون
۶۳۲ باب مدرسه و مکتب با هشت کرور شاگرد — مالیات مملکت

۵۶۰ کرور

۵۶۰ کرور تومان است که شش کرورش بجهة مصارف خانوادهٔ سلطنت است
قرض دولت ۳۶۰۰ کرور تومان — قشون در وقت امن ۳۰۰
هزار نفر و در جنگ سه کرور — استعداد بحریه ۱۲ فروند زره‌پوش است
و یکصد فروند بخاری با ۱۰ هزار نفر اجزاء — حاصل عمده غله است شراب
اسب کوسفند نمک ذغال سنگ نقره آهن زیبق
طول خط راه آهن ۳۸۳۰ فرسنگ — تلگراف ۲۶ هزار فرسنگ
استعداد بحریه بجهة تجارت ۱۴۳ فروند بخاری و ۹ هزار فروند بادبانی
پایتخت اتریش وین است با یک کرور و نیم جمعیت — و از مجارستان بوداپست
با ۴۲۰ هزار نفر — واحد نقد فلورن است نقره بنرخ شش هزار و چهارصد
و کاغذی پنج هزار و نهصد — تاریخ آنجا مثل فرانسه است

This very simple book on history of Europe Translated by the most humble servant Agakhan at the year 1306

